

دستار بندی ستیز و منظومه تحف مرقوم قلند بی خلیل الله دولت
 علیه ده توفیق دیوان عالی و وزرای عظام که فرود کمالی استیجاب
 حسن صورتی صفوت سریره و سیرت براعت استیصال و تصرف
 لب و حسی و فضل مروت و مکتبی برات قبایل و اجلاست
 عنوان استیصال و صهرت تصفی عقودات و تمکین صفات و الی یون
 کا بر اعراس کار و وزیر طغری مار و نسبی شسته بنده خالص جهان بی
 خیر خواه جناب خاقانی یعنی توفیقی مصطفی پناه شاعری باختر و کوه
 نثر حضرت نری طرف شرف و نون قلم نازک معط مغرای پله نوشته
 بر مصحف بهمت که پدید یکتا الی بحیرل معنون جلیله لایق و احاد
 و نفاست خط مستلین نقطی صحایف افاقد و مکتوب و مرسوم نسخ
 قواعد خوش نویسی که شرح حمد ابد مکتوب قلم غیرین برقی نیم
 محرز و مرقوم بر مجلد نفیس سوره کشف شریف که کشف الامان
 جهان و حرز بازوی زمان و نون خدیو دور و نازک نظر و غنچه سخن
 بود مقوله تحف معنوی و صورتی ستیز در زیر نفاست صورتی سنده
 قطع نظر صند و قد الفزاید کجینه مصحف و جواهر دو عالمهای کلام
 خدا ابد مملو بر صد قدر که تلقی بالقبول و التمسی و التمسی و التمسی
 استفاد و بر زان منکح رخت و بساط زر کار و پله آراسته در کاب
 سیم و زین و زین و زین بر زین بین ابد پیراسته بر رخت صبا سیر
 که پیشانی نوز این سنده تبارک و تعالی صبا و انچه اوله و رواد
 و بر قطعه لباس قوشا که شسته سبک ابد نچه و قابله آسنه
 زر که جرج جوق بود سدره جهره سنده کلف و کل کور یک
 سبک رخ فر بود سدره جهره سنده کلف و کل کور یک
 آب که هر طوکوب بود و نون سنده قطعه سنده مصدق و پنهان
 بو تحف چهار گانه که هر بری نظم رباعی و پنج مسکون بر مصحف
 بر جسته یکانه در حائره نقد قبول از زنده سنده و نون و نون

معروض بود و به موصول قلند قد شکره کتبی حضرت صدر اعظم و نون
 محترم جناب تصف جم و در اخدم شسته بنده نون و نون و نون
 چاکر درگاه خدیو زمان عاقل و کار که وجود آرزو یعنی سعادت و نون
 حضرت نری جناب جناب کتبی بر نون و نون بر نون قوشا که صافی
 الماسدن سبک قابل بجا و نون کوب کوبه زر کور سینه و نون
 لعلان نیست بر اقس و قادی که شاعری شمع طلسم و نون تیره و نون
 دیده که ناسیانی خیره اید ایدی شوی که قصه طاق لعلین نطق
 افرا که شسته یون و نون تعلیق قندیل بر نون و نون استحق کور نون
 و نون کتاب مشارق لا نور و نون و نون فیه حیات نون بدل قلند
 بر تو ضیاء باشند خط غبار مسوات لب عیان و قوروی و
 نون ماعدات طوفیق و نون کار و نون که شسته زر نون و نون
 نسج بافته و نون ظهور و نون تقویت و نون نظیر طوفیق نون طوفیق
 که ساز سرباز طاق مقرر دست اجلاست خدمت درگاه
 غنچه استمال ابد العبد و مایه که کان مولاه مصداقچه زر سار
 اوله رقی بی انداز خد و نون نون نون نون نون نون نون
 بخش صدر روم منیع الفضل معدن العلوم دعای کوی دولت
 خبر خوا و سلطنت اسمی مسما سنده مطابق ولی و نون لایق میرزا
 شیخ محمد فندی حضرت نری قندیل و نون بر مصحف شریف و نون
 بیضاوی و بر هیچ بخاری و نون طوفیق و نون بابت و نون و نون
 داری و نون طوفیق صوف خکاری و نون طاقه دستار و نون
 طوفیق کشمیری سال زر تار و نون عد و قطعی الفس و نون طوفیق
 طاس مشابیه برک سبز و نون نون معروض عتبه ملکانه قندیل
 پس نگاه حال سنده زین صدارت ناطونی شجره سنده و نون
 ثابت الاصولی حائره مروت و مکتب و نون نون و نون
 عقیق لذات شریف التماس فضیله و نون نون نون سنده نون

چهارمین کتبی عالی

چهارمین کتبی عالی

چهارمین کتبی عالی

مصحح مندی تخریرم عاجزا و لور لوج و قلم نثر در جلد مرتفع و مذتب
 نسخه سلسله آید و مصور و مصنف و مرتفع خط قطعی آید
 نظیر بر قطعه مرتفع و اصحاب کمالک و لیسنه ای نثری نظیر دیوان
 کمال خجندی در مرتفع خجندی بنیام و بر مکمل مرکز رخت حمام و رخت
 زرتین و رکاب سپین بیدارسته و زرد و زرد پوش و سپین
 اید مرتفع و پیراسته مدون و نظیر و نور و نوسه برق بجام که کویار قاص
 نازک سرین نسخ اندام آید و ناسف شهادت که بهر خط اجمال و در
 افسر نوکت و جمال سعادت و نواقت و سلطان مصطفی حضرت قری چون
 و خی علی بن عبد الله خطی آید بر مصحف شریف و در رمضان افندی قلم
 نوشته بر کافیه سوره انعام لطیف و علی رضا خطی که مکتوب صورت
 شاه عباس نام بر کتاب مرغوب و بر مرتفع مرتفعی عامل و مدانی
 و بر غایتی سعدی دیوانی و بر کمال قیمت مرتفع الماس ساعت
 مکمل رخت حمام و بر دو نامش خوش رخ کیمکات رخت و زربینه
 نثر خورشید و خوش زرتین رکاب سپین بجام آید و راجا فو با
 نخل شان و نوکت نردوز نور و زنج و دو و نود و نود سید سلطان
 بایزید حضرت قری چون و خی اسکندری حسن افندی خطی به بر کمال قلم
 و حافظ احمد قلمی آید بر انعام کریم و از طریق حضرت مراد خان غازی
 بر دیوان ممتاز و بر جلد نثر نسخه کاشن راز و بر مرتفع مصور و بر
 مرتفع الماس ساعت بر زربینه و احضار و مخف نظرگاه شهادت
 عالی بنا رقبند قدن صکره
 قرة العین بادشاه جهان نثر یعنی مصنف و مکتوب سلطان حضرت
 بر طوب و بیبا استانبولی و بر طوب قلمی و نظیر خطی و بر طوب
 خطی و دو و نود باس قدین حضرت قری بر قطعه الماس ساعت و بی
 طوفی استانبولی و بیبا و قیامت و بی طوفی ساده و قلمی خطی و نو
 ظهور که بقدر نفوشتی عمده قلم رساندن و در و در و نود و نود

مشرق افق سلطان منج حشمه مار خاقانی
 نثر شهادت سلطان سپهان حضرت قری ملک و الله ماجده لرین
 و خی بی طوفی و بیبا استانبولی و نظیر قلمی و ساده خطی و
 شهادت سلطان محمد حضرت قری ملک و در عفت بر و زربینه چون کمال
 بی طوفی و بیبا و بکینه طوفی ساده و قلمی خطی و کمال سلطان
 بایزید حضرت قری ملک و الله ماجده لرین و بیبا استانبولی
 و ساده و قلمی بکینه طوفی خطی استحضار و نوب جمله سی خطی
 عالی و قاری آید و دار السعاده السیبه غاسی جافیه ارسال
 و بعد با یکاه شهادت بر بیبا اتصال قیونب فوق الماسول جمله سی خطی
 و بقول و لندی و دار السعاده السیبه غاسی تحریر حرمه خطی
 این عصمت کده خاقانی رجا و تو کمال کمال حضرت قری بر قطعه
 الماس خجندی و بیبا و نوب قلمی طومار و بیبا قیونب یوم فرود
 صدر کریم است و جواهر شان حضرت قری هر کس بر اتمم خط
 نایب حقیقه سی طبع شکل پسند یاد است ای و نود و نود استحضار
 شهادت بیبا و خوش کلوب ظهور و نود حسن قبول همایون آید
 هر بری منون و ملکی خوشکار و لوب کند و اجناس مستوعده
 و بیبا کرانه قدر از لری طاقش کن قطار بنهار لکن و بیبا بندر
 قبول و نود و نود لکن و دستا و نود و نود و نود و نود
 بهر و قری و زربینه عالی رقت و صد و زربینه و نود اول
 و نود و نود و نود و نود و نود و نود و نود و نود
 جمیع اولان سجدار حسین باس زاده سجدار باس بق شهادت
 جهانکست سعادت و نود و نود و نود و نود و نود و نود و نود
 سوزنکاری که اینها و نود و نود و نود و نود و نود و نود و نود
 طوفی و نود و نود و نود و نود و نود و نود و نود و نود
 طوفی و نود و نود و نود و نود و نود و نود و نود و نود

بر بیبا استانبولی

قطعی زترین مار و بود و سایر اجناس فتنه نامعدود و مطعون
قسمت دخی بر دهنه مرتبای قفل و ایچ و عین اناس و بود که بزر
بجه لغابین بقیاس و صارمه و بجه توذاقی سیم قایلانه خفته
بلاز کلی حاجی مصطفی و منلا محمد و نیکو بیلی احمد نام سائده استوره
کاری و دورت عدد دستخا نه تفک و برعد و تفک بجاری که بهر
برینک که و به لری اصابت به فده ناک قدرایه بهر و تیر دخی
صدقت اثر برله همسر اولوب صدای همت و فاسدن کوش
اعداک و اقدجه دشمن قولا غنه تورشون دیرلایدی فی المثل بهر
بری آهین دل و اقسی بهر برینک فراج بود تیز خوبه بکزیادی
اغویه تورشون خشن کبی جردی سی اغون به فجه دلی جرنه جردی نفسی
نثر و بر طبعه حقیقی به عد و سنگ خانه جاشنه قو ذق بر افجه قار
ایکین به و قو نه طوفینه بو سینه نثر و تهی به هر غوغا به قاندر و کوب
جشن دخی رومی و مصری محفل طو نامش ای راس خوش صفا
بخش بنظر و بر راس بار که بهر برینک بلال آسمان زمینی و
فرصه افتاب رکاب زربینی و لغه نمایان ایدی جلد و رفتار
و جنبش عشوه دار لری آهوی تار و جینه تعلیم حرام و فغان
ما جینه صورت نمای رسم و اندام اولوب مرصع ز کبوش اید جلوه
خیز میدان ناک و تاز اولدجه و کردن سنگلک اید به حرکت یک قوام
اقدام اید کجه کویا انگاک اید وینار ر قاص چار باره باز و جیره
کجن عرب مصری به طغه ساز و حرف انداز اولور لور
بیشکاه شهادت کان جلال غوغا نه ایچ و دنان به بهیه
اصغی مفرداتی بیاسنده در سنده سده اصغی سحیده تنگ لغوش
ایده کلری تحف سالف الاوصاف که بیرایه سر لوحه بیان فتنه
خنده غنیه شوکت در شهرایری به زبور و دشمن قینوب بای انداز
جلوه کاه نکاه قبولی و ملق نیاز نه رکاب همایون به تشخیص

المنقذ

اولدقدن صکره شهادت کان عالی تبار خداوند کاری و جهاد
سلطنت اولان محذرات حرمسرای جهانداری ملک بهر برینه بین
و تشخیص بهور و قدری وجه اوزره اولاسیل جلیل شهریار و خل
بیل خدیو کا مکار سبیل لاسه و حلف رشد خداوند سعادتمند
عالی تبار سعادت و توجا بتلو اصالتو سلطنت سیمان بلند اعتبار
حضرت یحون عرض و تخصیص اولان کتب کرانه دن بری تلاوت
قوان کریمه ترغیب قصدینه مرصع ابجد و مصنف التهذیب امام
محمد فندی خطی اید به مرصع شریف و شیخ خطی اید سوره نغای
حدادی بهر مجلد لطیف و مولفات احمد بونی دن حوز جان عارفان
اولمغه البیق و احری نسخه نسیم المعارف کبری و بزی دخی مقدسه
صلوة و بجه رسال نعم مسائل اولن رسال مختلفه منبج القیوضات
و بری دخی جلد و تیز بهب وجه دلی غایه الغایه لطف و اکل بهای
بی نهایت بر کتاب بهیه و بری دخی طبع نازک ملوکانه لینه تصور
مسائل عمیه دن فو و کمال اولوب خاطر نجابت ماز لری محتاج
ترویج اولدجه ملاعب و ملاهی به مقصور اولوب به تحصیل معارف
صورتیه تشیید و تفریح اولمق قصدینه قلم بهر اولسند بهر مصور
مرصع و مذتب یوسف بلخا و سلسله الذهب ایدی و بونرون باعد
سیاه بوش اوزره الماس باقوت به مرصع بهر بخیر که میانه
کواکب دریه مال آسمانه بکزر و بر محفل و خوابی خنکاری رحمت تمام
زر کار که منی نایده و خواب رفیقنه نسبت خواب محل شفق سینه خواب
و بر محفل اسب طریقی نژاد که تصویر بری عجز و قلم بهر ایدی نظم
غرض عرض و دیدر انجمن حقیقانه کتور و م تحفه نورانه بی سیمایه
نایا غرض نجره دولت و نمره نهال و دوحه سلطنت سعادت و توجا بتلو
عنایتو سلطان محمد حضرت یحون ع باک عبادی و با جلد
نثر کونایه وی خطی اید به مرصع غرا و بر دخی و دخی خطی اید سوره نغای

قالی فلک جاگزای برج عقرب ابدی جانب یسینده اولن رسته سی
 تار طنبور کبی جگله کجه نغمه جارگاه جارگی جالغنه سازکار ورقاص
 جلوه سازی ساعت باشته جرج اوروب کوبا جار باره اینه اوینا
 درشته یسار یسی دخی تار سطور کبی کسیده قیلند فخر جرس قافله
 لیل و نهار اولن منتهی نور یوب ساعتی خود بخود جالار قیلمشته

جرج کیم ای کونی ساعت	نه جالار یک اکه سبته
آنی ساعت صنودم ناکیم	اکلدم باقد یغیم دقت
اونور بر کرینی حق دهر	سینخته باشنده نخوت

نه ویشل جو قهر به قایم جید پد سیاه دلو که موبو ایجاب و تمش
 فزوه فرسند هزاران بوست ابرامتی اینه کوجیلده بوتمش دلال
 و میانی جو بو قلمدن بری بر کیه غوغا ستر اوتمش فقط غوغه
 و کربانی سکر کینه یه تمش ابدی حقا که خطا بشفام خوابان اولار
 نازک و نرم و تار مرکان بنفشه بویان کل اندادن باریک و نرم
 هر موبیدن بجه سما به ابر و بلکه هزاران سیلای بادیه بیما به کپسور
 فی مثل ارنج زرد فام خورشیدی سبب برد و ستاد و صیات
 بچون برده سیکون موبنده نهان اینه رستمور بیضه کبی
 مستور و کوی ماه بدری نکه سیمن که بیانی قبسه لر کچ تار حمر
 بیاض چشم بری کبی دیده لردن دور و شب و جوجور قرص اقباب
 کبی نامنظور اولور دی نظم نور سبیلده اوشن سحر یک یینه انور
 میچون لباس کعبه بوزده مجده بالای باد ساهنه لباس و نسه نایا
 بالا ترا سبای رنگ دیگر نباشد نه وایک شخته بوست سمور که سبیل
 نظمدن سیاه و تار یک و تار مرکان سعادن نازک و باریک
 نمونه شب و جوجور بی بدل سمور که اودر یه نور سیه یا سواد وین جور
 اکر اولور سه کربان فزوه نای اولور دی نور علی انور و زردن کافور
 نه و بر شخته دخی و شق که بیاض کافور خشک و سیاهی ریزه مشک

با خود بیاضی نور چین سودای مردم عین جور عین شسته سی سینه صفت
 حاله ارجوبان خوب و سیم سواد کرده و سیدن مرغوب ابدی
 وایک شخته دخی قافم مسکین دم که سینه کرم و نرم خوبان کبی بیاض
 و صاف و سلطانی ورق آبادی مثال پاک و شفاف جمال سبزه
 صبح آسایوزی آفت و مانند آینه اقباب تابناک و براق هر دم دوزگی
 نونی مداد اود بر بیاض جواز قلمه محاسن و ستمه کافور مسکین قیل
 یفت کرده ویه مشک کل بلکه انست محتای عایس حبه پیرایه معادل اودی
 و بونردن ماعد الوان جو قهر لره قابوناه و بونغاز و جلقفا و بیاض
 و لکو دورت عدد فزوه کرا نههای دجو و هر بری بشه طونق و لوت
 اوزره ایکیشره بوغچه عجمی و سنا بنوی دیبای زنیاکه نسیج قضا حشک
 سحر منوال مثال و دونه خورشید یکه کاله باف بام و بیال اوله فی
 بویجه بر قش نازک نکار طونقش و نه بر منی دخی بیوه انداز
 نگاه اولد یغی کوش و هوشه طونقش راجتی نظم کار و بهی نقش
 انجی زایجه اولور امتیاز اودر اوله بندر نخلک قشانی بریره نر
 مضمونی تمای ذیل اوصافی اولغنه ماصدق ایلین ابدی و کدک
 هر بری بشه طونق ایکیشره بوغچه اغمتی و ساده نو ظهور خطی که نازک
 و لطافته کویا بر زلفشان ورق خطایی و لوب خرده کاری
 نقش و نگاری نقاشان چین و خطابی صورت و بر حیرت ایدر
 و اون طونق طرافی اطلس که اطلس کردون یا ننده صندل اوله
 و قش طونق الوان قنور که بر حرا ال کون شفق اول و نین و رغبی
 بوله فر و بهر یی یینه بشه طونق اودن اوزره مالا مال کبی بوغچه حشک
 و ساده و دخی قیبت مثال و لطافت رنگ و کرا فی قیبت ایدر بیوه
 اول طونق مایه و جوفه و بشه طونق صوف و پیرایه مفاد و عتار
 اولغنه سزوار اول طاقه بندی و کوسه دستار و قلی و ساج
 اول طاقه بندی لاجه و کوسه و بهر عدد و لاجه و ساج

مربورده عادت قدیمه دولت ستمیده اوزره اظهار شکر نعمت نای
 ایچون عرض اولنه حق پرته لریای انداز خدیو ممتاز قلعه سی تجیسی
 و طوفانها بوزدن دخی مساعده و ترخیص و تمنعین کنجی
 صدر عالی و تجیسی انایله اوله پدیه بهینه صغی ارسالنه مبارک
 و بعد تر قیاباتی اوزره سوق مطایای بدایای ارکان دوله مبارک
 و بریان تحف آصف خاتم مشرف برکات شه واک هم دریا
 اوله صافی لباس تبادر کرانه دن مصنوع رسمی مطبوع بر قوت
 که کل صد برک ستمیده دن مصفا و اوزره طاق سپهر اولان
 کوی بطور قدر دن مصیقل و محلا اولوب ستمیده جهانبانی انجمن سوری
 نجه نوره تقویم بهاسی صغی عقیقی تپی ساریکسه شهور بدی شسته
 که ستمیده سیمای قسطنطنیه
 دیر کورن آب صافی کوچه
 انجمن دوله ستمیده و لور فضا
 مهر پانده مرده ستمیده و لور
 صان کوش صوفی در کمر لور
 بویه بر تحفه باد شاه به ستمیده

شهر و لباس با قوت اید مصلح بر قطعه جبر است مصلح که قیام و کجور
 حوز و لغه ستمیده اولوب جوهرین روزگار بر مصلحی دخی زیور
 بازار اعتبار تیکم دایه سیمه دریانک یقه ستمیده و یکسه لایبان
 نظیری خارج طوق اقتدار و دیو لیس ستمیده و لور جواب و لور
 امکاخی و خوا اید نرایه یقه یقه به کیر رادی
 منتخب کوهرین در دست اید و لور
 شرو بر مجوهر کاسه فقور که لطافت نه زاکته و بر اجم صودر شرو
 عکس بر تو قوت حمز دن یچیده اولوب آب لعل مذاب و وانه وانه
 لباس مهر تاب آب اوزره مشابیه جاب کوهرین دی شسته
 ای دین آینه عانها جام جمی ایچدی بوکاسه دیم کوهری بوعلی
 ایچدی بن کوهرین ستمیده و لور با ووه مرکوز و لور صغی دفع عقی
 شرو بر کوزه مجوهر مصلح کار که قیمت شکر فقور نامدار

اولوب بلال آسمان قولی و سبیکه افتاب التون قیامی اولمغه
 ستمیده اولوب ستمیده شرف و ابرو کوزه و بار بار کاوله ستمیده
 جهانبلیب بر لب بنجه اولور کوروب و برداخی مهر اید ماه و لور
 برداخی ایچون اول کوزه دن اوله ستمیده و جهانبلیب ستمیده
 شرو وینه لی بندایشی بر مصلح مصلح جوهر حلیجه سیمه نقش خرم کای
 ان فی جسم آینه کبی حیه شکار بلکه قاشی حسن رسمی اوجی تیار
 دیر ذخار کبی صورت دیوار ایدردی لوانه حکمت بودیه نقش
 استاده نه کوزل حلیجه هالیون باد شرو و جغت ایلی مینا کای دن
 اوج کوزلی نادیده بر ستمیده زرنکار که عوس تنق بوس ستمیده
 عذار کبی هر کسه حلیجه و جسم استغای مالک دینار کبی کوزلی لوانه
 طوف و کوکلی غمی اولمغه حیران لبریز ابریز ایتسه لایان و مکار
 دستکار بدن غیره عوض جاقیز چار سوی بدن ربع مسکون
 اویله بر مصلح حلیجه نادر و جوهر ستمیده ستمیده بازار اعتبار تقدیر
 قیتمده عاجز و قاصد در نظم و کونه بر مصلح ستمیده ستمیده
 ستمیده و مین تخمه مبارک ایلیمه باری تعالی جناب خسرو غیره
 بخته شرو و جویز متقال مقداری بر ستمیده عطرات ای که بر ستمیده
 ستمیده عالمی تعطیر و وایع حوران بهستی ستمیده ستمیده
 و لور عقیقت فی الشرف انظار طبعها و فی الغرب مرکوم لعل و لور
 ستمیده حکمه شتمیده باد بوی اخلاق باد شاهی تعطیر ایدر لور
 صد ستمیده ستمیده شرو و مشکل قرص بدر تمام ایچون ستمیده لور
 بر ستمیده غیر خام که حال ذوق جوان آتش ستمیده ایچون غیره
 سوزان و کاکل مسکین موبان زنجیر خلقه و و خوشبوین کوروب
 عقل عاقبت کبی بر ستمیده اولمغه ستمیده ستمیده ستمیده ستمیده
 معطر خاک قدم حضرت خان حمده بکر شرو و لور حلیجه
 که دقیقه ولان مقادیر ستمیده ستمیده ستمیده اولوب رنگ حسن

جلال الله تبارک و تعالیٰ بن مسد اقبال و فضل خندان استقلال اولدیر
و سفره نایبه ده در عشر و بیسی سحر سابق با سیم و تا و دوا و دینی
توقیفی خطی با سحر حضرت قری فرقدان آسمان کبی همزادی انصال
و سر قنای قران السعدین عز و اقبال اولدیر و سفره نایبه ده صدرین
افند بر و بسط مقدمات بحال شمس آله مال اولوب قیاس اقرانی
منال قدیر و سفره رابعه در شش اول و ثانی و ثالث و قدر در سه
نوازه حسن خوان کریم اولدیر و دوا و صدرین عظمی کندی صافی
محمد آغا حضرت قری دخی یوم مزبور حضرت صدر کریمه ردیف
قایمه کریم بوریوب مغرور و بیمة عظیمه سلطان و مهمان
نعمتی نزه اولدی ایله و رای سرایر و اوقده جاربالتین
ملکای تکلیف اولمایدی انوره دخی بر سفره الون نعم تخصیص
اولوب تنهائتین موقع اخلاص اولدیر و ترتیب بدست
و مضبوط اولد قده جاست نکیران سلوب سابق اوزره خدمت
طعامه دیوان و تبره ازان کبیر و ازان ساری عتیق قیوه و سرت
و کلاب و بخور خدمتدینه نامور اولدی ایله تکمیل خدمت لایری
رسم و عادات ایوب هر کس دوام دولت بادشاهی و تقاض
نعمت و سرور و شوکت بناهی و عاسی ایله توجه خراب حاجت
و قرار کارینه رجعت یلدر صوغت مزاج زهد آواز بارقه نشانه
حصول وقت عصره نشان اولد قده هبوب روزگار تند بدخل
قامت سدره خرام خداوند کارینک ترسانه باغچه سی مننه
تایل و اهترانه بادی و طعین اول بهای و ج شان بوکون
سرایان مقدسجه آرزوی آسمان بیور مشایدی کینه
دخی ع اول چراغ دودمان سلطنت نثر مینا خانه حر ساری شکار
متواری فانوس استغیا اولدیر نظم مجمع بزم افروز شوکت و جود
بادشاهه صافسون ذات همایون اسریدن خدا نثر و بوم

جلال الله تبارک و تعالیٰ بن مسد اقبال و فضل خندان استقلال اولدیر
و سفره نایبه ده در عشر و بیسی سحر سابق با سیم و تا و دوا و دینی
توقیفی خطی با سحر حضرت قری فرقدان آسمان کبی همزادی انصال
و سر قنای قران السعدین عز و اقبال اولدیر و سفره نایبه ده صدرین
افند بر و بسط مقدمات بحال شمس آله مال اولوب قیاس اقرانی
منال قدیر و سفره رابعه در شش اول و ثانی و ثالث و قدر در سه
نوازه حسن خوان کریم اولدیر و دوا و صدرین عظمی کندی صافی
محمد آغا حضرت قری دخی یوم مزبور حضرت صدر کریمه ردیف
قایمه کریم بوریوب مغرور و بیمة عظیمه سلطان و مهمان
نعمتی نزه اولدی ایله و رای سرایر و اوقده جاربالتین
ملکای تکلیف اولمایدی انوره دخی بر سفره الون نعم تخصیص
اولوب تنهائتین موقع اخلاص اولدیر و ترتیب بدست
و مضبوط اولد قده جاست نکیران سلوب سابق اوزره خدمت
طعامه دیوان و تبره ازان کبیر و ازان ساری عتیق قیوه و سرت
و کلاب و بخور خدمتدینه نامور اولدی ایله تکمیل خدمت لایری
رسم و عادات ایوب هر کس دوام دولت بادشاهی و تقاض
نعمت و سرور و شوکت بناهی و عاسی ایله توجه خراب حاجت
و قرار کارینه رجعت یلدر صوغت مزاج زهد آواز بارقه نشانه
حصول وقت عصره نشان اولد قده هبوب روزگار تند بدخل
قامت سدره خرام خداوند کارینک ترسانه باغچه سی مننه
تایل و اهترانه بادی و طعین اول بهای و ج شان بوکون
سرایان مقدسجه آرزوی آسمان بیور مشایدی کینه
دخی ع اول چراغ دودمان سلطنت نثر مینا خانه حر ساری شکار
متواری فانوس استغیا اولدیر نظم مجمع بزم افروز شوکت و جود
بادشاهه صافسون ذات همایون اسریدن خدا نثر و بوم

سرشته و آرد ایادی و کاه عوج بن لعلق موهم الوجوه منبر بر توانا
فیل قدر غریب با نسی و زینه آتوب که کن قوتن ظهار و ذوق فردا
و ساسنه و عامه کبی قاسمه ییدی بار کانی عامه برینه صاحب سبب
رفیق و سماء و خرام و آب و خیز و قوه و قیام و یه نظر نظایر
حیرت افرا ایادی و بر بر خن تک تر دورت جبهی آب جاری به
متر وین کمر کبی بید کرد مقبل و محازی وضع ایدوب دورون بر آب
و هر بر یک بچیدن صوب کبی ستاب ییدی و وارزه کمر بند میانی قدر
بر جبهی وخی اول دورت جبهی و عظیمه میوب و تقرینه کبی منبر غریبی
آتوب و ایوان و بر و بر و کبی منبر یه بند و کبی نه منطوقه تیغ
قرینه کمر کبی کبی کندی و بوجه و زره و بن جبهی و کجک ایله
طوف بنه وین خارج این ییدی بعد و نرون شک میانی ایچ
طافنده وخی منبر وین نه و بر و نشت بر جبهی وخی رفقا سی قورده
طوف و زین بعلوان منبر و دورون بر آب ایدوب رسته سون
کندار کبی و زره جبهی وین کجی و بوم مزبور و ده صفتک بر مقدار
نونه سن کوسه عکله کتفا و نه جبهی وین حلق اول یعنی متعبد
ط کبد سور و یا ایدی بو نسا و و سستی بو سید و لی طبعه و بجهی حکم
چون قورم لغت ایدی چون صحن و زره جبهی و و زری سر و
و بر ایدی سفره صحن قایق حقه افندی و لدی آب و عین
ایر ایدی بو غار صفا سی شرب ایدوب و آب کراسی
نشر و یوان عید زرقی و زره جبهی وین خانه محوره و اوست
قفص مزاجه بسط بساط لغت میوب مسافران و تا قدره سفره
نعم کونا کون یه مواد جت کبی بر استه و سبب سید جبهی
آسمان کبی سبب سبب کون یه عین و رسته اول قدره خوان
سالار ضیا فنده اقبال سید و عظم شیم اقبال حشر قری فریده شد
سفره اول و لوب اول کو هر کدانه محیط جاده و جبال تحبب صفا

اصدار

جوان به تنه است بن سنا اقبال و صفت کندان استقلال اولدیر
و سفره کایده و مرعش و ایسی سحر سابق و سبب و ایدوب
توقیع صحنی با نسی حشر قری و قدان تنه کبی هنر اونی اقبال
و سر قنای قران سحر بن غر و اقبال اولدیر و سفره کایده و صفت کندان
افندی و بسط مقد مات بحال منبر کانی اول و لوب یاس قری
منال قدر و سفره رابعه و شوق اول و نانی و مات و قدر و ایدوب
نوا کجی و خان کیم اولدیر و دوا و صفت کندان عظمی کجی ایدی
محمد نا حشر قری وخی بوم مزبور و حضرت صدر کیم و لدی
طافنده کیم یور یوب و مخروم و یه عظیمه سبب کانی و تنه
نقشینه اولدیر و یه و رای سحر و ایدوب و ایدوب و ایدوب
شکای کجی و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب
اول و لوب تنه است بن موقع اقبال اولدیر و زرقی و ایدوب
و مضبوط اولدیر و جبهی و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب
طافنده و یوان و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب
و کلاب و بخور خدمت و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب
رسم و عادت ایدوب هر کس و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب
نقش و سرور و نیک و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب
و قرار کایه و رجب ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب
حصول وقت عصر و نسا و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب
قامت سدره خرام و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب
قایل و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب
سبب و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب
وخی و اول چراغ و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب
متواری قانوس و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب
و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب و ایدوب

اجال به تنه است بن سنا
و سفره کایده و مرعش و ایسی
توقیع صحنی با نسی حشر قری
و سر قنای قران سحر بن غر
افندی و بسط مقد مات بحال
منال قدر و سفره رابعه
نوا کجی و خان کیم اولدیر
محمد نا حشر قری وخی بوم
طافنده کیم یور یوب
نقشینه اولدیر و یه و رای
شکای کجی و ایدوب و ایدوب
اول و لوب تنه است بن موقع
و مضبوط اولدیر و جبهی
طافنده و یوان و ایدوب
و کلاب و بخور خدمت
رسم و عادت ایدوب هر کس
نقش و سرور و نیک و ایدوب
و قرار کایه و رجب ایدوب
حصول وقت عصر و نسا
قامت سدره خرام و ایدوب
قایل و ایدوب و ایدوب
سبب و ایدوب و ایدوب
وخی و اول چراغ و ایدوب
متواری قانوس و ایدوب
و ایدوب و ایدوب و ایدوب

سرشته و اداره ایدی و کاه عوج بن الحنف موهم الوجه میل بر توانا
فیل قدر عربی باسی و زربینه آتوب کر کردن قوتن اظهار و ذوق فرقه
و ساسنده و عامه کبی قایمه ایدی بی بار کرانی عامه برینه صابریوب
رفق و سماع و خرام و افت و خیز و تقو و قیام اید نظار نظار
حیره قشعار ایدی و بر بریدن تنگ تر دورت جبهی آب جاری به
متر و من کر کبی بیکر که مقابل و محازی وضع ایدوب و درون بر
و هر بر یک بچیدن صوب کبی ستاب ایدی و وارزه کمر بند میانی قدر
بر جبهی دخی اول دورت جبهی صمیمه بیوب و اندرینه یکی تمسیر عیانی
آتوب سماع وینار بر و لای یکی تمسیر به بند و یکی نثر منطوقه تیغ
قرانه کمر کبی کجی کندی و بوجه و زره بن جبهی دن کجک اید
طوق بشردن خراج ایش ایدی بعده اندون تنگ میانی پنج
طوقه فوئی تمسیر دن تدویر و نمش بر جبهی دخی رفقا سی آفرنده
طوقه زینکین هیلون مزبور و درون بر تاب ایدوب رسته سوزن
کندار کبی حازه جبهی دن کجی و بوم مزبور و صفتک بر مقدار
نمونه سن کوستر مکه کتفا و نه جبهی دن حلاج اولدغی مستعدان
طوبه سوره یا ایدی بو تانده وستی پوسته دی طبله را به طعام کلوب
چون قلم نعمت ایدی چون صحن اوزره جبابه و دندی سر بوش
دیر ایدی سفره صحن قایق حقه افندی اولدی ملک طاعت
پیر ایدی بو غاز صف سی شکر خورده ده آب کراسی
نثر دیوان عید تربتی اوزره جاشنکیزان خاصه مجوزه و اوست
فقا نرا به بسط بساط نعمت بیوب مسخران و تا قدرده سفره
نعم کونا کون به مواد جنت کبی پیراسته و سیمین صید پیرمختان
آسمان کبی پیرمختکون اید نثرین و راسته اولدقه خوان
سالار صیفا فکده اقبال صدر عظم غیم انوال حضرتی فریده صند
سفره اول اولوب و اول کو هر یکدانه محیط جاده و جلال تخصیص مانه

اجال و تماشای سید اقبال و حسن کجیدن استقلال اولد
و سفره کایه ده عرض و بیسی سحر سابق و سیمین و اید
توقیتی عطی با سحر خری فرقه ان تماشای اید اید اید
و سر تماشای قران اید بر عز و اقبال اولد بر و سفره کایه ده صدر
ایده بر و بسط مقدسات بحال مسیح آقا مال اولوب قیاس اید
مسال قدر بر و سفره را به حد شش اول و تانی و ثالث و قدر دار
نوا کجین خوان کریم اولد بر و داد صدر بن عظمی کجی اید
محمد انا حضرتی دخی بوم مزبور حضرت صدر کمره ردیف
قایم کریم بویوب مسخوم و بیبه عظیمه سبطانی و بهما
نعمتی اید و لای سحر بر و اید و جاب و لای شش
شکای کجین اولد اید اید و دخی بر سفره اولان نعم تخصیص
اولوب تماشای حق اخلاص اولد بر و زینکین اید
و مضبوط اولدقه جاشنکیزان سوب سابق و زره خدمت
طعام دیوان و شیر و اران کیم و اران سحری عشق شوه و
و کلاب و بکوره خند مینه با مورا و لای اید تکلیف خدمت
رسم و عادت ایدوب هر کس و ام دولت با وستی و تقاضای
نعمت و سرور و شکر و عیسی اید توجه محراب جاش
و قرار کایه رحمت اید بر صوغت مزین و اید و اید و اید
حلول وقت عصره نشان اولدقه و بیوب روزگار سحر و کج
قامت سحره خرام خد و اید کار رنگ تر سانه با عجمه سی شست
تاریل و اید و اید و اید و اید و اید و اید و اید و اید
سحر و اید و اید و اید و اید و اید و اید و اید و اید
دخی اول جراح و دودمان سلطنت نثر بین خانه حضرتی
سحر و اید و اید و اید و اید و اید و اید و اید و اید
با دساره صاف کون ذات اید و اید و اید و اید و اید و اید

اولدی وجه مشروح اوزره آیین دامن بوسی ابراسندن صکر حضرت
صاحب دولت و ذریعای تالیفات و صدور و آلاء منزلت دیوان
اوتاغنه عودت و تحفیف ثواب رسیده اید بر مقدار خفت بولوب
قید عرف و اضافت ناسیجه اولمشد اکی تیر واران کیسودار
سزنی عتیق قهوه و قندو کتور دیر و طرف انترف شهر یاریدن مرهم
اکرام و اعزازی برینه تیر و دیر بوشان حیدر تریف دیوانی کی درگاه
عالی کیچر برینه بیک قدر طبعه بلا و زرم کستر و نهاده و بیغای لغهای
بکت سیمان اولمشون حاضر و آمار قند و صفت کنگ کی در زلف
اسکونی شهباز رنگ و عصفور و سوز لیدی کی شویله سوز لیدی
بقای آلاش صحاف اید کاسه شویان مطبخه زحمت تطهیر کجور
تسمیه ساق خدمت حاجت نثر قومیه حق مرتبه کرم استهای تنهاب
ایکین نه فضاله ملائم نمندن نجه ننگ جسمان حرص آزه و
صفوف موران ناجیزه و نجه دواب و طیوره و طیفیان مهنه
سوره مشابه خون صیافت اولدی بعده بوشان حیدر جان صغی
بیاده جرید اوینا یوب و طوبی نفرا تندن اوتوز قدر شخص صخو که
غالب س غمانه و شبکلاه قلندرانه اید قلندر و توس کاغذین
ایده بر برینه حله رستمانه اید رک یکین کینر کندر و بر صورت شتر
مرغی صنعتک جنبش غای بال و بر ایلوب ذی روح کی جلوه لایند
و کنگ اوزن غبه رسمده اختراع اید کلری بر قصه زکار
بر زینت و ایچنده اوج عدد و عجمه قیافت و لقی عدد رقص بیت
دائرة و کف و لظرب صورتک ابراع اید کنگ احتفای کنگ
احتیال اید غبه بی ایچندن اواره اید و ب خود خود و کنگ داسر
و غبه ساز اولد قه رقص ساعت کی اول صورتک یمن و یساره
وست افشان جولان و لوب کیسی و ف زمان و کیسی رقص بازی
کنان اولور دی حق بوییم غیب صنعت و عجیب صورت و لوب

لکونه

کر دونه فرمودی بر طوغی بورر دقیقه لی ساعته دوند سکریدی
عوبه کذا لشدن صکره اون قدر تخصیص طافله عینی اید بر رات
صورتی اید اول نخاک ایچنده نیمه بد نرین احتفا ایوب قالب کوی
فرس کی تسمیه و ایچام و رکاب بر بوش اید استر دیوزام جلوه فرس
خوام و طریفه ایلانه زمام و احواله حرام اید رک عوبه اطرافنی قلعه
ور و سنده عسکر جنگ جو کی احاطه ایدن جوانمردان تابنده رویه
سل سیف تابدار و بر بری اید مینارزه و محاربه صورتک دیور
بیاده ایدن قو هشتن ایلار اید رک مهنه خانه و طبل و نقاره دی
ایده کدران و وولوله انداز و اتره آسمان اولد بر استخار ص فروردنگ
میان فرزند است غیری ریموش اید سورا و لوب قدری قوام
رحمت کی منظور و معین بر مقدار دورون رختان میدان
نگاه اولمشو تحقیقه مرکوب برینی ذی روح قیاس ایوب مد قور اید
صیان و لوق کمان ایدر لایدی بوغور و چی نفع شطرنج نظر رتله بو
طریق اوزره آت سوره رک و نظرگاه شاد فرزان جنبش کوسره رک
سه یا اوزرینه موصوع قلعه رسمده موصوع بر قلعه شکله آتش
و بر و کلنده شول مرتبه شعله باش اولد که ساحه شینان قاشایان
سینه آتش ایدر کبی فی قرار و تار و مار ایدی بوغور و نصکره سابقا
و ای مصر قاهره علی باستان حضرت نری ناحیه صعبه دن بوسور سعید
ایچون کتور دوب دولت علیه به کوندر و کی بر و در اخلاش اتم الدینا
فرزند ما در بختادون حاجی ستاپن و حاجی محمد نام ایکی مسعود و
و سحر باز زور باز رک غایت لری افواه نقاشات العقد جیم حیرت کی
باز ایدر ایدی اول کون مبدل کتور ایوب شاکر و لینه مشق نمونه غای
صهارت ایدر لیدی از جمله کاه بر مشکک نوک آیین میان ابر و لینه
وضع اید و ب جنبی اوزره اواره و جب و راست رقص فی محاسن
و بیس و سینه قابل و انخای اید حیرت حصار طار آتش ایدر کبی

بیشکانه حسب اعتقاد اجتماع و احتیاج و ایوب ساعت اول بیکه
کند که در وزرای عظام درین مرعش و آئینی و زبر و شرفیه مضبوط
سجده است بقدر حدیثین با شایسته از ده ابراهیم با شایسته و صهر
مکرین صدر اعظمی و وزیران شریف و ذنبی و شرفیه
استرا و فضل مکتبی و این وزیر کرم توفیق مصطفی با شایسته حضرت قری
قلاوی و دیوان کورکی بیکه بر پایه سلک جمعیت اولدیر ع بعد
اصف خاتم مصروف نشود و در یاکف حضرت قری قلاوی مطهر و بیاض
اوست کورکی بیکه دیوان باطلی سمنه مکتبین بال غدا و قبل فض
خاتم زمین و نوب کتخدا ای ساجی و قارری دیوان بهایونه کیدر
کیمی مجوزه و نیشل طلس قفان بیکه سروش سبزین بال برقی سوار
کیمی رودیف مطیبه رخ فی بساط مکتبین و وقار کیم جانش با شایسته
غوغا بوبو کراغا و صدر اعظم قیو جید کتخدا ای غوغا مصطفی اغا سر
اوست و مجنون بیکه بیشکانه هر نده یور یوب و تاغ بهایونه قری
اولد قنده در وازده و تاغک جانب مینده یکیمی اوجا غوغا
صنا بطری سر لوحه دیباچه جمعیت و بازلرن انبای سپاه
و سجده سر سپاه و متعیندی علم افاز ریاست اولوب بر نظام
اوزره صف کشیده مقام عبودیت اولمغه صدر در اجتماع
که بسته وقفه گاه سلام اولمغه کوشه ابرو ایچده یا ماله نگاه
نگاه التفات و اکرام و سلام اغا سی صوت بلند دیند بر پایه ناز
حسب العاده رد سلام ایدرک مسافرا و تاغنده جاسم صدر
ارکان دولت صدر مجلس لیدر سابقا و الده کتخدا الغندن وزارت
ایده علم افاز امتیاز اولوب بعده بیرلک حسی ایده تقا عدا خیار
ایمین حاجی محمد با شایسته اکلدار دولت اولد یغندن بیرلکده رعایت
و شرفیه دعوت قننتی روزمره لباس و دستار قی حضور
اصفی به کلوب صدر رفیع القدر و وسیع الصدر حضرت قری من

قانون

قانون رفیع القدر فرموده سنه امتثال و بیر مذکور قیام بیکه تعظیم
و اجلال ایدیر موی لیده وخی سلک و وزرای عظام مد نساک ایده
واسطه عقد جمعیت اولد قد نصکره منشئه مقتدرای شهبان
و در کیمی اولدی سجده جای جلالت تنوع محراب سلطنت یحیی
خان احمد و قبله اقبال نثر بیاض دیباچه قیو قیو بیکه نو موطوعه
اولدور فر و ستمور کردن کافور کورکی اوزره حالتی نور علی نور
اولوب دستار یلری تمسک بال آسمانی و وجود بهایونری خورشید
برج اوزنک خاقانی اولد قد نوبت شایسته لغش سر پیک ایده هم
اینگ اولوب فروغ شجره سلاله سلطنت نیایچ مقتدات دولت
جواهر اصناف غرت و شوکت سلطان سیمان و سلطان محمد و
سلطان مصطفی نام اوج عدوت بنزاده کان جو بخت یا بخت
و فقیه مکتب کیمی زیور ساعده مقارنت سلطانی اولد قد نده ارباب
دارکان صدوره رحمت زمینی سیر شرف صدر اولوب فیض
محمود الاوصاف قیو محمود افندی زام سید محمد امین زمین ایدر
افندی برکت شرف سیادت و شرف و کالت رسول رب غرت ایده
جمعه دن مقدم نایل و سبتوس خداوند کار عظم اولدی بعده دیوان
عید تربیتی اوزره صدر عا لجه و وزرای معالی دستگاه و صدرین
مکرین حضرت قری و دفتر داران و خواجگان و سر بوبان بعده بیرلک
اریکه تقوی و رونق حیر سنده فتوی شیخ الاسلام و مفتی الانام سعادت
عنا یتو عطف و فتو عید افندی ستمه السلام حضرت قری و قاضی عسکر
مغز و لیدی و سائر مولی و مدرسین براتیم رسم و راهی اوزره خاک
بوسی درگاه عظمت دستگاه و شاهای ایده مفاخر و سبای اولد بیر
و سالف اندر حاجی محمد با شایسته وخی امین نوزرانا نایل سبتوس خاقان
جهانبان اولدی لکن سائر وزیران کیمی لغش و لیب نکلغات رسم
وزارتان ساد و شرف تقبل ذیل بهایون ایده مصعد السعاده

ششک بچون فرمان و نشان او تیز عدد و طوب بارقه نشان
 کجور یوب و زرا سیانی قریبند طوب بید و ازده سنده و صحن اولدی
 و ایرتیه سی لک کونی بعد عصر صدر اعظم کتخدا سی سعادتمند و محمد اغا
 و وزیر مکرّم ساحتو تو قیج مصطفی با سنا حضرتی بعد صاحب
 دولت سالی رقت صدر اعظم عالی مرتبت و کبک مطلق خداوندکاری
 وزیر رسو تدبیر شهر یاری دستور صدر میرا مشیر ملک را حضرتی
 اوقات زرین لطف لرینه بهای اوج آسمان کبی قونوب بسط
 شهبال خلق ظلیل عواقبال ایدر بومقاله سرور از سوره هایلون
 صفاینج لک روز نخستین شوق آینه خنده خنده عیالجه و بادشاه
 عدالت استکا و آسمان بارگاه حضرت نیک توجیه سمت سورگاه
 بیور دقیری بیاننده در ماه دمی القعه المبارکه که لک اولن سنجی
 چهارشنبه کونی که موکب سورج سایه کتر ساحت سرور اولن
 اوقات همایون جهان داری بیت الشرف خورشید وجود شهر یاری
 قنقنق اراجه و مشرق قرارگاه همایون بیدن افتاب جهان آرا یکه
 سعاد طلع علی قرار داده اولمغین غار خجری عبت کاه اوقات
 سلطانیه ده ادا و مبارک باد قدوم شوکت لرز مری اید آغازه
 بکیرة الافتاح خبر دعا ایتک شریطه سیده برکون اول معتاد
 و زره دعوت و نشان کافه اعظم داعی و صد در علما و مدرّسین
 و مولی علی العموم ارباب دیوان عالی مراتب مرقضه سنج بر رینه
 متعاقب و متوالی اقواب دیوانی اید ساعت اولن بره لکین
 سافرا و تاقدرنده اجتماع و قرار و شیخ الاسلام ستمه اسلام
 حضرت قری دخی عرف عیالبت نما و فزوه بیضا اید کند و لره مخصوص
 بر خیمه دایمبوس شهر یاری وقت دکن و قفه کاه انتظار
 اول شراییدی اول روز فیر و زک هم نیک نور و زاولن صبحه العید
 شوق افزونده خمر و زرافه قییم روز نهم و جمعه خواب

شب و کجور دن ظهور و بروز ایدوب ابقی طلس زینبوش کر دوی
 زبر ران و اوقات نورانی ستون اوقت جافیه توجیه عنان ایدری
 بهنگام سعاد انجامده نظم خورشید سلطنت و شهنشاه غیب و شرف
 که ایدر رخ طلعی دنیای نور غرق شرف غایت جمیعگاه سور بچون
 سوارر هواد و نوب مصرع بخت و دولت او کجبه فاسیه دار نشر
 و جناب و جناب مرتفع رخت باز کر قمار سر جیان عین دبار
 رکذرا اولد رقی نظم اول شمسوار عرصه دولت که رخسار دار
 طوتر کابی خمر و عنان و بر نشر حشمت سکندانه و شوکت خیمه
 اید توجیه سمت مجسم بیور و قدرده اول کیسوار ساحت اجلاله بستانجی
 با سنی اغا و درگاه عالی قیوجید کتخدا سی غوث محمد اغا و میر خاغلر
 حضراتی بیشتر خدمت عواقبال اولوب منزل مقصود اولن اوق
 میداننده مصرع یال و بال سنده استجیل نرایله بیکلوب تحریک
 رکاب شتاب قدیر و اول شاه عالی تبارک نطق سطرین
 و قارنده خاص خور خلیفه سی و خاصکی اغا آل طولامه و سر سر
 کمرایه او کجبه یورر بیاده لر اولوب عین و یارنده صولاقده بیت
 نمای صورت آغوش اولان سر غوشل ایدرخ حیره کون شریک
 بود جمله صفوف خدمت بادشاهی ترتیب و سجدار و رکابدار اغا
 و سائر اغایان اندرون همایون جناب خلق آتشی حضرت قری سائیه
 تعقیب اید رک دار سعاده السیه غاسی سعادتمند اسحاقی
 بشیر اغا حضرت قری ید کجیان و تبر داران اید قفا دار اولوب
 اوقات همایون نزول و هر کس کند و لره مخصوص خیمه لرینه منوال اید
 و تاغینه کلوب میرا بخت و شهنشاه وجود اولدی کویا سوره ملک و لریتم
 نشر بوانده دفتر داران و سائر خواجگان و با بکله رکان دیوان
 و کجوری و جبه جی و طوبجی و طوب عیبه جی و جاق قری صابطری
 دیوان عیبه تربیتی اوزن البسه مخصوصه دیوانه اید دیوان قیامی

مظهر اوله قری نمایان اولدی و ذکر دونان جن دره سنگ قارشو
ظرفی طویلیان جینی بیگل دانه سی و ملق مناسب یکن طفل سوخته
باله رنانه باش نسبت و ملق قصد به آینه نظر کا برندن ریلق
روا کو ریلوب محل مزوره سیاه و سحر را غارینه مضرب خیم و
بهودی غارستانی او جالری لغزانه جای آرام و محل و منام
و مکان و مقام اولق مناسب کورلدی و کا غارخانه بونیک جانب
یسارنده بعیدجه بر محل قبوجی باشی غار و تخصیص و خواننده و سازنده
دانه همایون نقاشانده بوستانچی باشی غار جوارنده خیمه بنین
قرار و ملری تخصیص اولدی و یوم مزبورده شهر یا عظمت کتر
حضرتی شهر و کان حور سید بیک لرندن سلطان حسین و
سلطان محمد اید سزای عقیقه کا لاول میدان کوسکنی همی قو برج
اکمل بور و بکتیک لر تان سندن صکره بنه تخری تان و بالی
کوسکنده تان اول طعام غشا بور و دیر ایت سی جمعه کوفی تانچی
باش حضرتی دخی ایشامه قریب سوزامینی افندی اید سراس
عقیقه غایت و محل و حدیقه لر ی لغزانه صکره بنه و لستری بنه
رجعت بیور دیر ماه مزبورک دن برنجی کونیکه نوم سبت و دفتر دار
اول افندی و این سوزامین مزبورده تدقیق تکلمه سورج صرغ
مقدور اید لر کن طراز خیمه تکلیف نصف کزین حضرتی جی کلوب
او تانغ همایون نزل و اشرف طرافی نظر دقیقه بنی اید مستعمل
بیور دیر اول اشاره جیان قنادیل و صنعی بکون کوندر تعبیه و ملور
صرق قری بر لور برینه نشانه تیمک و قصد نه مشغول ایدیر و این
وقادی نور مشکات تکمیل جرائغ افروز ستاره اولان وزیر
روشن ضمیر مایه قنادیلک او تانغ بادشاهی به کمال شرفی دروب
این سوزامینه مایه دیو تعریف کوندر خطاب و اندر دخی و افقا
کوندر لر ایشامه اولش اوم کوندره هم تبعید افسونر دیو تانیه جواب

نزل

ایت کده کوندر کوندر یک یقیندر کلمه نایه بسند بیغیه سید قوریه لطف
و عتاب مطایبه کون اشراب بیور دیر مایه قند قری بر مقد و محله
تبعید و دود قنادیل سیاه سی بازیمه کاه منر نمایان طرکده سوزی
تعیین بکون دانه یر کار تحید یقیندر کویا کمان کیندن ساد
صفای نقش مینا کاری اید ترین و بر زینت و دیباچه نسخه جامع
انجور وقت و ت زنجیره لی لئون جد و ل اید تر بوب اولدی بونین
ماده اینه لوازم مسرت و تعبیه و اسسمن و وفوت و زینت و وفوت
اولد یغی مایه جیدیه بر دقیقه نامرعی فامده قند صکره سبت
جرائغ مجلس دولت و لی لغت کل فروغ شمع سعادت سیمی جدر سل
نثرینه سزای عاقیده عودت بیور دیر کون دفتر دار افندی و سار
ارکان و دولک متعین و ارجمندی این سوزامینک خیمه آرام
وتن اول طعام اید خیمه کیمه سندن کرام اولنوب بعید و انر
دخی ستان بولمه رجعت اید بر خلاصه مدار کده اسباب سورج مظهر
قصورا و نمایوب نظر اسباب عیش و عشرت ماده اولدی بونین
بخت لور بر سه محبت تشریف یاره قالدی نثر نقش مفادی و زین
انجمن کلز مین جمعت طرازب طرینت اید مطر اولوب من بعید
لجرائ سوزامین ط شیران نظر همایون اید مستر ز اولق منکام
سعد انجائی حلول تکلیف ماه مزبورک دن او جی اتین کون نظر
نقل ایدوب تر سانه اول خیمه کانی اید ی بر برجه برجه بونین آفتاب
نثر باجمله حرم همایون اید ساحله سزای تر سانه عامه به سایه انداز
اجلال اولدیر و یوم مزبورده دفتر دار افندی و جیان دولت
میدان مزبورده خیمه سبت جمعت اولوب اول کون اوزرینه
جل قنده اید ملوک کس مسرت به صنعی بکون میدان او تانغ الی ذرائع
ستون خنده و در کینار نظاره شهر یاریده استکان کان قوت
سلام کبی قد کیده قیندی و مقداد و دوه طویلیانیه بونیه و اهر

و قباغ بادشاهی کو با سپهر شیر و محراب نازگاه در دهنده برج قوسه
نظیر قلندی و کاغذ خانه سمتی و جهه گاه و قباغ سپهر شنبه اولوب
جانب استانبول که محراب جامع سلطنت امام الامام قوه نظیر
امام حضرت نیک سمت در ارنده اسودیشین قباغ ولسی مناسبت
کوردی و مصطفی قربنده واقع درخت سایه دار مناره سیما سایه گاه
اولن چمنقه مزبوره و زرنقن قصر عدالته متصل در غت و رسم
و صورتی که متکل بر قصر قاشا ابداء و انشا سنده فرمان پیور
بر وجه مطلوب یکی کونده صورتیاب احسن سلوب و عرض
اغارینک جا در لری جوار دانه هما یونده قورلوب و قباغ
همایون یه بنجیدر تکیه سی بینده مهمانان ضیافتکده سور سلطان
ایچون اوج در کلکی یکی در کلکی اوبار واکه متصل قهوه و شربت
و کلاب و بجزر خذ متنه مامور و لنگرک جا در لری ترتیب
تصویب اولندی و ارنه همایون بودجه محاط بر کار استقرار
قندقه نضکره وفق بازوی جلالت حرزالامان بین دولت
جناب صدر سعید المنقبیک و قباغ و سایا لری و سائر خدام
دانه آسمان استانبولی شتمعی جانکی طرف بین حضرت امیر
المومنینده مضروب ساخته تمکین قلندی و اندک خنجر صلیغ
جا بینده کتخدای محترم و داماد لکتری توأم جود و همت و نازاد
لطیف و زلفت شاب شیخ منش جو نرد بیرانه تخریر و خود و زنگ
سعادتمند محمد اغا حضرت نیک سایان عت استبانی و خدام
خدام استانی قورلوب اندک خنجر قلندی و دفتر دار قلندی و رئیس
قلندی و جواهرش باشی اغا و مذکره بی قلندیر و خواجگان دیوان
قلندیر علی المرتقب و نخل عدا و اصحاب یمن و لکیر و قباغ
مقابله سنده کاغذ خانه یولینک جانب یمنینده واقع بر پشته
محمای فرحفره و زرای عظام حضرتانی ایچون ایکیشدر در کلکی جرکه

قورلوب و منوق مزبورک طرف یسارنده اغار منتری نامی آید
نشانزده استمار اولان برحق رفیعہ حرکچری غاسی و سائر
اوجاق غاری و نظرائنه تخصیص جای قرار اولوب اغار منتری
تسمیه سنگ سترای شکار اولدی وینه و قباغ همایون نظرگاهنده
وزرا و ارنه سنگ بلینده کی پشته رفیعہ ده طویلیز و جباغنه
قیمن مکان و و قورعد و طوب رعد و آواز و صنی فرمان بودوب
بر دفعه غی استخر و بر دفعه طویع خورشید وجود شهر بار هفت کتور
و بر دفعه و خنجر افان عصر کوشک ز اولدقه تیلوب بوقالب اوزن
هر بوم او جرکه متشکلر انک شریطه طویجی باشی غایه و طوب عربی
باشی به امر عالی صادر اولدی وینه و قباغ شهر یارینک و جهه گاه
یسارنده جن دره سی تعمیر اولور مانه چاه عت بر بادیده و متشکلر
طرف علای اولن بر حصینت و انعام ایچون سبکدر طوب
و انعام و سائر انعام اراقه اولدنه جن دماسنه سبل و جری اوق
قصه یایه قصاب باشی غایه و مطبخ همایون و مصرف شهر بار
مصرف ختام اولوب مصارف یومینه بی ضبط و ترتیبه باش
محاسبه طرفندن معین و نامور کات سور و خنجر بوسره چکلوب
قشر بغاتی قلندی ابد سلاک مزبوره تنظیم اولندی جمله به نظارت
ازدی مناسبه بین سور قلندی و خنجر اول محله نصب خیمه سطر
و انصافنده برخانه تخلیه اولوب لوازم مطبخ و صنی ایچون انخاد
کیمار اولندی و الشمس قضغان کنجایینه متخل و دانی و جاق قلندری
کتور بودوب اول طرفی مواقع اسانی قیلدیر و خدام صبیان ختام
این سور جوارنده اولوب بر طرفدن یوز اقلی نظر جواهر خیمه لری
و بر جانبده طویجیان و جنجیان جا در لری قور مغیله خوف و جبا
بینده جلوه مستلک بانه صبیان نظم خون کشنه و لک
روشن قلندیر کبی بر جانبی نقش اولدی بر جانبی اب نثر لامینه

مبانی تعیین یحیی حضرت صدر الصدور و دفتر دار فندی و
این سور میدان فروری جو لاکه و خوش قبال سور و ب و بوم
سابقه موجودان ارکان دولت با سرهم اول کون دخی حاضر
و موقوف سلاطه نگاه کونه التفات تصفی به منتظر و ملری یبر
تشریف نده قد خیمه لرین کمان طاق تعظیم و اجمال ایدیر اول
دوده بختان بیان دمن اودن بر عدد و بولک و طه لری جو جیبی یبر
نظرانی یبر دانه هابونه تعیین اولنوب برادر طه تجید نیل سنده
برادر طه کاغذ خانه دین صوکتور که نامور اولان سقایان اوزرینه
و برادر طه قاسم یاسام و برادر طه خاص کونین بیری یاسام
قوتلوقه نامور اولوب و برادر طه یکجری غاسی و تاغی دانه سنده
و برادر طه مطبخ عامه یبر و برادر طه صبیان خان خیامنه و برادر طه
یکلار عامه یبر و برادر طه سقایان خدمت یبر سکر بولک
محضر غا و در طه سیدر دانه تصفی به تعیین و هر کس خدمتی
تو صبح و تبیین اولنوب دانه هابونک بر وجه آتی علم افراز حه
اعتدال اولسند کمال تمام و هر که تفصیل جانی اوزر خدمت مقام
و تفصیل مضرب خیام سور و قدر ندن صکره قنار سور و خان اولن
اصح که انقیان طلوع جیابک بر مقدمه جانی بازی شطرنج اوزر
تمام خدمت سور کا همه دوز کونن نایازن قبول اقدام دوز
یکجری سقایان و سایر مبان خدمت سور ی بخشش موفور یبر
مسور و دکان بوز و قدر نه تربت منظم سور حسن اسلوب دوز
قرار داده آراء جمهور اولنوب فاتحه خوان دعا و ثنا و ملری یبر هر
کس مکانزیه عودت و صدر عالیقدر بلند منزلت دخی عوا و قبال
ایله دولت ساری عالیقدر رجعت سور دیر بوم مقاله و تاغ هابون
و سب ز خیام اسماعیل کون بر لور نجه برافراشته ساحت سور
اولد یغی بیانده در ماه مرگورک طلوع نخی جیس کونی عالی تصبیح

جیمه ذریعین طباب آفتاب رخشان برافراشته میدان آسمان
اولد یغی وقت سعد افرانده اوق میدانده مر بولک و تاغ تعیین
اولد یغی اوزر لغب موبک سور هابون شرفصدور فرمانده مقدمه
اولمخین دفتر دار فندی و این سور و خاصه جادو مهر با سبسی
جاکبه محفل نامور اولوب و تاغ خورشید و تاغ مرکز کش سون
و خیام دانه هابونی مواضعه نهاده و جمله لوازمی حاضر و یبر
ایله بر و کتخدای شرف انتهای تصفی حضرت نیک قدم عت
رسو مریه منتظر استون خیمه کبی یا بر جای استقرار اولوب طوز
اغای مشایره حضرت نری مقدمه نامزد میعاد جلیل جهاداری
اولد یغی اوزر و خداوند کار رب بقی سلطان مصطفی خان لیسانه
صلی الخیران فی سرب ارجان حضرت نریک کریمه عفت افسر رس
مشایره الله الله سلطان حضرت نری حاله موصل و آلیسی اولوب
سور هابوننه مدعو اولن عثمان یاش حضرت نریه ترویج ایله کو پیش
عقد عقد نکاح اولن مصلحتی یحیی ساری جید سلطان فی بختند
ایدی طرف و زبیر مشایره لیدن و کانه تمام مصلحت عقد سعید
بیور و قدر ندن صکره افر دخی اوق میداننی تشریف ایوب و قدر دار
فندی و این سور اولن فندی و مهر با شعی غا اولاد دعا و ثنا ایله
و تاغ هابوننه اقامه و اودن عدد و قربان کسوب بسم الله لغب
و عامه ایله یبر بعده سایبان صدر و الا مقدمه دخی یدی قربان
و نچ اولنوب بیزیه ساحه احتشام ایندیر و تربت و و اوزر موب
سور هابوننه بود تیره اوزر تنظیم خیام آسمان کون قیلدیر که
و تاغ هابون دانه سی میدان مذکور هر قبله کا صفوف نیاز
و سجه جای مردان تیز انداز اولن مصلا فی محیط و دانه و اول
عوس و عبادت اولان یحیی صفه و لیشی استکا لغبیان مقدمه
صیانت قصدینه برادر ناموسیه خنده مانده ضمیر مستر قلوب

ده شوالک بر می سکنی کوفی بت کتخای صفت عالی وقار
 حضرت و اما دصد رکامکار نشر خاصه چادر مهتر باشی بیله موکب
 سور سطلانی اولان اوق میدانه واروب و تاغ هجاون جبابه
 و خیمه دایره خاقانی وضع او نمده حسابان بر محل تعیین بکون طرف
 ساحه به کوشه کمان بر و اندن خد نکند از نگاه کجمن به لوب
 پر و نه چنان حرمه سی شش سی نه تا شگاه اولن تقصیر بیله موکب
 خور به سی تعمیر او نمق فرمان بوردان انجیدر کیه سنگ مساحه سادان
 و مواقع مساحه سی خصوصه مبادرت اولدنی مکن خدات تنقین
 عصمت حد یقه مساحه سی ترسانه ده مانده ضمیر ستاره نغمه کبی
 بر پرده ده قراره قراره دیر طری ایله نای اول فسخ اولوب و جبهه ای اوز
 ضیافت خانه کوفی کجه مزبوره انوار تخصیص اولوب و یوم نور
 قانون قدیم اوزده هر صنف اصحاب حرفه معین اولان بهر باب
 معنای ده ملک دفتر نشر لغات و تجارت قضایان با فرمان هجاون
 بر صورتی اخراج اولوب رکاب شوکت بنامی به عرض اولدند قد
 ماحم علیه حسنه و اندن تعیین اجاس و یا قیدی ترقین وقت
 و کثرت و خضاست و نقاشی حسن رساله بهرین قندی بویا بهر
 تدارک مهم سارده سوره وقت و اتمام اولوب مطبخ عامه ده
 موجودونان غر دفت طعام تهیه و احضار و ارکان دولت احضار
 حرفت محفوظ کیمار اوزارای اولان وانی نحاسیه قیدر جد به
 ارتضای طهره و صینی و صحن و قضاان مقوله سی سور هجاون بکون
 تمنا زده قراره خضاست قلوب سار لوزم وخی با تمام تهیه
 و احضار اولدنی و آتای کوفی نخل هجاون سه نفرین و حدین
 مومنین و سکرین و در نه مانع اولدنی بورت و دکا کیک بام
 و شش بندری هم اوقنق قضا انکون نه تعمیر ممد و موعده مقدم
 اقصا سنده نه عقد و مبلغ صرفی اید کما کان قابل عمران و کور

طرف موکب نه دن دایره عمده صمان اولن اوزره کشف بکون کتبه
 و معماران تعیینی فرمان بوردنی و باب هجاون شوکتی خاقانی
 اوزنده اولان کار کیر و طه لوتها شیان سر بر عصمت یعنی
 حور بهشت حرمه سی سلطنت جبابه نه که حور مقصودات فی الختام
 لم یطیشن نس قیدم و لاجان کتبه ایوان عفتی نه اوصاف سازید
 آتای قاتاسی چون بکوزده مقر و مسیر و منظر تعیین بوردن تعیین
 اقصا ایدن تعمیر نه و فرش بوط و سار نه مبانیه مبانیه اولدنی
 بوسیاق اوزده هر کون لوزم سور هجاون احضار نه سعی و اهتمام
 اولدنی رن جمله سی لوزمندن زیاده تکمیل و اتمام قیمتی بومعنا
 شوق کینه کتخای مت رلیه حضرت یک اوق میدانه واروب
 جمیع رؤسای دولت اید بهر دو ده مسعوده به تعیین مضرب خیم
 و تعیین موکب و مقام بوردن تو صبح و اعلام ایدر
 ده ذی القعدة المبارکه کتبه بنی بازار کوفی بینه کتخای عید اقبال
 حضرت قری و با شش دفتر و اسحاق ابراهیم فندی و با شش قوی السعد
 و سورامینی خلیل فندی و درگاه عالی کیمچی غاسی محمد غا و طوبی بانی
 ابراهیم غا و سباه غاسی محمد سیک و مسجد از غاسی نیکده لی علی غا
 و جبهه جی بانی سبزی محمد فندی و خاصه مهتر باشی محمد غا ایدر
 اوق میدانه واروب موکب سور خد اوندکاری و دایره صفت
 بلند اعتباری و مضرب خیم و زاری معالی کرداری و اوج حق
 خلقک و خواجگان دیوانک مواقع خیم قرارنی یکان یکان
 تعیین وقت نرطرا و تا تعیین و تعیین ایدر بومق له معتقد اولد
 وکیل سلطنه صدر عظم حضرتی بالذات تقر و تحمین سالک
 الصفا ت بکون اوق میدانه عیبت بوردن قیدی بهر شنده
 ده مزبورک انتخابی بازار کوفی انورف موکب بادشاهی و محل قصر عدالت
 بنامی علی کاهی مشاهده و معاینه ایدر تقر بر سوابق تعیین و تاسیس

بومقاله رنگین ادای عبرت احتوا بادست و قدر دان حضرت نیک
خیر خواه دولت صدر اعظم خاص الطوبی جنانه صدق و عبودیتی
مقاوم سنده اولای غایتی و تنزه و کان عالیحضرتی ایستنی بیانده در
محیی سنت معین الدین نام سلیمان است پادشاه بحر و برت پهنه روی زمین
نثر حضرت نیک و انما شعار رفت کردار لری لطف و کرم بدل نعم و کرم
خصوصا خیر خواهان دولت علیه به نمره شجره صدق و خلوص دلالت
التفات مخصوصه شری سواره شرف بخش امتیاز و تمیز اول حسن و
قدر دان خدمت شناسنده نواز حالادیکل سلطنت و امین
الملک امین دولت صدر اعظم حضرت قرینی که قدیم آن آب و دانه
کرمی به برورده طائر حمید را به ایله حالند نه نایه مراتب
آماله وصوله دکن نظر غایتی ایله تربیت و تادیب و خدمات
دین و دولت تحصیل بصاغه استعداد و کلی ایله نجه ترغیب و ترغیب
و تهذیب ایدرک به رفتی خدمت جلوه سنده استخدا م سوردی
ایله من کوز مساعی و قنقی و دیعه اسرار سلطنته محزون مجلس
محرمیت قیدی ایله مراسم صدق و اخلاصی مزاجی بولوت محکم
شجر به و امتحانه سوره اولن ابریز قایتی دارالعیار تمیز صبر
اعتباره نمایان دولت یعنی بدوب بونا قبول و عواقبالنه ترتی
و مرتبه جاه و جلالن کتبه مترفع و مترقی ایدرک صدر صدق
علم افزا امتیاز و شرف مصابرت و محرمیت ایله جمله دن محقق
قلند یعنی کبی قاعده حسن مکافات صدق کتازی انجی صاحبی حقیقه
جاری و بدوب بلکه عقاب و انسا بنه دخی ساری اولد یعنی انست
و جمله سنده عده دولتی فی بومعنا به ارتاد و هدایت قصدینه
وزیرت رالیله دام نقد نظره علیه حضرت قرینی بر وزیر فائز اولد یعنی
سعادتی جائز تیمک به صدرت زلیهمک شمع نجاست شمع حرم
سرای سلانه طاهره سی اولن میر جلیل نقد رئی محمد بیکی دخی شهنشاه

عالمی فی ایله بر ایچیش انجمن سورتخان اولسنی فرمان و کندی
شرف کونا کونه ارزان کور و یکدن ماعد اسبیل جیلنه دخی رع
ان بد اشبل من ذاک لاسد نثر و یوب بوشرف مخصوص ایله
سعد اولغله نمایان کوردی فاعبره و یا اولی الالباب بیت
کوردی بر کس بودنه کلنجه دهرم بر وزیرک اوغلتک شهنشاه لک
نثر بنا ز غلبه انجمن دخی ذیل جریده ده تفصیل اولنه جنی منوال اوزره
ایکی عدد ملوکی نخل بالا بر شکر حد یقه سی ایدر اسنه فرمان سجاد نوری
شرف بخش صدر و استبدی صدرت رالیله حضرت قرینی دست
تعلیمک تربیت پادشاهیدن تهذیب نسخه اخلاق ایدر کی وجه
اوزره س ر خدمات دین و دولت مامور و معلمان کارگاه
اسرار اولن ارکان صدر و ده تعلیم سبق صدق و سداد و صدق
کاران خدمات و نیبه دن استا و دن کوردی کبی در سس موز
دستان استعداد و بقیه نامی مقدمات خلوص است و لغیر
نسخه اخلاقی مهندب و صدق و عبودیتی محبت خیر خواه دولت
و د و انجمنی سلطنت حالادارگاه عالی لازال محفوظا بالمعانی بکجه بر
اغاسی غوغو محمد خاقلری حقیقه بود شیوه امتیازی اجزا و تمیز
نامنده و به بر فرزند نجیب دار جندین میر کمر مریت
رویت مطبوعه زینت و معنا اجزای سنت ایتک شرفه سنده
و بود جمله عواطف علیه حسن و انیدن مس عده استعداد و ک
انجمن دخی ایکی نخل سر بند خوشنمایا دوانش اولمشیدی ماه
ماه مزبورک یکری سکر نخی کونی میرت رالیله دخی انرا ایله ساری
عقبه کند و لره مخصوص نخل و حد یقه لری تاسات به شرفمند
رخصت و امین سور خیمه سنده متوسله و سده استراحت اولد لیره
بومقاله نخلدای صدر اعظم حضرت نیک تخصیص عمل موکب سورتان
غایت میدا نر بوز ایوب مدار که سباب سوره مباشرت نیک کلر

مذکورده نقش نمیدان شستین و اطرافنده شهرادگان عالیحضرت
 مشایخ کشف نمین اوله قلنده رو فنجش طریسری سورا اوله جن بعضی
 لعیان منظور باد شاه منصور اولوب بواناده ساحه سرای
 چراگاه آهونگاه شهرادگان اولعین تماشای تختستان سوری
 آرزوی خاطر لری اوله یعنی زبان کوشه ابروایه لالارینه بیان
 و اندوخی سان بحال آداب و ایهال برله نظم
 شرفش دیار سبز و صحرا ارسله معنای رقع و معجب نش
 مایله مستیزانده لشکره اول تازنه نالان کلشن اقبالک هربری
 دوش رهور و اغوش لالا و رستاره رغبت ایتوب بیادجه
 سمت تخت تانه طوغی حرمان اولوب نظم نازان نازان کیددی بر
 جسته کیم تبارک الله نثر شکر حدیقه لریک کونا کون میوه شیرینی
 حیده انا مل شکران و حیدره افواه اجفان بیوردقوی و الله
 تماشالرینه بر حلاوت و یردیکه نظم این لطافت نیست
 هرگز میوه فردوس را میتوان خوردن لب سبب رخندان ترا
 نثر تازنه سبله طوطی شیرینقال ساندن قند بر ترنم ایدر
 و هرخل طوباکون سدره نمونک اغضان متقه استاق باستان
 هر دم همار بنک اشکوفه زلین بوکر خشم اله این لید و تخمین
 اولمسی مشام سو قدرینه بر کونه نخل سالی نیش و فرحت اولدیکه نظم
 بقوب بر کینه برده بوخل باکی نیش کلک هر برکی بر خارا و حشر باغبان
 نثر نشیده سبله عنایب ناطقه لرین نغمه سنج نغمه قیدیر
 نقاشان مانی نگار ماسطه کارک عروس منصفه شبنم نخل سوری
 و بر دکلی زینت و هر هفت نظر تراکت شمس سینه خوش
 کورنگین کی دفعه ماستا آمد و رفت ایدر بزرگ و جوده صفای
 طبع همایونه دخی شوقش اولوب بری نخل و صفه کشف
 و امن تفریر اولد قجه آخر شکوفه حدیقه لری حقنه قدر بر

این کلام
 در
 شهرادگان

حسن تعبیر اولد یعنی مذاق خداوند کاری به عصاره سکر مگردن
 شیرین تر کلوب خاطر خواهر به نیت و شهرادگان نه بیاده
 مرافت ایدوب بین دیار لنده دار استاده غاسی حضرت لری
 و سحر دار غافل کبر اوله رق اول سه بیت قصیده شوکتک مصرع
 موزون خرام قاسمدرین معنای بهت و احوال اید تقصیر ایدر بر بوج
 زیمه بالذات شهر بار ملائک سماط حضرت لری و حنی نخل تماشای
 خطوه سنج التفات اولدیر بیت کیده و شهراده لاله سحر شاه
 یرندن کی اوج غنچه یقه قیدی و در خند غم نثر نخلدی و سکر باغ لری
 نظر مونکاف تدقیق اید تماش و قدوم شوکت رسو لری اید کلزار
 بهشته غبطه بحث بیورد قدرندن صکره بترکاتنا ول سکر اید دماغ
 آلائی ستغنا اولدیر بعد سرای مزبورده ارتقاء موقع جهنده
 جانب بجز غریه شرف و نظارتی اولد یغندن یالی کوشکی
 تمیق اولن قصر معتاده تامل طعام ایچون فرما نقره اولدی
 اید شهرادگان ستوده کردار لینه سورا مینی فندی اید لالاری
 پشوا اولوب تیردار لری اوله لری انصافنده اولن باغجه تک میدا
 ایدلور قیوسندن دخول و قرق عده نخل سورا اید مشایخ خلقت
 طور اولان موقع بر نوری سیر ایدر دیر و تیر دارانه مخصوص
 اورته قوغوش تعبیر اولوز جایکا بدینی تماش ایدرک و قره
 قوتیقی و سونکر جی خند مشده بولنا نرک معافندینه فرما نقره
 اوله رق محفل مزبور در واره سندن سروش براق سوار بک
 راکب رخش برق رفتار و استپازان و حلویان اوله لری
 پیشکا هندن یالی کوشکی نه کد ایدوب کندیر سحر بار عالی مقام
 حضرت لری اید بعد تامل طعام ینه میدانده اولن قصر ساحه
 راکب کردونه کردون نظیر اولوب بدر منیر فلک سیر کی
 برج الشرف اصیلری اولن سوری جدیده توجه بیوردیلر

کنور ملک بیت الممنون بوضوح تن اولن کلفت و عسرت و زحمت
 و صعوبت ملاحظه سی بیت مذکور بی تبدیل و غایت اولانی وجه
 کفره تحویل امیوب غلغلک و نگر باغچه لریک ادوات و آلاتی و لوازم
 و مهماتی شمه بدن سرای عتیقه نقل و لنوب سلطان بایزید حویلی
 جاننده اولن ساحه سنه چینه لرتور یوب با فرمان همایون ماه
 شوالک طوق زنجی من کوفی مصیبت نقل و تحویل تحمید نضکره سوسه
 مطلوب اوزن مامور اولد قری خدمت مباحثت و تسمیه ساعد
 سمت ایدر بوانا ده سوز مینی طرفدن مختار قدیم اوزن لوازم
 سور مباحثه بیچون سوسه اولد تعیین و لنوب ایز لکجه قضا
 اولن بیک غایب سنی و کفور طایغی و شهر کونی و اینه جک و
 خداوند کار سنج غنه تابع کوجک کچجه و طاقی و کول بازاری
 قضا لیدن بیک اردک و سکر بیک قاز و ابی بیک مقداری
 مصرط و غی و اوج بیک و حاجه و ابی بیک کبوتر تهیه و لنده
 و سکر و صنایع بیچون بوز عدد و مولود طبله سی و اطراف سورکار
 ماهیه لرتربی بیچون اولن بیک قندیل و وون بیک قندیل
 قوتوری و ادن بیک شربت قوتور لری علی وجه نتیجه تحویل
 اولندی و خواننده بانسی پوز ناز حسن حبیبی معرخی چه جمع اولن
 خوشترانه مغنی و خواننده و منتخب مطرب و سازنده لردن سکس
 مقداری بربرینه و ساز و مشکرا و دگش آواز تازه سرتی و ونو
 ایجا بسته لرایه مشق سوز و ساز و تلکچون خاص باغچه و دیانی کوشلی
 در وازه سی و اخلنده بر محل معینه هر کون بسط و اثره انجمن و طرح
 نشین قلندی و قول قوله چیکر البسه ذر کار احسان و لنوب
 نیجه روز باز و سنباز و عبت از اطرافدن زور باز پهن لری و لن
 هنگام سورده بولمنق هوسیه کلوب کینه تعینات و یرلدی و
 بتفصیلی مناسب حالتی اولن و حال دله تعین و سور بیچون مهیا

ایندر لدی

ایندر لدی و میدان سورده تماشا یان و اعتبار از آنه تعین حدود
 و سور بیچون مختار اوزن مامور اولن قیو لکخاری و مختار
 نظراتی تماشا یان سورکار به حواله دور باش تعجیز و تشدید و طقت
 سینه کوب ایدر منع و نظریه تمکین میدان سوری حدی بیچوز
 ایدر تضییع ایدر بهشت یان یا غلو طبله ایدر صورت سحره بازیده
 لدی لاقضا تحلیله طریق بیچون سببان طسره هیکل فی انبان
 و در فعل شکله یوز لکری نظر طبله بیچو نامنه استخار صحنه که صور نام
 ایندر یوب مسیندن کسوه و سبکلاه و شلوار و سار لوازم
 شطارت مدار لری سوز مینی معرخیله احضار و هر برینه تعین
 ر واتب معتاده ایندر یوب و قانون قدیم اوزره صدقات
 سر شنه اوزگان و بیچون اولاد فقر اوزن شرفجوی ختن اولان
 بش بیک قدر جسیان کسوه لری فرمان بیور لمغین مین سور
 طرفدن ملاحظه دن زیاده لباس تدارک و امانده قیلندی ماه
 شوال معظلم بکری بشی بیچونه کونی شاه دیی ملک منوی
 که سرای عتیقه سته جهان اولدی سهر اوزگان فی ایدر اول
 قاضی بر درخت نور اولدی عکسی کویا که نخل سور اولدی
 اهترار ایددی نخل طور آسا اولدی سهر اوزگان فی میوه اکا
 حاصلی بادشاه داویناه و غنی اوج سهر اوزده ججهاه
 سرای عتیق ساحه سنده زینت بخش اولن نخل سوری و سکر باغچه
 تماشا بیچون بعد النظر سرای مذکور ساحه سنک و بیاج ججهه
 سبزه کوشنی بای انداز خوش صباغ انجیر مینی غم همایون بندکه
 اریکه میرای غفران سلطان بایزید خان و بی عباد نکاهی جوارنده
 قصر نوطح و دگش برین در وازه سنده عناقش قرار و صفت
 بسته پهن دیار اولن بندکانی توغیه لککوشه بنده نواز ملکانه
 ایدر نامل کسیر عبا اولوب اول کوه بر شهور قفرم سلطنت قصر

و مستعد و ملغنه اجرای مراسم اسلام و اقامت سنت سینه حضرت
سید الانام عیدیه فضل الصدوقه و اکل السلام ایچون توفیق الله
الملک لطیف مشهور سال میرت ردیف فصل جریف و موسم
لطیفنده ترتیب لوازم سورخانه مباشرت و قیام و نوب
و بگویند سورخانه فضل السور و قوعنده و زرای عظام و میر میرین
کرام و امر و دوی لاخترام و سایر اعیان دولت بدیوان اجرای
مراسم تنبیت یدیه ایضا شکر نعمت قوانین قدیمه حنده دولت
و قواعد تحفه سلطنتدن اولد یغنه بنادر و سور و سور و سور
اعلان و اشاعت ایچون مکتوب تحریر و ارسال و نمنندران شانه
الود و لدی الورد و بفضل الله تعالی غبطه فرمای عقد ثریا و هریجا
قوة العین نظام دنیا و باعث طینان قلوب علا و ادان اولن
شهرادکان چهارخانه بلند ایمانه نک عقد سور و احد و نظام
ختان میرت ضامنری خواص و عوامه فضا افزا و محض نعمت عظمی و
عین غنایت کبری و لدی غنی ظاهر و هویدا و ملغین ایضا شکر
کداری نعمت و اجرای مراسم تنبیت مباشرت سور و سور و سور
طرف طرف مکتوب امر اسلوب بر گویند ریوب و بود و لوله خبر سور
ایده هر شهرک داند و حصاری سوره و دوز ریوب کافه الانام
حصه مند نواله صفا و تقیم نعم فرحت یدیه ایچون سطره دعا و
قیلندی و بیکر دن خداوند کار سابق جنمکان فردوس است
مرحوم و مغفور له سلطان مصلحی خان توج الله بتاج العظمی
فی اراک بحاجان حضرت قرینک دره افسر عصمت قیبه قلاهر عفت
کریمه لکره لری الله الله سلطان حضرت قرینی شجره دودان
ابتهاجی و افتاب مشرف اردواجی قلمی معتم طبع بهایون شهریار
جهانگشت اولن وزیر کرم صوفی عثمان باش حضرت قرینی وینه
رابطه مصاهره بادشاهی یدیه مفخر و مبااهی وزیر بن وزیر

رقه و آکسی قره مصطفی باش زاهر علی باش و تنصیر وینه بادشاه
رحمت یناه مسار الیه امطر الله سحاب غفران علیه حضرت قرینک
واسطه العقد سلاله طاهره لری عثمان باش حلیله سی منه سلطان
حضرت قرینی تقابلی لغایه کیمی بیرایه سکوفه ان کفاقی قلمی ملخوط
شهریار عالی تبار مرعش و ایسی سحر سابق بر ایسم باش و دودنیای
نصرت اخوای سلطان یدیه و دین تقیم یدیه مأمور اولن وزیر کار
کداری صاف ضمیمه قودان سیبان باش حضرت قرینی شرف دعوت
ایده ممتاز و مکتوب تخطیم سلوب صفت عالیه جالب القلوب
بر لده نایسته تخصیص سنده اکرام و اعزاز و نوب تازیانه زن جنل
البرید مسارعت و ملر ایچون صدر عالی اعلی زدن سفیر ذریعوت
قیلندی بعد مدار که لوازم سور و سور و سور و سور و سور
شرفک بکری برنجی جمعه برتیه سی کونی استقامت یدیه معروف و
امور خارجیه هر صفت رسد و سدا و یدیه موصوف مطبخ مینی خیل
افندی سور بهایون مانعی ایله خلعت پوست شرفندی قیلندوب اول
کودن تهنیه لوازم و تعبیه اوقات سوره عازم اولدیر اولاکل
نمالان جار باغ سلطنت یعنی شهرادکان جویخت عالی اهمیت
حضرت قرینک هر بری ایچون بر سر سکر باغچه سی و نخل سوری بلقی
با بنده فرمان عالی صادر و ملغین حد یقه خاصه سلطانیه
حسته لرا و طه سی اتصاله بر محل تعیین اولنوب مهندسخانه
استاد خلککار لر و قور قدر زهرنگران یدیه تعبیه آلات جویین
و امینه مباشرت و اوزر لر یدیه خیمه برای نظارت اولان و قور
سابق محمد باشا کتخه ای محمد ای معرفیه عله یدیه تعیین بصرت و ماه
مزدورک بکری بشیخی چهارشنبه سنده مباشرت اولنوب بعد
انکمل ساری عقیقه نقله غنیمت و تهرادکان عالی حضرت خدی
الای کیمه سی آنده بیوتت و ایرته سی مکمل الای یدیه سرای جدید

اولدی دانه نامی کبی جلی	سرسلطان بایزید ولی
دخی بر طفل شیر خواره و داول	له کورسک نه مایه باره داول
جمله سنی معتر اید خدا	بدون همه بخشیه مولا
عن قریب از یان اید احسا	بر قاجان دخی حضرت مراد

نثر مشهوره انبیین و قیین و مانه و الف ماه دی القدره المبارک
منصفین بر اعه دیوان رقم رجوبیتری تر اسیده گذرک شریف
و مخاطب کریمه جلیله و الف و المیطرون علیه التحیه نکست
سینه سی اوزن خنایه به شرف و لوب سولف از منجه
بو کونه سور بر سرور انجمن برای وقوع و ظهور اولد قده اطراف
ممالک اسلامییه و قطار بلاد عثمانیه هر علم فراز حکومت اولد
شرفا و خانان دوزرای عظام و میر میران و س از عیان
دولت و متعینان دفتر داران و عالان قلم سلطنت ایقا
حق گذاری شکر نعمت و بصرای مراسم تهنیت پیگری بایند
فرمان شریف عالی شان اید ارسال برید بشارت و ایصال
نویده مستر و لائق قوانین دولت مستدیمه دن اولمغین
هر کلامی مافی الضمیر حسروانه بی ماطق بر فرمان متختم الازعان
و جنبش اقلای سیه اعلام اراده همایونه مطابق نخل سیدی
امور فشان نشان سفره کش ضیافتخانه جود و کرم ولی انعم
حنبل لبذل عالم فرمانفرمای ممالک اسلام و کبل مطلق بادشا
انام جامع الشمل اسباب انتظام امامه سجه تر با نظام
وزرای عظام دست آرای دستوری صدر الصدور معنوی
و صوری و اما و شهر یاری محرم حرمی سر ارجا نذاری
وزیر اعظم و مستوز فخم مشیر و مستشار کا بخش و کاجوی
و کما مکار ناظم منظم الامور مصلح مصالح الجمهور صاحب
الرای لائق و الله بیه الصائب . نظم

نقد

نقد از مور ملک و ملت	عمید الملک صدر رای دولت
شرف بخشنده صدر رعلا	نظام العالم ابراهیم پاشا

حضرت نیک طرف با هزار شکر کردن حالا دولت علیه سرسنداری
ریاست و تنهاتین خلوتخانه محرمیت سر دفتر و ارباب رعیت
عطار و اسبان دیوان سلطنت اصحاب کمالک ارجندی رئیس
الکتاب غوث محمد افندی قلم نادره سنج غنیمت رقی اید مضمون
مذکور هر مکاتیب بدیعه لایزال باغت احتوا تحریر و علا و اطراف
و انچه است عت بیام سرت فرما قلندی و اول مکتوب دافع الکود
وقت اقتضا و دستور لعل ارباب دول و لیغون بجای نه نقل اولد
بعد الاقصاب صورت مکتوب سرت لشکاب ز طرف حیرتور یا ایجاب
باقم رئیس کتاب آنها مخلصانه بود که عظم سلطین عظام و کرم
خواقین کرام شهریار و الا مقام شهنشاه گردون غلام شوکتو
مهابتو قد رتو کر متو افندی یزید شاه اسلام اید و الله تعالی
انصاره و اعوانه الی یوم اقیام حضرت نیک عطیات بهیه جنا
فیاض متعال و مواهب سینه حضرت و هب الال و لن سلاله
جلیله تاجداری و سلیل قبل لازم التجیل کامکار بری نیز اسماء وین
زمینه تاج و لکین نظم شهنشاه شوکت نشان سلطان سیمان مار
نثر و لایق تاج داری سرور یاض سروری نیک خصال و ارجمند
شهنشاه سلطان محمد و زیور تخت سلطنت رونق ملک و ملک
ماه سمار صطفی شهنشاه سلطان نورس نهال سلطنت و رخشان طلال
غروبخت و بازوی اقبال سعید شهنشاه سلطان بایزید نیز افندی یزید
طول الله عمرهم و اوام بدوام سلطنت ابراهیم غوثم حضرت نیک باری
جود متعال و برورس عنایت و افضال خداوند لایزال اید رونق افزای
حدیق و اقبال و زینت تجلی روضه سعادت و اجلا و لن
نهال تجسته فال و جود سعید لری اجتناء ختان مینت استماله قابل

نقد

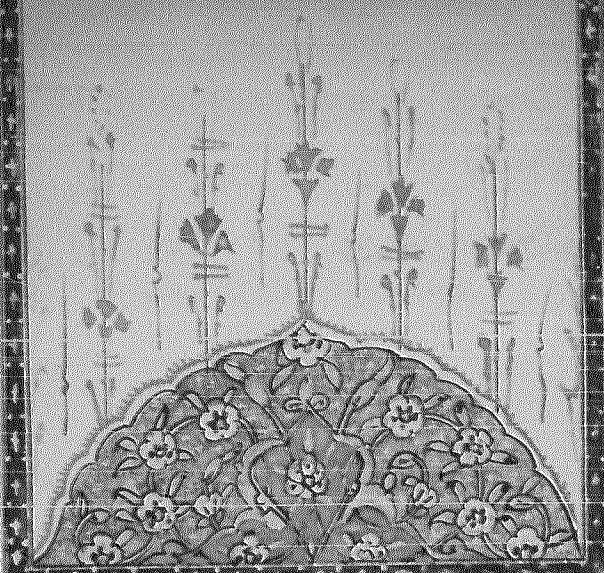
کستانه فشکری خصوصاً	تیره مش طوره غریبه صلا
صحر جبار مثال دختر	کستانه سی جانیست بکر
رنگ ایدوب که نیک بگری	قت بود غلور شک بگری
خیماره خود اینه چلی مهبوت	باو نه طوتندی صا که باد
باو نه دلوب جو خوش سرشا	نقیقه در انده جوش انوار
غوغه می شب سپیده دار	چکه رمه میدرقاره دوسار
الحاصل دلوب غیب سیر	بوسوری کور غراولدی جیر
بی منت جام دساتی وحی	مت ایدی کاشانی بی بی
عینه اوستنه عید دلوب جه	شکر چش شک در زمانه
توس قزحی نوله پید و شک	ناجیه نوله اینه آینه شک
بر بویه دو کون کور مشر	پچ بویه صفا سور مشر
کور طالع بادشاه دهری	اؤین بند ایدی کوی شیری
دهره سریان ایدوب سردی	بر وفق مراد اولدی سوری
اسباب طرب تمام جود	بیچاره غم انجی اولدی بوب
اقد مبارک ایدوب سورین	کوندن کونه آرتره سورین
ایسون کر میله جی بیجون	شهراده لوبیک عربین قوز
اعوانه حق نصیر اوسون	یار بجیسه ظهیر اوسون
کیم انک اولور سه خیر خونی	قیل مظهر خیر با انجی
داماد مکر من خصوصاً	قیل سایه دولته برجا
زیراوه جودنا زینک	اول صدر کور کور کزینک
وصف کرمی زبانه صغیر	دریا در اونا دوانه صغیر
خالص قوبدر سه جهامک	قدرین سینه لم افندی انک
صدر الوزرا وکیل مطلق	
هم نام خلیل حضرت حق	
دانی بره مایه صفا در	صانیت رحمت خدا در

اصنافی

اصنافی حیل و لطیف خلقی	احصانی ایدوب قول ایدوب خلقی
صد قیل دعای خیری هرگاه	دنیایه فریخته ولدی ایدوب
یار رب بحق سریع قائم	
قیل سنده دولته دایم	
و بهی فیسور سخن درازی	اطنا بدن ایدوب حشری
دید که سوزک صفای جان	کیم دیدی سکا بزی و صا
نظم طوته لم عقد کوب	نثر کله هر قیل نثار جوهر
دوش راه ناله ایزازمه	یوسنق ایدوب بیانه کتمه
چون نثر ایدوب اولدی بونزه قدم	فرمان جناب صدر اعظم
قیل نثر فرزند معانی	وصف ایدوب قایع ختانی
صد شو قیل اول فسانه پرواز	ایدوب مناجیه سه آغاز
حق دوست ایدوب مثال بدل	بود جمله ایدوب بسط اقوال
جر بوب انک برین برینه	
بر قطعه و قی غزل برینه	
قطعه غزل و عالمیه	
بوفتک ایدوب لم سکرین کلوب قدین	خلفه صمدی پادشاه دوزانک
که ولدی هر کونین شوقه دو کون بیزم	زمان من و مانده اول جهانک
جهان اقدیرینک کوروب مرونی	کوزی جلدی پوزی کله ی خلق دناک
قوامی کرد که روزه دکل و لکره	صفای سیری بوسور سرور بخشانک
بوسوری کور مدک ایدوب یازق سکا غافل	
ایست بیان ایدوبیم باری و صفی انک	
ذکر سر غار خامه زکین و کیش او	برای وقایع سورهای و سر و پیشا
وقتا که اول خداوند جهان را جوی جهان	آب روی آن عثمان
مفخر ملوک معدلت آیین پادشاه روی زمین	اسکندر صاحب
سربز صاحبقران عالمگیر محیی سنت احمدیه	مدار قیام شریف مصطفی

بر کونه ضیافت ایته خلیقه	کیم سفره چکیدی شام و شرفه
میدانه چسکون فلکدر	خندسته زلفیدر ملکدر
شمسید قمر دکل نظردر	طبیعه جودر پلا و وزرد
سقااق ایدوب سحاب مطر	قربه اید ضیافت صراط شرف
بن اید هم اولشما طی تقریر	اوراگی اید چاشنیک
نار شفق طوب و برین	مهر و می زهره میشد
جرج ایتدی نمود و صبحی بر سر	اوستنده کنش سبویه بجزر
صنمک که اولوردی صوغین	سکه ربه طوب آندی عدبان
رعد اید سهر اید فغان	کوس شنه صا که اولدی قزغان
بو بر قیدر کا و کور سبک ز	جاننا ز می یوخه خطوه بردان
مهی کت ابر آسمانده	کردونه می یوخه ریشمانده
کردونده قمر می جلوه نما	قدیونی بورر هواده آیا
سرد و وزره کورندی ماه نو	بالای ستونده مغربی وار
سیاره فشان اولدو فلکدر	جون برق جهنم ایدی تو فلکدر
اوینادی قیجه برق چاکل	بر بری ایچنده چینه افلاک
ابر ایدوب ریشماشی	جرج اولدی مکر طوبی باشی
قلعه یور سیوب تراکنده	قلع حبیل اولدی ستمبله
میدان اولوب عرصه دنیا	طالع می یور تدر ر بو حیات
اول سور که ایچره نخل سوری	صان طور ده کلنهال نوری
اوستنده کی تراله دار و دوز	کل مشرب در جل اقمه محلو
جند بر ایدردی کرتازی	مانند شهب جسد یی بازی
اتلو ییا ایتدی عوض جولان	چشال خیاله قالدی میدان
اندره جوقوب برر اکینه	خامه ایدی ادهم مصیبه
هر نو هوس ایتدی عرقین	دوشدی یوله نلک لوک و قیچ
آغا جدن آت ایدی کلک بارین	اوغلیختی او بوغلیختی دکل لیک

کاینج دلوب دری و تازی	ز غنچه ایدردی مشق مازی
میدانی تخی صا نوب قلدی	کج تبر کبی ایا قد و قالدی
خامنه اید اولوردی خوشانی	تربانی خوشوسی صانهانی
و بهی اید راشد سبک ز	
ایتدی قضبات سبعی احراز	
میدانی برای کس ایدی	غیر برای سایه کبی قالدی
روز اخرا و لوب بو حیات اید	سب کلدی نهار صورتیله
جون مهر وجود شاه فیروز	تختی حمل ایددی بشی روز
مشعل اولوب جوهر انور	اولدی کجه کوندره برادر
قد یلدرک اشعه سدن	سب اولدی مثال صبح روشن
کجه یم نور ایدوب تاظم	ایتدی قره بی نظاردون هم
جوت سحر کنش بر و زده	متاب فک بریندی روزه
جوش ایتدی تنور آب آتش	جاد و فتنی جاب آتش
سیر امینه شراع دوستی	افلاک انگری طوفانی
بوس کورمه فنگه اولدی حسی	صد رنگ مثال دم طاس
اولد قجه هوایی آسمان رو	بر تابی ویردی قوسه بر تو
قد قجه فنگ دولابی دور	دولوفکی ایدردی حیران
ایند کجه زمین نا کجانی	اولوردی قضای آسمانی
دوند کجه غریب تاب ویردی	استان صفایه آت بزی
کردنده اولوب فخر آت	جرج فلک طاس آتدی کویا
هر شعله دولوبل جوان	اولشدی و آلا حیدر مثال
جون اوق فتنی ظهور ایدردی	بهرام سهری کور ایدردی
اژ در فتنیکله اولدی هرب	صندوق فنگ جوج عجب
اقت صحر ایدی اژ در غری	فقیقه لاییدی اژ در غری
جون قوج فتنی ایدردی نظمه	ایدردی حمل جود نور صیحه



بسم الله الرحمن الرحيم

حمد که نه سپهر منظور	صنعه با پدی سور در سور
اول داور ملک لایزال	رزاق اسفل وعلی
فرمانده اولدی سر نهاده	بنجه شه و بنجه شهاده
احسانی صنایع عظیمه	مبدول چو نعمت و لیمه
بسط نفسم اتمده کما سی	اول روزی بخش مرغ و سی
بروقف رباطیده بود دنیا	قونوب کوچن اوله غرق آلا
نهمانده در جو عالم خاک	خون سالاری حد بود لولان

اول شاه سر بر لی مع الله

بش دقیقه کی اذان قامت	اولدی ای که بچکاه نوبت
کیم سنتی ایدر سه اجرا	سنت دو کونید را که عقب
اول شاهجه ایدوب بد تقیم	صاحبی دبره لم لال تسلیم

پارب علیه صلوات الله

ای مطرب شوق صبا ترانه	قبل سازه کلکی تار یانه
کاغذ ده نشان تار سطر	سقطورده زبر و نیمه بکر
قوتو دودی کتور میب	قبل خامه کی تیردول کمان
آهنگ نوای بر سر درایت	سویت قلمک نصیر سوزایت

ایده بکامای کلکی دمار	نایکیم براغون ابد و غار
وصاف اوله لم سه جهانم	رقص سینه بره لم کر و بیانم

سلطان زمان خان احمد
نجفی شریعت محمد

دار زمان جلیفت است	کیم جرج که نه خزینه خرم
اول غل خدایت که مور	یوق منی جوسایه نیم
قانونی اوید و رب اصوله	پیر وایت ایشی سنت رسوله
جسم مرتبه شهر یا منصور	کیم اولدی زمانی موسوم سور
کیم کوروی زمانی کبی ایام	هر بر کوفی خلقت اولدی ییم
بر باد نسک زمانی بویه	راحتکده اولدی ییدی سویه
وقتی که جوقب قوله موجب	بذل اتمده عالمه رواب
اول ایتدی عیار ملک تفتیح	وقتده اولدی سکه نصیح
احوال جهانم وار و قونی	اکلنم ایکن جوق خط کونی
دین بولنه ایوب مغازی	نامن قبیله ایتدی غازی
راحتده زمان سایه سنده	آسوده جهان حمایه سنده
صلح ایمه جهانی ایتدی سدر	کندی دخی صکره ایتدی سور
تقیم صفا عنرض جهانم	سور اولدی آره صبر بهانم
شهر اهر لرینی سنت ایتدی	انعام ایمه سکر نعمت ایتدی
چون مستعد اولدی بر خسانه	سور ایتدی شاهزادگانم
اولد قده باقفاق تدبیر	منزله سور ساحه تبر
اولدی اوفضا مثال کلشن	جادو چکی ایتدی مزین
اوق کیمی میکنوب هوا به	دوغولدی خنای اول فضا به
خلق آقادی که مثال انهار	اولدی میدان جوجو زخار
آدم در یاسی اولدی صحرا	هر خیمه برر جزیره کویا
خور سید ایدمه دکل یابان	صینی دیر بورتبهام و دربان

سورنامہ و ہجری باخط
نظیف

سارک اینست ساه جهان حضرت با
 بود و طرح صفای در دوازده کار
 خرد و جود هر یک یکی از پنج عصر
 بود و طرح سبب به اول و دوم و سوم و چهارم
 بود و قصر ایلی رسیده حالت فرای
 تمام به هجدهون پایه سلطان احمد غازی
 تاریخ پیشینه از ابراهیم پادشاه در سده و کوه
 قضا می در کوه بصره قتل در کوه
 ایوب فرمان کور در کوه بصره
 بغداد کوه کوه ایوب بصره
 زبان دله امین صوبه کی تاریخ از بر
 سبیل اوله بوجار مار صفا حبه
 تاریخ برای بجه در دوازده کار
 حضرت سلطان احمد غازی که تاریخ
 اول شمشاد جهانگیر غازی که
 کلیم در اول جهانگیر که تاریخ
 مطیع و دستارین که تاریخ
 غده و قتل ملک غازی که تاریخ
 دیر و ایلی با و ساه ایلی که تاریخ
 من بهی قون قون ایلی که تاریخ
 ملکه رونق دینه قون ایلی که تاریخ

اشته از جمله اینک معارف لطیف و معنی
 ایوب بر کوه ترشند و دوم سعد
 اید منظور نگاه اعتبار اول سهر
 دوست و دشمن منظر شایع عالم مغری
 هر برین تبه یاید و تبه یاید و تبه یاید
 طاق بون ایوب بکر کی جویان من
 سهر دله یاید و ساه ایلی که تاریخ
 ایوب مصر غده درج بر تاریخ
 یاید و سلطان احمد ک لطفی بود و ایلی
 مقدم پاکیده نوینا داید و بتر ساه

دل بهر که در دهر با خوار و در دهر کجای
دیر تر از بختی دهر بیک که بنوازم
اوله از بختی سه هزار که بر سر دهر کجای
انی حل خاطر بر خرم دگر دهر کجای
بر بیل در آنکیم دهر دهر کجای
بوی حل ایدم اوله که نظر دهر کجای
ناوک سنگ لعل ایل اندر دهر کجای
نعم به نانی تواریخ اخرون کجای
بوفکر و اخرون فیض از دهر کجای
برین بختی اخی احد و او دهر دهر کجای

طریقه را بجهت بر باب تو خدای
دیر تر از بختی دهر بیک که بنوازم
اوله از بختی سه هزار که بر سر دهر کجای
انی حل خاطر بر خرم دگر دهر کجای
بر بیل در آنکیم دهر دهر کجای
بوی حل ایدم اوله که نظر دهر کجای
ناوک سنگ لعل ایل اندر دهر کجای
نعم به نانی تواریخ اخرون کجای
بوفکر و اخرون فیض از دهر کجای
برین بختی اخی احد و او دهر دهر کجای

طبع که موافق حضرت حضرت راجه
خل نامیکه اهل فتنه و شکر کردن

تا به خضر ایوان در سحر و سحر

یکانه که هر یک لعل لعل عثمانی
سکندر منقبت نامه مظهر شکم
جملک عانی ملک خرم خرم خرم
بوناظر طهر و در و کل فای خرم
بنا خرق فانی مظهر را بستانه
اوسته در جنگ اول ایدم سحر
نم از آنک خرم خرم خرم خرم

با من جد جهانک هسانه فراری
سکندر سطنده کیمه اوله آنک نازی
سر برک تا بر نازی یعنی سلطان احمد غازی
کالک هستند در تاید و چون طاری
رناک قله حاجا دینا کیمه
نه بر نازی نه قریب نه شیرازی
صفای نه قریب نه دهر دهر غازی

ایم خضر ایوان در سحر و سحر
اوشا ایشا در دهر دهر دهر
نما و خضر ایوان در سحر و سحر
خواب و عالم در دهر دهر دهر
نصیب و سحر ایوان در سحر و سحر
مسال خاطر عیش و لوب زیاده و سحر
ایوب و خضر ایوان در سحر و سحر
ایه اول سحر ایوان در سحر و سحر
طوک ملک رستگاری خضر ایوان در سحر و سحر
عدو و دهر دهر دهر دهر دهر
ایه و دهر دهر دهر دهر دهر
هم آید و دهر دهر دهر دهر
که من کور دهر دهر دهر دهر
که بود بهجت و سحر ایوان در سحر و سحر
کولسمی ملک بونو دهر دهر دهر
همایون بخت و دهر دهر دهر
کلاک معبر دهر دهر دهر
همایون بخت و دهر دهر دهر
نقاب دهر دهر دهر دهر
طینس کوس فروجا کوس خضر ایوان در سحر و سحر

ایم خضر ایوان در سحر و سحر
اوشا ایشا در دهر دهر دهر
نما و خضر ایوان در سحر و سحر
خواب و عالم در دهر دهر دهر
نصیب و سحر ایوان در سحر و سحر
مسال خاطر عیش و لوب زیاده و سحر
ایوب و خضر ایوان در سحر و سحر
ایه اول سحر ایوان در سحر و سحر
طوک ملک رستگاری خضر ایوان در سحر و سحر
عدو و دهر دهر دهر دهر دهر
ایه و دهر دهر دهر دهر دهر
هم آید و دهر دهر دهر دهر
که من کور دهر دهر دهر دهر
که بود بهجت و سحر ایوان در سحر و سحر
کولسمی ملک بونو دهر دهر دهر
همایون بخت و دهر دهر دهر
کلاک معبر دهر دهر دهر
همایون بخت و دهر دهر دهر
نقاب دهر دهر دهر دهر
طینس کوس فروجا کوس خضر ایوان در سحر و سحر

تاریخ حبیب و سادات دین
خانان سلسله ختم محمدی خاتم محمد بن حاتم
کیم عدل و داد و مهربان و باوای
اول جبار که همه را زوی خویش
بوجبه جانپوری و فیده جبار و پادشاهی
انوری صولانور که بی کبود
سبطین خرم عالم که درین بو صولانور
مسکورا به سعید خاتون باری و ارباب
بوجبه بی وصلت قادیان بجا و ارباب
تاریخ حبیب و سادات دین
حضرت خسرو سیم جبار یعنی محمود خان ملک آرا
بنال جبار حیات هفت ایدوب جو که بوشهری یله ی حبیب
قابلیت حسیم محترمی اقتدار لایزال سنا
سایه و شنده هر برینس ایتدی بر عین جعفر انست
بری از جمله شسته و کورین حسیم بعدیل و شتا
که ایدوب ساد روح سبطینی ایتدی تشنه و قدری اروا
حضرا ایدوب ملک طریحین دیمای حبیبی سخن بجا
بلکه رخت که طاق غریبه ایتدیت ریختن ایتد بر اولا
حق قبول این وردناز قادیان
قبیلای آبه بدل کتاب اجرا

و دست ستم از پستان ابراهیم
حضرت سلطان احمد خان غلام و در
زبور تحت جلالت غفر و پیغمبر ایدوب
اول شمشاد فلک تبت که ماه و قضا
بوز سوره در کی همه ایدوب و سادات دین
اول ملک خشت نیش وانی جبار
خانک ایدوبین جبار غفر و سیم ایدوب
بیکده براد صفا غلام ملک و کل
خانم در کار و ایدوب یل لطف و سیم ایدوب
اول کر مور کیم قلوب عالم حبیبی
عالم فیض نوال رافتن و سیم ایدوب
انک بجوم غفره تخصص سوک ایدوب
شسته غفره اقبال دوله و سیم ایدوب
خلفک تار دعا خیر بر کیم حق ایدوب
یدوب بر شنده کیم نور غفره حبیب غفر
انکر در که جرم کرد ایدوب جرم هر ایدوب
جانب ایدوب که مرصکار محمد سیم ایدوب
حضرت حق ایدوبه ذاتی خط و ایدوب
والد سیم ایدوبه ذاتی خط و ایدوب
کایه طنبور و سیم بر سیم و ایدوب
مطرب غفره تریت ز ایدوب و سیم ایدوب
و سیم بر سیم جرم ایدوب ایدوب
ملهم غفره تریت ز ایدوب و سیم ایدوب
مسد دینا بولدی شمشاد ایدوب
س و دما اولد جبار شمشاد ایدوب
تاریخ حبیب و سادات دین
بر جملک اولاد جبار ایدوب
اشترین کور در غفره و سیم ایدوب
عالم غفره و سیم غفره و سیم ایدوب
مسوق و سیم غفره و سیم ایدوب
فکر تاریخ و سیم ایدوب و سیم ایدوب
هر بر شنده غفره و سیم ایدوب

صدف و مندر بحر مدفنه
وجود مرطغه نه که انک
شال جان خفجه سپه سن
سپید اوله عیب رخمه انه
برایکی کون کنججه یادرسنه
ایکبیده کیدوب و دجانه
الکوب اغوشنه تنخوا به اوله
الکی بوغرا اوله قج غنود
ایدوب و اتم سر برطنه
نجه سنه اوذخبر الحفنه

دیدمی تاریخ فون بنده دہی

رقبہ قادین غم پسندی جنانہ

بر نو نهال خاکه صا کو دست زد کار
سر غنچه ختم عرا بعد در برف
شهد خنایا بید وین آلوده او مدد
دلداران جوایله او له خنجه مینشین

صو لدر سجده دخی کلبر دیوانه
کعبت بنزایم دخی اول نعل و ماه
ز جراب مرک صو ندر کا حج کینه خواه
دینا ده و الد بنه اجرین دره

وہی دعا بدوب دوی تاریخ جلالت

کلزا خلد می احمد حق پدید جا چکا

تاریخ ششم در نظم را در کتب

وزیر اعظمی مامور خاص محمد رازی
 نظام الملک ابراهیم پاشا کریم
 کونس صوفی غر بنو در هر منی کوا
 زلال الطفی هرب نشسته میسر خیری
 خصوصاً بر قضا کیم با جارا موقوف
 عطایه حضرت برسد اید و باید
 ایسی اید و دفع ضرورت صوبه
 خدا سعین قبول انبیا کجی کعبه درم

جناب حضرت سلطان احمد خان
 اودر ساینده باغ و باد و بو
 و دوست الطفی و محسن مقصدی
 انکثاری و کلات رو بنی
 صودو محتاج اید لطیفه نکران
 کتوردی بر صوبه کیم غرض و لازم
 صوبه کجی ابرازیتو غرضی خبری
 همیشه منظر توفیق و کسوف حق تعالی

تمامہ اُردو کی سربلہ دیدم تا رخن ای و سب

مصطفیٰ زمرہ کے عین ابراہیم ہوتا

تاریخ سید محمد خاں

جہاں ایوب آج جہاں طفیلہ اروا
مفا و قول آنا علی دین الملک اور شا
خصو زمرہ بانوئی عصمتی نہ ہو
خزینہ داراوستہ افنی بدل کج
جہاں حضرت سلطان محمود سکندرجا
قلب خلعہ حب خیری امدی المص
غیون صافیہ یادردید باؤنشا
بوعین وکستی اجایدوب برقی

زبان کلک و ہیبتی بہ اشعار سیرِ نابھن

خدیجہ قادریہ رحمہ اللہ

مجموعہ عربیہ و ہندویم تاریخ اسیں خدیجہ اوسٹن لک بواب کیں پانچ وعبہ

اصطیبر دوده بنی عظام	مولد روم و سنبتی تازی
جبه برزو مصافحه دیربی	بور و ار بهی بیان خبیری
جاست نه طیب ندی آقا	اولد ایشراجل اید بازی
ایدر عقاب مرک زهر کلاف	بنجه سنده زبون و شهبازی
بال ایوب مرغ روی و جماغه	ایدر عسراوزده آتشان ساری
کوبیا کیر در قوت و غیبت و با	ایندی تسبیح قیلدی عسرازی
اولدی کی دم چو خفت جوهر	قالدی تغبده دیده بازی
نظر ایدوب استانی بزی	برایکی بار غار و هم بازی
و کله دب و صفی خموش ایددی	حمزه و صفنده قصه بردازی
جلدی برآه دیدی تاریخین	
کوچدر بهی و آئی احمد غازی	
تاریخ وفات رامی محمد باب	
حضرت سید محمد زمی پست کیم	تغف عتفه قورم ناقهر حمتد شتاده
ایندی غوم سراسر ارضت اولن بزمین	صدر دیوان جهان دلا کاجای بنا
ایدر سلطان مصطفی و حرم حجت شتاده	صدر عظمائی اولن خنکار اسکنده سیاه
مرقدی اولسون خدا یار و ضنه دار نعیم	روز محشر جانی و کوسا به عرس آله
و بهیا ناچار خزینه دیدم تاریختی	
رامی باست دایم اید صدر عدنی جلوه	
تاریخ وفات فاطمه سلطان	

شهر ارباب بن احمد خا عالجی حضرت	زنده سلک بناتی عفت و تقوی طبع
ایندی زو جند نروچ و صکره دنیا و نواح	جمع اید و جسته مولاد دولت عقبا به
تعبیه به ناسه تاریخین قبل ایا و جیا	
فاطمه سلطانیه اید و حشر اید زهر طبع	
تاریخ برای حبشی اید و حبشی ملک	
میر در بستر سیم محزن اسرار قدم	کهر کچ حکم فضا نین معن
خطا بهر و باطنی معور و کمالی سهر	قبلی آینه پر نور حبال مولا
فخر باب قلم یعنی سبک نکرده	در حق اید و لوب عازم دیوان خدا
ماش جلد جهان اولد غلبه کران	وزرا و علما و صلی و فقرا
دولت رونی دیوان بلند ایتوا	فکاک مایه ست فی ایدر کدر حفا
جلدی کی بنجه چنانچه بد قهای ظلمه	خامه سی و ایشدر عدله کت نما
بر بنی بوسه قوی آقا و مقارن	سند و بهی زوله زم اولد حق خبر دعا
بولدی مقصود بن اید و کز کز جود	شیخ اکبر لید اید و حشر حباب مولا
واحد اید بهر ایدر کندی دیدم تاریختی	
حبشی زاده حبشی بیکه جنت اولد جا	
تاریخ وفات فاطمه خانون	
کزین بانوی دارالعلوم عفت	حرم بهر داور زمانه
رقبه قادیان اول خورشید عفت	که شمع بزم پیرش جهان
نظر ایدر نرانی قرب سی	فلکده زهره ماه استرانه

منجی اوله سعاده مبارک دوت	خطبه قبله قدرت منصب آئینه
لجنه باکیده سیر این جهان دین	اوله کی سبکدیده دوتمه عتیه
کوبیا بازو بهارستانی ملک صفت	خطه ریجانه طرف نسخه در دینه
حسن خطن سیر ایدوب بهی دین تاجی	
بازو بر کو یا خاشاک سبکدیده	
تاریخ برای وفات فاطمه خانم	
حبیب صدحیف بود فاطمه خانم حلت	صوله آینه دل غنچه کفر حب
اوله بر در عصمت صدف ملک	اوله کی ملک تهنه کج عدم خاک فن
اوله بر سبکدیده والدی فاضل	جدر خود فیض ناینده صدرافت
فردی زوج اید غنچه منال مریم	زهد اید رابعه ملک نایه سبکدیده
ایوب حضرت زهرا به نیر توهم	ایده حق محرم خلوت کده خیر
دوبالوج غلام زده بازسون تاریخ	
فاطمه حیده بی زهرا اید خلد اید جا	
تاریخ برای وفات عباس سبک	
منال نساز برادون بهوب صفت	دوشتر خاکه برقاج نارسیده میده زبا
براز خلد سبکدیده عباس ملک	اکا اوله سر مبرزت بدر کار کس کو
نیجه یعقوب تن کات	دوبالوج طلعتی چاه غلام زده نایه
نوله مانند شب عالم سبکدیده	که اید اول ملک شمع جات بر کار
نه مه بر غنچه سبکدیده بر آینه	نه غنچه در نایاب اید کلمه نایه

دو نفر

اوله مخدوم کزینک فرقیته داغ	فلکده نجم زهرا زینده لاله حرا
منال قدی عباسی علم اسرار	داروب حق سخته اوله زار
دعایه قالد بر دین الم و بهی دین	
ایده خنده جاع عباس سبک	
تاریخ وفات حسین غا	
حبیب کیم حسین غا زاده	ایچدی ساقی مرکن زهرا
نوجوان ایمن ایوب حلت	دردی غلتی مادر دهری
نقیبه کونه دوشندی بو تاریخ	
آه دردیشتر محمد شهیدی	
تاریخ برای غوانی احمد غا	
آه کز کوکی غازی احمد غا	یعنی دهرک دهرمت زری
صدفی ظن زریانی	حاکم ستم سه فزازی
قلبی بر برینه قاشیده	اوله اصفا نایه سیر زری
شکل ان نده بر غنچه	سبک خلد غلامه نایه زری
خضمه بر کره حمله اید کجه	اکه لیک ایدی جوئی نایه
آج شاهی روانه طوب نایه	تیغی اید کجه صولجان بازی
ال سیر غ اید راننده	اینه لایق مبتد بر داری
نفره اوروب جانی طوره	صف حرکت اولور در ساری
هیچ مغلوب اولدی که اید	بر سفره شهادت احزازی

سجده عوف دل مظهر فرموده بود	کهیم بی لعل و سوسن عودان لاله و لاله
امام ولسلطان احمد خان نایب	جناب خواجه مستنیر دکان سلطنت
فواضلکار لطف اندیشه منعم کرم	بزر بر عدل برین حکم الوقت کز نیر
سعادته و نجه قاضی بلده بالاسلطان	سره نه سنا بول بچه کویا اولدر
امام فخره و لوب سجاده نیر مظهر	وجود محفل احکامه اولدر بانه نیر
متمینه زبور محراب و متباز اولدر	خطیب منبر مجذوب حق و مبدع
مبارک یار مولانا نصیب یار و بیباک	
سنا بول حاکمی اولدر امام یار و نایب	
تاریخ دیکر برای امامت	
رواق محراب دین منبر طراز نیر	مقتدر ابدیت بی فاضل عفت
اولدر کین مستعد صدر قاضی بکری	بک بیک رسم طریق در راه نیر
حاکم البلده اولدر بجهی دیر نایب	
اولدر کین سنا بول قاضی امام یار و نایب	
تاریخ قاضی حبیب مستنیر دکان	
علامه ذوقنون که لایق	رنگ نیر کماله نیر
تحقیق مباحث ابد کجه	کوب سید راضی سر نیر
چون سنا بول خواجه دکان	این حجر ابدی نیر
نکبست نیر ارس ابد کجه	مطلوبی و بر بوب کوجده
سنا بول کجه ابد کجه	فرمان قضا و در حجت

قاضی حبیب دکان	قاضی حبیب دکان
امری جربان ابد خان مجرب	بو کجه لعل فخره اولدر
طوبی بانی با پدر و بی دکان	
عین جبه زفر اثر اسمعیل	
شیخ غلطه نایب اولدر دکان	ایته بی سنی اولدر عشتی
و بی دکان بایک کجه	
عنان دوه کوجه سر اولدر	
تاریخ حبیب بیک	
جناب کجه ز صدر عظمه و اوراکم	که نیر بیک نایب
قدر لاله چون کجه کجه	که نیر بیک نایب
خصوصا بجه کجه	که نیر بیک نایب
همینه در کجه	که نیر بیک نایب
مجه هر حرف ابد یار و عطار و بیباک	
بو کجه صافی فخره ابد نیر	
حضرت مخدوم دکان نیر	که نیر بیک نایب

زهی دولت محمد بیک وزیرین وزیران

سند آرا شریعت رب مکرم	اول نسخه از امور محدث فرم نمود
کیم دکلر یکده برادریان محترم	اول که صفر رقم برده صفا گوید و نجوم
اندر حصان بر بر جدر بر جدر خوار	روم نظر اید و باطلیدن اول سر
حق باطل تیغ احکامید بولدر مشایخ	اول صحت تخرت عدلیه هر بر بر

دوست بر مضر علی تاریخ جاهی و بیبا
اولد بر بو احمق اسمعیل افندر صدر دوم

طراز خطبه جهان سلطان احمد غازی	که بتیتر قبله کاه پادشاه دکن مولا
برار دولت دین شهر با سندن کیم	دعا می بستر دقده فرخنده عین دکلر
اول سلطان جهانک صهر جاح صدر متناهی	اول بخیر نصف از بهیم باتار کرم میر
زمان نکلنده ایوب دینای خیر با	جهان کند ده قالد محمود و دماق جا
فقط بر موقوف دکلر کیم و از بر سر	من الباب لی طراز دین خراب
ایدوب طرافن دل جل کفر و شر طهر	بهر دیکم اید بر جامع با کینه زک
کرم کتخداسی بصب عینی صهر دین	محمد نام محمد و شمان حضرت آغا
اوده بیک نوقبله کیمیز بندت شایخ	ببند زکته لا خیر لانی الوسط حالا
بو غازه حسن نوید بر دین با و اولدی	محبت کعبه لکوبرینه و دمر و جها کویا
حدیو عالم و صهر کریم صاحب الخیر	بو کونه نیجه آثاره توفیق ایوب مولا

تمام اولد قده و بهی بسیل قدسی و بیز تاریخ
اید راورته کویده کل کیمی بر مجده زیبا
تاریخ حسیه کل احمد باب

جیات حضرت و قبال سکندر لاله دلم	جناب حضرت سلطان محمود بهمان
ایدوب سیر بت قشقا اهر سوز	نیز بر کسید منت قالد بر صهر نوح و متقا
بولوب کسین یا غینه کتور درک چو کس	رجال دکلر اهر اندر بریر حسیه
بو موقوف دین در کل حد فاکت حسیه	بو منفقه دلیل کتخدای صدر حبیب
ظهور ماجرای غل طبعن تمیوب تکدی	چالش خدمت مامور سیر کیم و اجری
یوز بیک صوی اید غلید بر طبع	صوب برینه دو کوب سیم و در شرک و کفر
بو کس حسیه دیکوی با بر سر سیر	دعا می خبر رجب بخیر اوش عالم اید

جلی تاریخ و بهی برک حرف زاده دارند
کتاب آس صوب تاریخ نقل دعا کل احمد باب

اول رئیس اهل طب رودس و شکار	کیم بسند اید در دین برین کور حاله
اول خدیو ملک احسانت بندر	بند کانی سینه کوب و اولد ماکت
یکی مصر علی یکی تاریخ کلدی خار	و بهی اوسینک اندوه فراق کعبه کوس

نوح حسیه زورق صالد عدم در پانه
حکمت لکیم سیر اهل طب کدر فوس
تاریخ برای قاضی استانبول شدن

تاریخ برای مفتی شدن اسحق فندی	
دائما استر یک کیم و کله شیخ اکام	محدثن ایرلین اسحق فندی
عالمه نافع بمسیر ابد یک ادعیه	که بشند که سر دستان جات بیا
دو شدی بر ز فریه فلا که اوله تاریخ	
لایق اسحق فندی بر مقام فتوا	
عین محبت منیع غایت علی با حق	دانت با کین ایت رباب جا به کد
اول و ز بر این وزیر کسرت یکر کیم	چشمه سرجه ده هر کسینه بر کد
دولته هم دفتر اوله قدره هم فایده	لطیف سیراب عطا ایتد جهانی کو کد
استند رجه بود کجسته بی نیا دایه	هر طرفه ز ایتد رجه ایی مانند جو
دوب کو ستر ایت ز با کله دن تاریخی	
آب جو کجسته راج عین عبده سوسو	
آب و در ز منیع حیات عطا	علی با کت که فز و نتر هم عطا دن
دولته اوله بی نیا دایه با ستر دفتر	چوق ایتد کد بیرون فم احصا دن
بجوه بر جوشم که مراد وزیرین دیر	استند کجسته ده بر نظره در اول دیر
و بیبا خاتمه اخلاص صبله باز تاریخی	
آقده بر کجسته عین علی با کت	
تاریخ برای فتوای اسحق فندی	

تاریخ

ساخته جهانی سولی ایدوب توفیق	عنده اید نفوذین اوله زمان حق
یعنی مقام افتا ایلیم سولی حلال	ارکاشکی بولید روح سال بوندن
بر سولی بوق جهنده مفتی یه مالک اولدی	مسعود ایدیه قدوس خلقه کریم مطلق
بر خورده حقیقت ناکه بقدم که اولدی تاریخ	
اسحق فندی بحق فتوایه اولدی لایق	
سنت و قدره حضرت خاتم الصمد عاتقی	که دایم مظهر توفیق خلاق قدر اولدی
موفق اید راجحه بر دستور دین کیم	که تذکیر امور خیر اید که نظیر اولدی
نه دایه بر سیمانی از دولت کله دنیا	نه بر سیمانی از دولت کله دنیا
که و نایات کرم صدر عظم بدر فخر کیم	نظیرین کور مدرجیم جاکو ضرر اولدی
خیر خواتم دولت کله رطوبت کله اولدی	اوله کرم دیوارست اید و خفته کله
کور و راجحه میر رسد نمراده کله	همان خط هما یون بویست کله
نه میر محترم نور محبت عقل اول کیم	فروغ رانی رشک بر تو صبح خیر اولدی
بوفطرت قابلیت کیم دم ایجا واکا کد	نجات سید سعادت جزو یک خیر اولدی
عطا سی شوبله در کیم دستنه تقیله کله	نوکته کور هرین کیم سائل معذرت کله
لال سما غره کیم ستم ستم کدن	لال اکین آتوب فیض قیسم کله
سرور دن آتو قصاصت افت نزل	السنه خاتمه سی سر ناسوره مصطفی اولدی
سز و یاز سه لالتون قیله اصفا ز کله	یکی تاریخ تحریر ایتد تاریخی نظیر اولدی
مصطفی کله دایه و سنه بالا سر بر اولدی	

بونزه ده نوز قوبران منری آوین اوج سبوقیردی ییانی تفکیله صف	
شه سنا عالم یعنی احمد خان غازی جناب صدر علی قهرمان بریم با سیکم ساحتده بجا خنده فرو تینه سبطه نه زور قهرمانده رنجا بیکم کوز بر کن ایندجه زما نیش والده حلب این هله دشمن قولایغنه اوره قوروم که	
وزیر اعظم و داد و دادار فلک درگاه جهانده کلک سدره زوید بر سوار علی تفک تقعه خضم در مقده شکی کلک درگاه قویوب قار شوده خانزاده بسنده اصابت ایند قور شوقی خطایه مقصود تفک فایده سی کیست ده قلد بر	
غرق حیرت دلوب دیسایر ایند تاریخ دکن دن شیروب اورد در سبوقی نصف جی	
تخت نوک بر ملکی نسخه قیام صدر دیوان جلد در مهرهایون شمس بولد الحق و نقن سندر دیم تاریخی ذات خان محمود اکر مد رف و جلی	
اول طیب عفت دولت که بونا ریخته حکمی اده ی صدره قانون تفاری علی	
وزیر اعظمی محمود خان دیشاک جناب آصف جید بریم علی باشت	

با یوب جوشیده دجونی حسنه مند بنار جامعه قید جوشیده فی تقدیم	
و صوابه دوش خضر کا و بپ تاریخ علی یوزی صوبیند آب کوثر ایچ صفا	
حضرت سلطان محمد دل وکیل طعنی ایدر بکعبه العتقی حیا پیرسم کلدر صدره جوق سیمی سانی کوزولی دولدن صوبکسی خاندن تر سنج ایدی	
بونعی باست سینه نکل ایچ باشتفا آب پاک کوز اولدر وقت بنای سبیل	
وزیران جهاک آب رومدر تجویفی بنان سستی عینده بوب کوکسته بواجیا ایدر سانی آب کوزک نامن جهانده عدلی سدر آب جودر پیرد	
حساب اده حقیق هر مهر عینه و بپ محمد مصطفی روجنه بواب جات اقدر نه دجوشیده بایدر فر سبیل اقدر علی باشت	
وکیل سلطنت صدر جیل سایه موللا عطای سنی کج و برده مار جودر ایدی رود علی باشت بوز صوبینه کل حیا ایچ اصدرا کر موللا سحر ایده نوح آب قلد سز بنه مرده قزاک سکه فی جانا	

تاریخ برای مکتب براتیم پاشا	
حضرت سلطان احمد خان غازی ملک	عقل کل تبریز نه سبزه طغی مکتب
نقل بآل امین بنام خرم کسین	کیم دعار دولتی از بزرگوار میر حسن
اول تنهت و جهان پاک و کیمی مطلق	صهر خاص صدر آلا قدر عالی کوب
معنی از براتیم پاشا رنوب اندیشه کیم	
میر و براندان دعا جلب ایملکد مطلبی	
اتباع نص قراندر شعار طبعی	نشر شرح احمد در معضای شریک
رای استاد دستان جلد شریک کیم	عقل رسطو میر در کندی کوز غی
با در تو فیهتم تعلیم به است ادب	هر امور آن که او شند طریق اصول
استه از جمله بوجیه معلوم کیم	ایملک طغی جبران حسن طرح عجب
منبت نخل وجود و مینو شکر	جویرینه اینده لعل که مال طبع
رحمت و قدر از دلب کینه جبار	کوبیا قیرا بجه زنده اوله اجداد
دلمه تو فیهتم حق بوز در مکتب باغب	خواجه عصاره دخی بومقام
سیراب و اطفال فی اوله کلله ناز	بر برینه اینده لعل اسماعیل غنی
رحله دست دعا اچو صهر طوطی	جغد اطفال کسیره بانک یارب
عمر سنی مدایت الهی بادشاه ملک	رست قیصر یارب زلعه رند مطلبی
و بهی بنده دعا ایدوب دیدی تاریخی	
جوهر براتیم پاشا بهر یونوس مکتب	
تاریخ برای تفکات انداختن براتیم پاشا	

عمرین از دین یدیه حق ایدوب در ملک	تا بحشر قید تحت ایملکد کب شرف
معنی سلطان سلاطین جهان احمد خان	نامدا سر شیه کردون سوار ورف
شویده برشه که کور دین فی ایدوب حجاب	دعوی سلطنت ایندیکه شایه سلف
شویده برشه که کورن دیرانی داماد طبع	اوسیتما زما ندر که وزیر رخصت
ایملکد نصف که نهادنده نهاد طبع	جو د خاتم هم خلد و حکم احف
معنی بنام شرفمند حبیب براتیم	
که بر اوزه طغی ایدوب هر سو طرف	
ایملکد نصف که کمان بر ایدوب بخت	تا وک ستمه ایدوبی خور سید ورف
بر کون یوبده اول مهر سیر اقبال	علی بات یاسین تمیزت شرف
اوج دوزیر اول سید ملک ایدوب ناز	بر بریزدن غوری بر دین شرف
بر بی صاحب یابی که نیرت عدل	شرف ایدوبه سمنانی سلطان نصف
بری هم نام وزیر عظم عالی ممت	که سحر از خنکار ایدوب شرف
بری تو فیهتم دوزون هما بون معنی	مرصطی نام و کزین صهر جلیل نصف
کوستوب جلیه بویستندی دین عجب	اوسته قونسه سبوقر شوندا و لور
دیدیر بوب که کوزا بر نجه قور شون	کیم قاندا لا که جناب نصف
ایندیر طونی سبوقه اندازده کام	صاید بر ملک یسکر یوز ایدوب شرف
و ایدیر قور قورن علی برانک	اوسته قوت ایدوب فی هم ایدوب
ایستبه بر بر راز دجه قوبوب ایدوب	اچنی دخی ایدوب قیر اوزات شرف
بنده و بهی سیدوب ایدوب برانک	ایلی تاریخ ایدوب و کینه و بر نصف

دیدار وجدی بپشت فاطمه قادین بهاسا	
خدیو ساقی احمد خان پیشانی	صدف پیر عصمت برزیده پیر
حضال دینانی شمس رابعه	عبادت بنک پیر شعی قاسم
سرای عالم دین تیر رحمت عقیبا	قنا کونک اولقه اکا حوالی معلوم
خدا نوزایده قبرین بویه باز تارخین اردی	
اکمی عدنی منزل پیر سلطه ام کلثومه	
شهریار ساقی احمد خان عیسی	زیده سلک بنای عفت و تقوی
ایله ی زو جندن اوج رصکره دینا	جمع اید جنده مولادولت عقیبا
تعبیه تکه ناسه تارخین قبل ایادیهیا	
فاطمه سلطه اقد حشر ایدیه زهر ایلر	
دختر حضرت خان احمد باکیر	بنت غم شه ده کوبه کردون
نخل نور ساقی صولدر دخی کلثومه	ایله فیض غاکلشن جنده صمد
قدیم منفکت ساحلیدر بوز	اولدر اول دره بیضا پیر صدف
کوچد زو کهنه سراد دیدر دهمی تارخ	
ایله خلد مقام آتیه سلطانه احد	
تارخ برای داماد شدن ابراهیم	

زهی ایال کم برج سعادته توان بندی	
کوزل ایلنه دوشدر حلالی دوشدر عیبت	
ملک محطوبه قبال شندی کفونی بولک	سیما زمانه دلدی داماد صفت
سوار دهم قبال ابراهیم باش کیم	ایده دلدی رضای عتبه بکت فرس
مناسیسم دجا و لفظ و معنا ایدیه	بسان فرقدان کوسر سولار پیر
بوسر شوقین یا یازد تارخین	نهر سجان عالم ایدیه پیر صخر
دوشدر بجه سوسی بنده درج بند کیم	ایکی س پیر لایثت پیرم دعو
مبارک باد شندی بولدر داماد و بیج واکا	
بوده دلدی ای راسیم باس صدف	
سیر یارار کونک حشر خان احمد غازی	که غایت شمت و درانی اسکنه
ادخاقان فرید و سلطه صدر ایلر	که باد اولمدق یوقالدر عیدنده دینا
حضر صابوکل دلف ای ایلر	نمودار هشت ایدیه رواب کوزاسان
چیتلی روضه کوسر سید شندی حاکم	یک در وصف کن با کلکت
اون ایشا دیشانک دوشدر بخت	اوم دلدیه رب دعامر حق تعالی
بود بجه شمس سنجی دیدر تارخین اردی	
صفایله صولدر کل عین ابراهیم	
خدیو جم شمس سلطه احمد خان غازی	
نظیری کلدی دهره ملوک شوار	

دختر بکی دخی در بی اولوب	عده نه کنده ی طو توب با شریک
کنده ی فردوسه قوناخچی کوب	فریام سده سلطانک
مقتل بر برینه دفن اولوب	انصافی کبی جسمه جانک
عمرین اقرون ایدیه تی دباغ	حضرت شاه خلخونک
بویدیه بر میت ایدیه دبی بند	یاز در تاریخ دفن ملک
مرقدین نور ایدیه سح و دانا	
اتم ام سده سلطانک	
سلک سن دوت برینه بر کوهر	
بنجه کوهر دختر باکیزه خان احمد	ایده ی خاک فدا ده روزگار کینه زای
اول دفین بر خاک دلقه دلقه	کیم دفانی ایدیه ی کونی بزه ماسری
و بهی بنده دیدی تاریخ سال رحلت	
را بهی سده نه صحن جنت اوله جلوه جا	
ینه بر دختر باکیزه سلطان احمد	
مندی تا بوتنه قحطی کشفه اندر بر بل	که اکه دایه بدیز بهره دلا لالکون
مهر رگنده ددر خواب حضور دلقه	ایده ی میل فنا ایدیه غم صنوا
بنجه شخراده خبر الخلف احسن ایدیه	دار اوله تخت سعادت و شهنشاه
و بهی بنده دعا ایدیه دیدی تاریخین	

عده نه نامل اوله یارب ایدیه سده سلطانک	
ایده ی اتم سده سلطانک	
دختر حضرت خان احمد ایدیه	بر کله باره یی صنایع آیام
ایده ی چون ترک ساری خانه	بنت غم سده جمید غلام
ایده ی چک غم بجا ایدیه	قصر جنت اوله روحیه مقام
روح ام سده سلطانک	
جلوه کا هن ایدیه حق دار سلام	
خان احمدک در یغی بنت شرف تراک	
خوشبید و شطوطه کلخچه ایدیه	ایده ی کبی نطفینه بر نور سیده سلطانک
عقبایه ایدیه رحلت قلک جنت	اول در پاک اوله خاک سبا ایدیه
حرف مجوهر ایدیه تاریخ ایدیه روحی	
ما وایی ایدیه جا یارب نطفه سلطانک	
بو قهر لانا بدین فاطمه کین ایدیه	
بنجه دم حضرت خان احمد ایدیه	هاسه ایده ی ایدیه بر کشار ایدیه
سرا کینه ملک فنا دن ایدیه	سحاف جامه خواب غامی بخت ایدیه
براهل کشفدن تاریخ فونر صدوم روحی	

نور کعبه سینه زده شفت کت ستر	کفی رده تر صاف نور جوش دریا بر صندل
جبین سبسی چین فزونی جوش کور	روان دل و لبه بر فواره سر کوبایر صوم
اوکنده کوبیا آینه بلور در دریا	بیشک عکس برانده بود نقش کشتی و دیوار
محصل و صفت تقریر و تحریف کمال	اول رسد که نیت کافیه هم جمله هر
انی حق سجده کا اهل حیات ایوب عالم	مقال موج دریا خاک در کا برین
سزا و طاقه طرح به دهمی بر کوزل تاریخ	
لب در پادشاه بر کعبه بوس حلقه و کعبه	
آه کیم رجا نه سلطان بود نازنین	
یعنی سلطان احمد سعه ختر کبر ختری	ایته دوران کوز کوره قیاده خاک
بر نیجه خیر خلف اعقاب مسرور و نوا	کیم جمال با که رشک ابروی مهر و
دور تاریخین دعای خیر اید و بهی انگ	
کلت عیانی قیده رجا نه سلطان جا کیم	
نیلدک ارفک نام سیده سلطان	
او به بر باد نهنگ کوه هر سال سنی	نیجه قیدک و جل کوه نه احمد خان
صانع ایدک دوشه و خاک سینه	رب بخش اوله نیلین سیده عثمان
اوله جمع حرم عصمتی اطفال ایدک	نقص است نه در نیلین قدر و
مهد کعبه کعبه قیاط کعبه صمدان	دفع یقین نه روا ایدر دل دوران
چو قی کور کانی کعبه غایت	

ایلدک و الله سیده انی سیمو ایدر خاک	خواب راحت قومک ماتی سحرانه
برده پادشاه و کین که سر ملک جمال	حق عزت و دره خان احمد عالیت
نیجه شهنشاهه خیر خلف احسان	حق مکافات ایدر اوله سید و
جهان عالمه را دور لازم اوله دنیا	فرصت خیر دعای بیون نسو جان
تخت پیر اوله شهنشاهه برده نام	دونه کرد و نده کوا کعبه مه تابانه
آخر خون مصائب اوله یار بیکدر	نسبی پیر ایدر اوله سیده عثمان
باشی صانع اوله خدا جنتی جولا کعبه	او قدر سر دیشانی اوله سلطان
نقشه اوله نیلین تغیر نیجه تاریخ	فلک جاک کر سانی ایدر و دانا
بنده و بهی دیدی فریاد کنان تاریخین	
عده اوله خواب که نام سیده سلطان	
نیلدک که نسل شرفمند	
خاکه بر دونه عصمت صدق اوله	ستاره جم مرتبه خان احمد عالیت
برده پادشاه و کعبه کعبه جیاب اوله	که جهان بکعبه بود نوری نظیر ملک
دوبیا خیر دعای برده دیدم تاریخین	
نور اوله مقرر بارب امده سلطان	
نام بر در حرم حرم حامی	
یعنی بانوی سرای عصمت	شعشع بزمی سیده عالیت

سبیل زلال رحمت	لجّه بر جوشن احسان و عطا
دوخته بر برگ و بار سلطنت	شمر عصمت مادر ظل خدا
والده سلطان کن بن خیر عالم	دست جو دین ختم عطا
ذکر و فکر ی باقیات صفات	کاری خیرات حس بند عطا
فی سبیل الله نجه آثار بود	ایدر کس ضای کسریا
اشنه از جمله بود جو خیمه کیم	تنه لبدر حضرت اسکندر کا
جار حافظ کبی هر لوله سی	سوزه کوثر او قور صبح و سا
ماحصل بواب جانت ایله	اولد رشاد از روح بار صفا
ایند خنده سیراب لبه	ساقی کوثر علی مرصفت
دید یز آب حیانت صفتی	کوشن ایدوب سو برین تا دوس
باری بر مناز تاریخ ایوب	
والده سلطان کن خیرینه ما	
والده سلطان عایش تمت منبر	عین جو بندگی دشته تیر و سکر ایچ
دور اسکندر رده و لسه حضرت دیر کوثر	استنه ما عین بگوئی بود لوم اسکندر ایچ
طفل مدرک لوله سن بر نر و شیر	دیه لرا ستر صلیح استر سیر با دین ایچ
سو بسو کو یات لوله ایله خیمه لر	جان غیوب شربت فروش کبی در خیمه
صاحب الخیر ک غایب صو کبی از بر	استنه صو استنه سبیل ستر و نوبت ستر
دیه با نرین شرب آب عطا شسته	

سبیل والده سلطان کن کوثر ایچ	تاریخ جامع فاطمه سلطان
شمر برج سلطنت سلطان زهرت	دختر عصمت بنه حضرت خا احمد
دره التاج سعاد فاطمه سلطان کن	داتن تیر مشرق نور فیض ستر
ایده لر بدر و زار قران اول فضا	لغه حسانی بر نور ایدر بونه کنیدی
نجه بنیانی اثر لایدر لی رب رب	کیم اول لطفینه مظفر کیم اولد ستر
شویه خیرنه مو فی ایدر مولا الیم	دیده خورشید دمه دینا دونه کوریدی
ایسته از جمله در دوشتر رخا صنه	ایدر نشا ابو عباد کجا عالی سندی
ابتدا ایدر کده تاسیس بنایه ویا	سولدم تمامه تاریخ بگویم بونوردی
فاطمه سلطان ایدوب ایجا بوزیر عباد	
مسجد کن بودیه بر ایزه جامع لیدی	
سر برافروز فتوی کونه کیم ستر فتوی	عقاد دین و دولت کن دینا صدر ستر
شرعی منقبت مسلک ارت امت	محیط فضل و تمت کامن تر صند
جناب مفتی علامه عبدا الله قدیم	اولور فتوای سن و دولته معویه با د
دلی در پانت جیمی بر حلسه در کیم	نقوشتر فضل و فضل ایدر بر زب ستر
او بکر این علم و فضیلت کیم صدق	در دنی کو لهر ستر علم ایدر مملو
بوسا حلقه نه بی با دیر و قهر کشتی تیدی	لب سحره بو غازه روز و رخصه خا غیری
سواد زمینی سیر ایلین در کلک قدر	محیط منه بکر این اوزره حاشیه بو

ایمنه بیاید و در بواطمه بی خان محمود

عجده جگر رنج سینه عله سلطان نام	صدقه قمر به ایران عجب و بیرون
بوز و طمس اسق فی خانی جنود اسلام	داد بوبکر عجمی انوکب آل عثمان
چند سلاک عجم اوله قلع تباری	بستر قلم ایدی که کله ست و ایران
بوز و طمس بوز و طمس بوز و طمس	عجمه و لوله صالحی سیه محمود خان

کینه سن ایندیز بواطمه بوبکر موسی
قیچین ایدی ویزه عس رحمان

طمس قویله شاکت شمشیر ویزه	حوال اینتر من بفسل انیکه کماهی
بریت ایجنده و بهی طرح ندم کی تبار	خشا به بکره و دب دل شخصین دین

قطع زنده ایدوب انوار بن بیاده
طرح اولدی فرزنی کمال بر کله چند شاهی

فرمان نجات شمس و ساعه کت	نه محمود سیرت پادشاه باهر اسکا
ایدوب کینه تفویض نام سلطنت مولا	محمد کیش اسکا و هر قیلدی امریه
خلوص نشسته مینی در آنا و مبراته	براز جمله لیسته بوجل و طرح خوش نیاید
که قالمده فقط براسی نار عجمانه	خواب لسته مانده در عاقبت ناسا
احد و اما ستم مری باطی و کین	سلف ایندیز کینه زینب کجور

کمن کورد که دم چکله که هر رختی چندان	اگر در است میدانی ایجنده از در خوراد
ایدوب بر کون ستر فقه مبر خوری	او خاقا جلیل است جهانان
شور سیمه بی بدل یا بدیو کم بولسه اگر	دو سوب است بوزینه تصویر برین کلمه
علی الترتیب ملک هم او هم تمام تاریخی	بر صلیح کست اید قیل و بیاید

نه رینا یا پدر خان محمود صطبل سهایون
صطبل خاصنی سلطان خجماه ایدر اباد

حضرت والده سلطان یعنی	مادر حضرت سلطان محمود
مطیع شمس حرافت که انک	فرعید رس به خلاق و دود
عمل صاحه ده سیمی مدام	کادیر کب رضای معبود
حوض تمت کر مند ملو	فیض ایت از ندن شهو
ایسته از جمله بونا مارینه بق	لازم اید اگر تیان شهو
نجه کر با ندی یقده غلطه	کوستوب تاب عطر اکتش دود
کیمه صوب سیدی آل کر می	قوامدی نشسته لب تاب آرد
اولدر بوجره موفق که اولور	اوجر خنده کی حوض مورد
هم انک هم نه دود انک اولور	عمر حضرت اید زمانه مسدود

اولدر تار بجه سینه از و سیمی
حشتمه والده خان محمود

تاریخ برای چشمه والده سلطان

فال اولوب توشنج ملك خورشيد بود	سورده شير بر پنج جبهه مجده
راشد و بهی دعا بدوب دیر تارنجی	
سعد اوله نصرت طابا مسلک احمد	
ت جنت عالی نسب ملک محمد حبیب	فرمانده روم و عرب خواجه کوش
عدل و کرامت منبعی شریک مصلحتی	در کائنات هر صفت نهال سبز و زرد
ذاتی ملوک آباد روم شیرین باغ فتح جو	کلزار ملک ویر در صومیراب کلکی دغا
هم با دستم روم ولی دانده و شیرین	عدل عمر جو علی خلق محمد مصطفی
دستنده دولت خاتمی قلم شیر علی	حق بر هم اسم خطی نقش جبین تیشرا
جبروت و بر صد قیصره غاب نهال	حکمران هر کشوره فرمانبردار
هم حامی بیت محرم هم خادم شاه	روم و عرب ملک علم حکو میر ستار
اوله رام سیدین خلق خدا و معین	بافض قرون مبدین ابرینه و جب اقتدا
شهر کاکشور ویر اوله شیرین	سیفینه دشمن سرور اوله قیصره
اول منبع جو مرام و کسرم زرقان	اوله الی بوم القیم شاه دهره شجا
اسکندر ایدوب حبیب طمعه در کوش	باب هما یونده بونیدر بون آب صفا
بو طرح یک خرمی سوت اندر صد غمی	دواما دخالن کر مر منام جده الانیا
اوله اودستور جیل بوخیر جابر وکیل	خفته ایدوب غم سیم جیل بند و کلا
اول شهر بار زرشا رنیل اندر	با پسرین چشمه سار ماجور اوله روجا
بو مونی آبا ایدوبو طرحی بویجا ایدوب	روح حسینی شاه ایدوب سیریل آصفا
بو عینه رصا درون سنی کوش کیمی صون	هر قطره صفوت نمون و مقدره عین

ابی زلاله مصدق طانی فلک کینق	کوک قبه ملک آتنده بوق درم و کوش
اوله نجمه بر جامه و ماه ریب سر زرد	صدر کر بلین یا کده نیر کابینر بید
نجمه و عالی تبارا نار یکده بودر شعا	ایا بود و جویسمه سارا اوله عجب خیر
نجم سیم و درون طاب جبات ایدوب	بزرگ سر قاسنه بکله قوک صبح و
یادیک سر میردانه قیدک عطا	جنتده کوش یا کده قصر اندک بونا
اقون صوبن ایدوب سیرل با دین	برینه بیک اوجو خیل ویرین خات
در حنده خاتم اوله لال طهار عجز اندر	اوصافن ایدوب خیل و مقدره بوندر
و بهی خورشید اول سینه لب حدک و کل ایدوب	
سندن مقدم اوله کده بوندر بر صلا	
دصفنده ایدوب کوشک و کوشک	بندر در کوشک و اول خضر و کوشک
تاریخ و کوشک و کوشک	بولک شهنشاه جهان بر مصر عالم
هر قطره کوشک و کوشک	کوشک و کوشک و کوشک
تاریخ سید احمد ک جابر و کوشک	
آج سید احمد ک جابر و کوشک	
حکاکه بو طرح خاص کیم منی دکل شهن	هر جانبی و کوشک و کوشک
شاهنشه دورانه آتنده قیدک	انجامه ایدوب کده بوندر ریب ایدوب
بر وجه کیم دکل و کوشک و کوشک	تاریخ ایدوب کوشک و کوشک
بو مصر علی ایدوب فیض ایدوب کوشک	

<p>برادران او جانی او شکیلی شرفی قلی نجه ارکان ملکه بر در شکار صدقین اکم خدمت پادشاه چون فیضی افتد عجب توفیق بر داند ز کرامت دین تعالی ایوب فتح جدید ملک بران روان فتحید روح خاوار از یارب در چهارده سطح و سقف بام جادگان غایت بود که کم تنگیل نباشد مرا و باد ابدی اول است خلقه و باد بیان واقع بود یکی تاریخ ابدیت</p>	<p>جمانی طو شکیلی شرفی قلی ملوک بیر رنگ و شرف در کار عمر سهر دلت اولست را بدی ماه تابا که هم ابدی فتحی شرح بخون شاه دور مرا و دوزخ فی فتح برده صادر که فرما نعم ملکه ده دانه که در لای سکیما شور سینه بند رو ب زینت که جبرین بر کتور در یک نصرت شرفه تبریز ابر سزا در شرفه نصرت فتح باد عنوان کینه بنده سی و بی قوی عبد تن حوائی</p>
<p>علی و فی الزاد انچه سلطان احمد ابر با بد جانی و الا برادران سلطان</p>	
<p>حق مبارک دیده بود سلسله خرمی فاتح اقلیم ایران شاه دور لیکر ملک جوش شیر به دامن جهان زن شسته فتاب تابان بر دایره سکه سن خطه اسلام طوخی فتاب نور خیر بوز سوزن در کاهنیه دار الطهفه غرق</p>	<p>مالک العجین اول شکیلی شرفی احمد کلنی کونین کونیه اقله معمور تیده جوش شیر به دامن جهان زن شسته فتاب تابان بر دایره سکه سن خطه اسلام طوخی فتاب نور خیر بوز سوزن در کاهنیه دار الطهفه غرق</p>

لک

<p>سینه بی کینه سی کینه اله در روحه خاضع یک سینه بر کون بندر توجیه نگاه اول حسد و نافه نظر صهر خاص صهر ممتاز وزیر غلمی دیدیم لا یغیدر اسلاف سنا با هم ناکمان فهم ایوب اول نصف و نصف باید بر نصرت ده موقع تا با حبذا قصر معاکیم کاه و هم خیال میجه اعلامی بر بر طافک اوله روا سنگی کوهر کوندر در هوا سی خوشتر بویه بر کبر سلسله اوزره دین تازه ساخته غریبه در یادون بر از ضم اید صنعه که کبر اوله بر دوله در یادون اولشیه دورا اسکندر زمانندن بر برتی بجایند اسکندر بوجور زیاده بر ملک اوله بر محل کیم و صفید خدود دورنه کویده معنی خیر الامور دیوب هر نیه بند سینه خاز اوله بر محبت نجاشی بر نه دیکیم بر بر طو طو غیا اوله</p>	<p>حسین عیبت مینی اولست در ملک کینه بوجمل منظور او نجه اولشیه جد بر جد یعنی ابر سیم پاستا صدقت مقصده کار سازدونی صدر کزین اوجود بر ملک قصر بویه موقع پاکینه ده بوجمل خوشتر کله کین طبع خد بکینه بسمه بیه وضع پاستا بند در من بر ز حقیقه بالادون بقرنه سقف مینا کینه تارک تاج تهاضرتی نجم فیه لبیا در خاکی قلب بر بخا عسی سجده سمت شته اوله طو کلن بومیت ده حزین تنک اوله بر کور اوله بویه دور کوهر اوله بر اوله بر اوله کلدر بر منی اوزنک معتل مسنده بناز با بد که اسکندر ز اوله جبریز حسز ویر دست بد در بار بر جز و ده کرجه سوز بوق قصر فیض آباد و من بر شسته اوله بر منظر بوخت اسعد تجو به اندیم اوله بر ملک ضم حده</p>
--	---

کرمه کرم حد کل تا یکی تاریخ اید	ایده فرمان مایه بده سید اقبال
مصدر رفیع اید مولا باب سید احمدی	
نوبه نوکسین بنی مفتاح قلعه فی جلال	
قبله اقبال اید به بختی و با بختی	دایه سید احمد دلد رفیع باب نصر دال
بادشاه مجور بر صاحب قران مور	شهر یار داد و کفیل جدا و ند مجید
مطلع منقوله دولت طراز سلطنت	زنده دیوان شوکت منتخب بیت القصد
یعنی سید احمد کشور ستانم کلمدی	نخت و آلا بختی و به بر شمشاد و رشید
خطبه سی سید برین سید منقبت	سکه سی خاقان بکرم سکر دار دایه
مشرقیه سکه سی جابر جو درض افتاب	حکمی بکرم و به سار زرینه عالم عید
مهر و صفت سیکه به در رسم در می	صنایک سکه سید و در دست جرج غنیه
اگر محضه رتوب هر روز ملک سکر	دو که سون سپود و ناک با جاباز و حدی
روفق نو بولد و عده و دوس سلطنت	کون بکرم سبابت و شوکت قلد فرید
خطه نام د کام و تکمیل نظام تمام	اوله اول ساهنشک آیم عده نده
استند زجه صر بجان کبی عظیم	کیم و اوله نده کو حفظه سنی کب
طبطه قیامت اول فاکر حال اید	اوله سکر سکه نظار حایه عید
شمر را ساه و دست سید حایه	نقل و دستون دوا و سکر زنی سید
ایده بر رفیق کین کبی بوظیف زکشی	سکه تصحیح و دوا و سکر نام
نقد و نخت و نخت اول خضر نام	حق تعالی اید بکرم و دوا و سکر

دایه سید احمد دلد رفیع باب نصر دال	حق بود کرم بنی بختی و با بختی
ایده سید احمد دلد رفیع باب نصر دال	
نوبه نوکسین بنی مفتاح قلعه فی جلال	
قبله اقبال اید به بختی و با بختی	دایه سید احمد دلد رفیع باب نصر دال
بادشاه مجور بر صاحب قران مور	شهر یار داد و کفیل جدا و ند مجید
مطلع منقوله دولت طراز سلطنت	زنده دیوان شوکت منتخب بیت القصد
یعنی سید احمد کشور ستانم کلمدی	نخت و آلا بختی و به بر شمشاد و رشید
خطبه سی سید برین سید منقبت	سکه سی خاقان بکرم سکر دار دایه
مشرقیه سکه سی جابر جو درض افتاب	حکمی بکرم و به سار زرینه عالم عید
مهر و صفت سیکه به در رسم در می	صنایک سکه سید و در دست جرج غنیه
اگر محضه رتوب هر روز ملک سکر	دو که سون سپود و ناک با جاباز و حدی
روفق نو بولد و عده و دوس سلطنت	کون بکرم سبابت و شوکت قلد فرید
خطه نام د کام و تکمیل نظام تمام	اوله اول ساهنشک آیم عده نده
استند زجه صر بجان کبی عظیم	کیم و اوله نده کو حفظه سنی کب
طبطه قیامت اول فاکر حال اید	اوله سکر سکه نظار حایه عید
شمر را ساه و دست سید حایه	نقل و دستون دوا و سکر زنی سید
ایده بر رفیق کین کبی بوظیف زکشی	سکه تصحیح و دوا و سکر نام
نقد و نخت و نخت اول خضر نام	حق تعالی اید بکرم و دوا و سکر

نخون اید کوب و کله آورد و برون	داد اید اید روانی سیه خان احمد
مالک است او لوب سینه نهاد و غاف	ایرون قلعه سن الدزد و سیم سهند
کله زفتاح روان اید در تریه	نه دار اسپه دودار اسکندر جد
نه طما سبی تا اید سلسله جبان	برن اجمال اید مولا دیره عمر سرمد
الدر تیر و نهاده و نیر اید	همدان کچر روان فاتی سلسله احمد
<p>بونه ایداده هر مصرع یک رومی</p> <p>سینه فحیده بر در بحساب ابجد</p>	
سکندر رت و دار انصبت سلسله احمد	که تیغ غره و ستر ایزه بند طاق کرد و نه
دخان مظهر شهر بار معدت کتر	که شاد و شوکتی ویر و خلل فرسده بدو
جهان صاحبانی با و شهید قدر نیکم	اونو در درج دودار اید هر رنج سکونه
بنج حبشید و در اید بر تظلی فی اوم	ضرور جان از اید طوطی لم تشبه با دونه
کو بر سر انزک مار بخنده که چه آید	جهانگیر اید شتر نامنی هر بری بر کونه
بوزک کسی کیم دوش مظهر نایب سبی	امانت اید که فانت شرفین جی بخونه
اوستا هشتاد کرد و بار کاک طبعی ناکله	سخن بر که حکم رسیده عفو مامونه
نکاه سلطنت خارا که ز قهری تا کیم	طوقه کوه ساره دودیر بر دوش
مشال بر تو خورشید اید و بهر دوش	فروع کسب برق از دیر بر دوش
نه شوکت نه سلطنت نه تاجان نه نموده	که اوله می رونق فراخت سما و نه
خدا اقبال از دوش و دلقن جودن برون	موفق اولد بر هر نه برده فتنه زچونه

اکا هر کار

اکا هر کار ده توفیق اید بر ساز کار و کله	مراعات تمجید هر سینه شمع و فغان
عجم قلمنی از جمله اید اید سی سخیر	غریب خان بخت مالک اید کرج کار و نه
نه کند نه دزیر جلدن پنج صفا	خیام مویکی بار و کله کله رود و نه
برای سینه سن اید از سینه لب و لب	فر با ش قانی اید سینه جرج و نه
نه تعلیم در و قالدنه کانه و نه	قادر کشور اید فیض شحونه
روان فحیده روح خان اید اید احیا	عمر دیره مولا پادشاه رنج سکونه
کله فحی کله که جهانشاد اولد از جمله	روان اید قدر دیر و کله و نه
<p>اولوب افسر ربا می هم نه عالم دید تاریخ</p> <p>قلعه کله اید مفتاح روان باب بهمانه</p>	
با پدر بود کارهای سلسله احمد در بانو	هر کس وین اید جی بر قلعه اید فحیده
بودید در که کیم با صبه اول خبر و در اقدم	تاجدار اولوب جوی ساحه سنده و نه
اول خبر بود عس سنده کیم در اید اید	بوله برش در کله و کوشه صف اید
فحی نه بر قلعه مفتاح کله اید	قوت قاپوچیش اولور که جی لایزال
برج اکی اید اید در بخت و سلطنت	سمت سحر اولد بغنه سابه اید از جمله
فصله والا اید اید اید سینه	اید کلینج در کاهن لب در یا خال
بر رجا اید اید سنده اید اید	اوسته اید فخر اید اید سنده
بر کتاب اولور و فخر و صفی تحریر	استه بر باب و صفی بود فخر اید
و بهیا بود اید اید اید اید	مصرع جسته نظم و نیاز و اید

در میدان آید و ایدر خان احمد است	ایده دب تجدد بدیده نامور دستور خیر
زهی توفیق کیم شادانید روح حاجی	سید خاکی چایکد هم جا کیم
بله بوباده ارکد میدان حنی	قبو تو لار نیک کوش ایده عزت حرا
خدا مه بر دیک برله دیدم تارینجی ایدی	
غزین بایر سلف احداث سید اور کاهن	
ملوک آب بدو حضرت خان احمد است	
محیط نوکندن جاده اسکندر کیم	کیم مولاهم قسم تیسر در کهن جو ترمنا
صوبین بولدر زمان دولنده ملک عثمان	عفو متعنه نمرته کردن بسین بایه
گرامت منبعی عدل دستا حیمه سانه	طروت ویردر جو عدل وادایج دنیا
اولور سیل خردن کچی بر کلان فانه	جهانی ایدر لب لب لطف و آلا
کلیک باجرت ملکنه فغفور حین فضا	چک اسکندر آتاسو کتی سدر اوه عذر
اسکندر نهاد کسر تدبیر جهانگیر	اولور در کاسه شور مطبخ اول خان اول
یادوب جراسر است بولدر بونی کوسر	نه صبرت ویرد کور آینه آب مصفا
کمند جود و متعنه صوبی با سندن ایدر	جناب حضرت سلفی سیمان حرم بایه
وفا تیمکله دلد مر تارک تماشای	فتاده سلف صفت ایدر دام مجرایه
زمان دولنده یک نشانه ای	دبا کنگنه ناخجیده اول فضلته مایه
نفوس کثرتی بر بهار غنیر خنج	کلوب عمران سعت دل کزین خرد لار
صورت حیرت ایدر و سلف کیم	بشتر و لدر اول صو سحر است بولی
	همان داییدی و اما دی ایزد کیم

دوده خج ایدر صوبینه سیم در کاه	خزیند بایر کور کور کور کور
نه همت نه کرم نه شفقت نه لطف	نقش انصاف بد نارس کار خفا
یون بند ایدر نیک سچ کوب کنگر	قوما و پارس کوب کنگر وادو صحرایه
بنجون یولدر خیر طیف ایدر سگ و چوین	اولور سه بولدر اولور شهر بایر عدل
بلوب کرا ده صوبی سگ کچی با زار	کرار طولدر و سمراده خلعه دیر ستر
ایده دجرا حفظ سوز کور قدر اجرا	موفق ایدر حق فی بونا غفلت
در شاد ایدر روح روحان سیمانه	صوبیر در حد نیک قبرینه دن فلک
ریاض غر و جادوتی هر دم بهار و سون	وجودین ایدر حق کلک و هر دیر
صوبنسون کت رنندن هر وار و سون	جهانی جوی طیفی ایتسون محتاج سفا
اولور نار جلی کور کت سینه ایدر بسی	
اولور نایه نیکه نامور واد و قدده تاش	
ریاض خنده بر فکرم صوبی لب لاجرا	ایکی تارینجی باز در ملک بریت لار
زهی سب بایر حق خان احمد مجمع بایه	
آقن صولدر دور بوبند بالاطاق نایه	
ملک نفیس کت و ایوب اول بی باک	صکود تیدر همدن قصد سربا بجه
چکدر عجمه قلیج شر عدل سلف نام	یعنی سلف جهانه و نجیب ارشد
الدر یک جمله ده بر بنده کیمی تاش باک	نجه قلعه نجه یقینی سحر سحر حد
مژده دنی کججه ده چک ایدر سندن	اولور سلف کسکندر حرم کوبه

که در مولوتیت رتبه سنده	اوله سر مناصبتن محمد
مناصبتن سبب تعینده اما	سلفه و دیوب کیسه مقیده
عداد بایه ده مادیون خرج	کونجه انی اول خاقان رسیده
ایر و ب ترخ کله رتبه سینه	بوضمون دوز دیار خطا سنده
سزا در حشره و کفر خانیته	اولور بود خد متک جبرست
مضیب و مکار بر شا به بود	اکا توفیق ایتدی چی بی ندر
رینین و اسما قیلدر بر سر	دعای صانه ایتدی و آید
ایر رکن بنده و بهی فکر کایر	لک غنبدن کله یی بو مغر

مدینه بایه سن سلطان احمد

بر محمد کیم عالم بر قضا کور میسید	رکس کور ندر آید بیدر بخت سعید
مخزون کو کلدن و آتو غیا و غم بر آید	عالم نیت آید و آتو غم اولد نایید
اوز غنبت صاله میر کوسن ساریت	برینجه سادای آید میر کلدن اولد یکید
سنا و اوسونکی کاشا ندره بر طو کلدن	بولدر جهان ناز چیتا کیم طو کلدن سار
شهر ادهت و چنایه عتیا نیان	کالدن نوید برین و هر کله بر جاکت
نایسته در انکله کر کلبل دوت	ذاتید را وید بر کیم کیم عیسر مولا فرید
منه کنجوم سنا خند میر بر توفیق	ایتدر و خاقان کیم چون بر ویراند
بر بود محسود ملک کیم کور شمشیر	سلطان احمد خا کر کیم دیر اولدی
سنا بنده خرج ایتدی اسکنده کیم	ماه رینین شاه زما صاحب دل و طبع

انصر

انصر و بر صد قیصره خا لیب ار اسکنده	یا جوج کشتوب شرد در کاهید رسیده
عدلی ایدوب شتر ما اسوده و خلق چنا	کرک و شتر اغنا شتر با خطی و بر وید
هم قدر و هم حلت ایدر تیر برین قان	رسلور حیران ایدر نازده اولد رسیده
نایسته در منور بخت لامع و خنده و بخت	بیشتر از دل کچو بخت دینت کیم یکید
افلاکدن قدر دوز لطف عطا روت	هر آرزو مال ویه جکافا مننه بر آید
خسینه ماه و ختاب زین بن کیم	افلاک خست شهاب سنده بر ویراند
هر سویم اولسه بر با و صوفی حال	طرف ایم اولد نا و ایدر و کلف و کشف

و صوفی دکل قابل اولد ایدم و بهی دعا

هر برینک ایتدی خد اقبال و عین برین

ار توب نسکو و کونکی باینده اولد دوتی	وقت جلال و سطوتی تا خست اولد دوتی
شهر ادهت و چنایه عتیا نیان	هرست کله هر صبحکاه عالم بونی ایدر

اکه عطار و کلدن ناز و میلادین باز

ویردر و کوندر زین و فرخنده و سلا باز

برای تعمیر سید ان کیم

شهر ادهت و چنایه عتیا نیان	که ایدر سینه شاک جهان خاک سر ران
نایسته در انکله کر کلبل دوت	جهان به قسم رزق ایدر راب و دوت
منه کنجوم سنا خند میر بر توفیق	ایکی زینبل ایدر و سنده و کور مهر وید
بر بود محسود ملک کیم کور شمشیر	سلطان کیم کور شمشیر و کور شمشیر
سنا بنده خرج ایتدی اسکنده کیم	کوندر برین و ایدر و کلف و کشف

فرز نیرنگ مسجد سلطان کو نیک	او نور خطبه بن بر دکان قدسی
سر بر نیکت فروزه فراتخت فرود	نظیر رگدی نگه دخی بن بعدالی الای
عبد و احد رختد بل و کج ز فاخته	نقطه نظم کسم کینه مجوس هم آباد
کشتهای اوله لی دنیا چرخ بخت بیداری	او نور سر سینه عدلنده خنقی اول نه بر داد
گاه عجبندید حاکم جو بر تیز	کوزه بدن فرق بر ز نسانی اول نه باشد
موفق نیست حق اهل تقویض نینده	بیلور قنقی قولنده دارنده کشتهای
خلوصن تجرید نینده که تقویض نور	بولور دولنده دما ایشنه بولور نسا ایشنه
دو میزن صدق سجد بر حق حقیق	که بولور زانی هم صد عظم اینده رحم دانا
نظم ام فرای دولت یعنی ابراهیم بانشا	
وکیل مطلق اید و قید رقد برین که بولور	
اوده اما کتور در قوت خدای باده	بو تو نور صند در خیمک تیر مرغ خنقی
بولندنی بن دولت و غریبه و کوه کوه	که انصاف اقی رو اوده و غن و کوه
همیشه ذکر و فکر ای احتیاجات	اوله صدر رنده دلم رحمت اید با لاسعا
صفا شدن صفا بوشن مراد کلکتر	رضای امرینه فخر نهاد با کنی معیت
بن اشته بوشن با دهم سیر اید	صفا تا یک نظر بجهت صبر کتون
زهر نصر فیدل صفا حاکم نیک	که اوله ی شهر بار فلج این بجهت نین
هوس سی جبار فرای صفا طری غم	نقوش و کشتی خفا که شک مانی و بهر
یا جوض منور سبیل روح بر دهم	بر سرینک بیکه حسن و بهجت فرود
زین تازه در کج سلس و دهم مطبوع	اولور سه بولور اوله نظر ملک بیت شهاب

شرفیاب قدوم شهر بار زولنده	بور سهر سهر ایشنه خنقی خنقی
همایون اید مولانا شهر بار سعد لک	قدوسیه اید بوقوعی وقت شرف
همیشه مسند شو کنده ایوان عدلنده	سر بر سلطنده دلم ایوان خنقی
هم اوله دکر اسن هم وزیر عظمی	سهر اید بوقوعی وقت شرف
بو طرح پاک بوسم کزین اید که دما	ایکی تاریخی بر بیت بجهت و بهی
بو علی نصری بر جیم پاتا اید اید	
شرف آباد نو دنیا و سلطان مبارکباد	
تاریخ برای ترفیع رتبه مدینه منوره سلطان احمد	
کلیک پایه جهان منظم	همایون خدیو عرس
شهنشاه سکنه رتبه یعنی	جناب حضرت خاقان
کرامت میشه احمد خان ثالث	
که اوله می مطهر اقبال سر	
مطالع عالم ایکن اول نه	مطبع سرع غای محتد
محب خاندان احمدید	ایکون دولتی اوله می
نیجه آثاره توفیق اید مولانا	که اوله ممکن فی ایک
خصوصا شان فخر الانبیا	ایدوب از جا دول اکران
مقر جسم باکی شهر شرب	که اوله سنی دخی فرق
وجودی احمدی سنی خنقی	بهاده مشک اید غنبدن
نه شرب کوه ایجا که اوله	مطاف قدسیا عرس

نکته المسمی بسبب ظلم خوانده در درج	ولی حسن اندک چاه رخ داده در درج
تقیح نگاه داده ناز اید آب و بر	بن دو ملک سترم بکا فطی جواب بر
اصفهار اید و ب میان در خضر زری	قاضی گوینده با یله لم عت محسبی
انام کامی بو کون بر او شط افزون	کوره لم آب حیات قدرین از درون
سوق عالمه بو نزاره مک از حبس	هیچ چو کناده قدر صناع اسباب
بر حجاب داده بی بیج در جهان یک	حق بو برین سافه نوروزی نگار ملک
اولوب جوینده بر رخ حال بخت تو بران	تو که شیشه سید رعینی اید دیده کریان
قنده دارم جگر بر بر که زکرا دلب	قطره اشکم دوشه در زرد زکرا دلب
بی فروغ اینسه نوله هر جهان از در	غرق سوز بلدی دنیا بی جمال سوز
بور در کن خواجه خط مصحف نامو کوک	منی ره چاکله دل طغی انجمن حله خوش

اشتر سحری یا قوب مهر جهان افزونی	شعله زار اید مرقاتی فوق سوزی
جسم سحر بی یک که اید و آب	ایند زضلال بی کوز کور شیطانی
قائن اینت کول دل خو جسته دگانه	وزیر با کوهر بنده بی سیر طر کانه
ایند مسطرب نوله طریق صیالی	بن آل عیالیم یا قسور با که عیالی

نج غم غم غم چهره دلباز	خجاره مبارک اوله بونازده بازار
یو باد سید سید خوب خوشی دلا	کوزین یو بار شربت قی زار بیک هزار
کل دیوب بخشی صلا رینه دود کدی	بره اول مولو ترخ کلاه او باندی
اولو آسوده قید ستم کتر خصمه	توکل امین فضل خدایه هر خصمه
دتره قصد شیخون باده چتر چتر بیا	کجه بی کو نذر زه کاشتر کجور خطا
بال شب دکل رنگ بند کردم خاک	دو کوب کجک کجک ستم دوزخ صد بار
جگر لعلکله بجا دیر مدر نشسته می ناب	ایتر سر باده سامانی آما ناب
بیک کردیم که دارم رفیق تو غم	برکزه دریندی ای صم نه قولا غم
است بوینه دوتوب لنگه ستر غم	رخت کو نذر دیک ستر غم
شیخی زاده کو نذرک خوان صلا دوز	دو چرخ ستمه دل کو نذرک شمس استر

خوان صلیبه صفر اوله انگ حاج	حاصل ابر دل شکستن دگر شیخی زاده
بو بیگانه ناله ایلی هو اسنه	مجنون کور کور سه دوه شتر اسنه
حال زارم تیرا ستم اشعار	سویه درس دوه سوبه دل زار
چشمه دغوطه کاه قضا دهم اسنه	توبه کی رحله رزده نیاب
سربست اوله عمارت خاصه غم	وابسته در کجمنی صلب و سیم
بویغ کمنه ده نه در و کام فاش	نیز بو خوشش کور برت م فاش
نک سیمین بر مرآت پرفا در کو بیا	بسیر بی طوطی ستر کفتار در کو بیا
هر دم که عرض من خوض ایلم کما	هیچ انتفات بدک نیدم کما
برات حسنه دیر ستر میر یک غم	سره کی دفت تر شریف عایش
خانه زنی که پرده شرف جلی	است نه رخت جلی است نه کینت غم

صد و ن تن کسی چو کک کنه و کزانی	ای جوان بکشت صد خربستان
زمان لکا عکس مکن دل و زرد م	ابو شوخ مستانی باش ز کار و قلم
هر جا بنده تو ده ر یک رود ایله	تم س غنه بکزد ایدر غریب و لب
اوردن بدیه خطوه چرخه کیم	ایر غرقم او کعبه حسن است اینه
صدرا راحت لار داند ن سماج	قیاس اولم اصول دور چرخه و عمار
جسیدر شوقه ز سب تتم و بهی	که زنت بخت که هر کسی کلور اولد
طاف و سر قدسه ناز ایدر اولد خورم	بکدر باوجی لاله لرین لغور زرم
کوزده آب و لایه در لکرا و لسته	شا هر حال تیر تا به بنام اولام آب
صبحه دک هر تب ایدر لک عجب عالم	بونی شرب ایدر سرخ زده لفظ است
ادور سه به صغیر ایدر کن و منج فخر است	ارود و قنیه با صلیت سید با و بی تاب

دیزر اولام یه محتاج زب و حو	بقیه جوهر حرف دیزر زور و دور
بو جاده بخون اسانی نشنه جم بوق	شرب کنه دارا با سکی عالم بوق
خانه جانی نوکله اولسه منور ویده	قنیه سرده تبه جامنه بکزد ویده
فون کسی نه عجب ناز عشقه یا سنور	کوز بجه اولت خمار لک قیامکن
باق نهر و ماه نقشر زمین و زمان کور	وقت کوزیده صانع کون مکان کور
بر کاه غضب او ویده کله ی سیر	بکیم آنا غصه خبری شمر
اتسبد عکس حنک شمر سارینه	ایلمور هر نفس خور ز عارینه
عکس رویک بجه جار و آینه	بکیم ایدر منظور چشم اعتبارینه
ایر و کله پرستند ایدر اصل و دالر	چو قدیم دوی سجده محرابه عار
کوکک اورد لک طاره و بار بار ک	ارز هم خوار عشقی بلار مبارک

بهر درگاه راه حق بر صغیف البینه دلدار	خدا ده موم با پند زین کبر نخته دانه
صفت در ختر ز تنگای معصومه	اگر معالجه حب خاطر ایستو احباب
کورسم موج که رچین جنتیه اگر	خنده رو لکه کل ترسکا مسروریم
او معراج حاجت که عالمه مشی	بیز کلمه بی بسیم کلمه کفری
دون تیشیدم آتش جهان بد آره	حالا دخی دل اهو شک بگری چادر
تشفیق طین ایتیمه نایب فاک آن تکلمه	سنی امر و سر کور کجی نغز و صند
بوز بولوب غور امری ایدر رخ زین	ایتیمه منظور رغبت و جوی دار جینه بی
صغیمه سید را که تو قهوه اعجاز	و باید دیر ایدی جسم مبارک داد
جام چشمید صند تو خون سرنگ لکون	توس کوزنی بگرش کله بر دم میل
او جور و ب کند و بی کشته ده دوزخ	بر بویوک تو نمی صان و کند و بی میل

خود سر جبر سر شکله بولدر نشو و نما	صومیده در جمله اول سر و غور نشو
صوبی جیدر عجب استیان چشمه ک	که او جدر مرغ خد نک خیال غره با
خاک دریکی میرنغا سدر سو بودی	فر کانی جارب بد و بی سنی سونکر
زمان عید و پنج شنبه دن عید	سنگه با دستم حجاب یال شکر
لطافنده کور و جهمنده کور دند	تسم ایتیمه دیر لاول کل باغ جابر
کک نیمه فلک باره جاد سنی تعلیم	او کتمه بزه کند یکی بکرت کر مکدن
محب بروانی با دایدوب تسم آه	ال قبله روز کار روزان و کله طین ایدر
کونجه دست سر کرد عشق و عشق حقیق	عقربز اوله بی کل کبی نازک ز کلمه
هسته سوزله در نکت دل مهم درون	که سنگ و لور مقال کبی مو میا نود
قلبی ناک ایدر فرح و جود ایمین	قید تطهیر سید را ریدن صابون

باشکادی گلوی بیدار منضمه به	کور دیکه سنی نشسته غتاله
ساقی زه صون نشسته غتاله	اناکه اوله منتقت یکاله
سیدان غم هجوم ایدیه اوستره	قل کردش جام شعله جواله
ساقی نه فنون ایدر دل میتاله	مسیره جم او دله تختاله
کیم سسل ایزد چتر زرد بوکا	اولورسه دخی پیره زن صداله
من بعد کولک ایدم دفع کدر	حق مزعه خواسته ایدیه تر
جوسس ایدیه دل غیزه مصر جودک	بنل کرمی قیاسدن افندو تر
ارباب کمال میتوایی سیر	شهرای بولان راهنایی سیر
اصحاب یقین دایمه محتاج دونه	سکان حسرم قیده نیایی سیر
ایتم وکل اول مانع بلا سنبیدر	ناتم وکل اول کلتن غم ببیدر
هجر کله سرده داغهای خونین	ای لاله چشم صانکه ادر نه کلیدر
دعوی خلوص ایدک نبات خنی	انجی ز مواعید مراجعات قنی
چفقه بی حسرون کین و حد کرک	

اولسون قار نغینه بختن آت قنی
ایندک نیزه سبب عزای ذات نغین
حسرتکه کوزنده رچه جگر جندی
اربالغه ایندکسه وصولن توقیف
انسانی باسل فی کجور خسته ترین
بر خسته باط و رخت دورش مثلاً
بر مصیبت بکسر ایلکدر ترین

یا قدم حق به منتقل ناز کتور	
عشق آتشینه دلوب سوید عجب	بر دلده که سوز او که جگر من را اثر
انسی محفی عبیر او کور محو آقا	حفظ ابدیه فرستیم دودن محبر
لوح نظر که یوغیه صورت غیر	یوق سکه نظر تفاوت کعبه و در
نقدینه دقتی عشقه صرف یزید	بازار مجتبه کور ساجوق خیر
ساقی قدح و باد که مائل دکلز	بزشیفه نشسته زائل دکلز
اشترقی عتق ایزر گفت دشنید	دیوانه قیاسن بیه قائل دکلز
قل قامت اعلا که تقوایی لباس	ایت خانه قلبی دزد شهوند ز باس
فضیقه در و زده لازم آقا	اکثر صوبه نشدن کلور و سواس
سحر منن خفنی یارب کورک	بزمارید استینی انب کورک
بز عرقی ساعده کور رکن اول	ساعت باشنه بونده بیک عقرب کورک
ساقی نیجه دیر که یا کندن دوم	بر کوشه ده خم کبیری یا نور رجوم
کوکلم نه قدر خواب بیه سن مهور	چشمک نه قدر دست بیه سن مخمور

ساقی دلچن تموج انجسم با بان	
سوز و که صاچه شراب نابی دلچن	صهبا ی شفق و امن جبهه ریزان
مغز و زلفکله درای غنچه دهن	دست شکدن که مندا لسم بن
دل طفلی ایدرس که پنهان برجا	انغینه جو بر قور غفلت خاکدن
تجار خیاله زور بازار اول	کالا بولور جان خوریدار اول
دکان و دهنم ایر ایدیم بسته	داد و ستده سخننده بر کار اول
تشیع اید بیک و اصف ذین	کار ایدی جان و دله مسجرانی
شهباز امیدی او جور دم الدن	تنگ اولدی بکا طغاینجیر سید
ستی می محبت جانان	حیرت روشن ایدر دل چیران
بر تازنه قول و علی ایدی آذر نه ده	اراکم کیم کبیری میدان
آثار کرم کندی لاریب اولدی	ارباب مل جلوه نمی جیب اولدی
یارب کیمه عرض رجا ایلیم لم	بر عصره یتدک که کرم غیب اولدی
ساقی قزوب رخک مثال لاله	خوردانه لاله که انده بریر ژاله

ساقی نه طور رس قتی جام صهب	کسته نیک مجبر سید قطعا
اجزای طرب نظام بوزن سنن	شیرازه جمیع سنن سنن
بر دکه محبت ناوله سوزنیاب	ایرغش کرم ایله دریای سرب
حاشی که دیر لکه پیده مجلسه	براه پیده نور و حوسل دجیدی کجابه
چشمتک سیه مست جنون تیرنی	دشمنه مکر و خون تیرنی
فرکانر یک سایه سی بار اولدی کجا	سودا خلک شویله زبون تیرنی
کاکل دیو قید سره دستم شمدی	دیوانه دیو و دگره دستم شمدی
هر پیرده دوشمنه جک خجهر ایلی	بر قدر بر سنن پیره دستم شمدی
اوله عجب سر ناک حشمت منبولا	محتاج صمد و کلمی مایه موصول
سیر پیده غنای حشمت که اکه نظر	در یاس نل اندزه قیف کجول
کرجه فلک و صنعی کل سنجیده	اندن دکلم یک فلک ویده
چون کو هر آبدار هموان بنه	سموده لغمه را پید غلطیده
ساقی بزه بوکر دوش جبرک تاکی	نوش ایته یوز زهر غمک بی دربی

تجلی مذاقم شو قدر کیم دم عیش	اغز مده نمکدانه دوزخ غوی
بنا اولورم صبر ای پناه اندکجه	بختوب ای کویه واه ایستد کجه
اول یوسفی صبر ایله برابر کوردم	سجده مسیزان نگاه اندکجه
نقد نخلک مجبره کجینه سیدر	اندیشه ولی طلسم دیر پیدر
باز بجه که صغره نظام سنجیده	اطفال بنالک برب جوینده سیدر
عینی یله حشمت نام اولوب حشمت	فرکانر یک نل اولور پیدر کویا
در کارا دیو بخت کویه طوفان خیزه	بر قطره و کلدی نظر مده دریا
بیدگی که ارباب بی دختنه رکا	خفته یله بخون اولور تیر پیردوا
اول سور علی که تیر پیدر کویا	بو قلب پیده ایتر مجازات قصا
ناگاه با صوب جبر کوان حیرت	ایتر بزی غارت زوکان حیرت
اندیشه ایله جنک ایچون اولور کویا	اکنت و دهن تیر و کان حیرت
ساقی برایکی ساغر سرست رکنتور	بوقی پیده طلوع نوش ایدلم واکتور
افسوده دوزیا اتش سیتاله	

چشمه عجبی دانه عسل و بهشت که مایه ده کور و بسنی چار پیم ار ری	
رباعیات	
ساقی ایدم ز بهر امید بهشت	کف ایتیم لم خاطر یارانی بخت
ایت توبه هر بهی نقل محبت	برست صراحی اید قیلانی بخت
دل	
عشق کف ایدر کبیری طوفان بخت	تاییده ایدر آبی بیکان بخت
بر خال که بر تو صاله انوار ظهور	فرزانی ایدر مهر درخت بخت
دل	
ساقی بزه صون مدینه نخله فرج	بکم دوشونم نخله نطق مهره درج
نخ ساعد و ساقی ایتیم اهل بر	بتمعه سحر عود و صبحه محتج
دل	
ساقی بزه راحله دانه ایت رو	سند ز کورینوز نخله عود بچه قروح
این جی ایدوب سبانه اجرا	در دسحی برینه سورجم صبور
دل	
تجار فرادگاه بازار شهود	سرمایه بی صنایع ایدن کور فرود
بی برده کور فرسکار در مقصود	کادیکه سخر برده انداز وجود
دل	
ساقی بوزن کیده اولم فیض سرور	بکم بخره در انده شراب انکور

بلاذنی

زیرا دخی نام می با دایم بدن	
با تندی بنی مست ایدر و چشم خمور	
دل	
صورته اگر جام می در دستر	بزیلک شراب عشقه سرستر
خویشید قدر بند در غریبه در	ظاهره مناسبت به کرجه بستر
دل	
ساقی میه رغبتن او کور خمارک	استراب ایدر بورخا چشمی بارک
لب لب جام او کور عزت کیم	ال اغنیک و بچوسر مدود لدرک
دل	
حشمت اولوب من فر کانه فانو خیال	ایسترنیک رعدا کیم اکیه اهن لک
کور بیک بار ایدر اخبار هم غوغا صال	کوزیرقان بوریدر لک مله نخله خال
دل	
ساقی سکا کسرخ کانه ایدم	ستانه کوروب کریم واه ایدم
بن دوزخ مجرین اولدم سبانه	سودسه سنی نه دار کانه ایدم
دل	
ساقی سندن غم جهان دور اولسون	بزم طربک دانه سور اولسون
مجلسه فغان ایدر سیم عیب نیتیه	دیوانه کیم دار مله معذور اولسون
دل	
ایچدر کولک راز غم مو بر مو	اول آینه رخساره کلوب رو برد
بعقوب دنگ ایچدر حسنی ایچق	ایبراهیم یوسف ایدن بدن بو

ساقی بوزن کیده اولم فیض سرور
بکم بخره در انده شراب انکور
بلاذنی

کورین قطره خورانی باران صنبه

از صدر که مور	یکانه	بیم لطفی برین ما را ایدرسن
بودست که رفتن بدین		در یابیده شمر را ایدرسن
در یاده نمک دکل اندم		حوت فلکی شکار ایدرسن
حق عمر کی نوحه باغ انیس		که اهل دل اعتبار ایدرسن
و بهی تو که همیشه لطفان		سرما به افتخار ایدرسن
بو لطفه افی رفته رفته		مستغنی روزگار ایدرسن
بوسط باک تو حید استمالی این تجر		جناب حضرت سلطان احمد خاگر
ایدوب مغناج کنج فتح و نصرت دله تو		در و آلائی قصه دیشتر او نیزه هما بون
نیش نه ایدر رو در کده همار اقبال		اولم و طر هار یون و هار بر و بال
دکله بوباده با نده سوزم که جگر		ای که کیم کیم سیه ایدر ذوق و صفا
دسته التون اولوق در خیمه تنج		اصف ابراهیم با ناک وضع خجری
خند شنده صد قیده بل بغیة خاگر		قبضه شمشیر ندم اقدر تو کجاستوری
بندر داماد ایدر زور شاه حجه		برج ایدر قران ایدر خورشید باده

بیم لطفی برین ما را ایدرسن

اصف ابراهیم با ناک شمر بوقام	بیم در درگاه ایدر سوزم و کور
بویید بر باب مراد اولو کیم اقبال ایدر	دولت ایش برین ما ایدرسن
صنعه کز ایدر سیمه ریزان اولو کور و سیمه	است و توانید رفونم خلک است
سرخ ایدر سیمه اولو فی ستارم کیم حاتم دمی	خط هر اولدی حضرت سلطان کیم نیش
صفا و کیم نور و زده ایدر کور و خلک	بزدن ایدر سینات شنبه منفک
سمات و سمر که دست و دهی و سیم	ولیک سب و سفر جل و خنی با نجه کرک
جمونه و دوشه دیده ایدر خوراک ایدر	مردم شناسد اولو کیم سیمه کمال ایدر
براک ایدر ده جگر و مد طاقی چشمه	دیدم ز فاخته کیم دی و حسن جمال ایدر
ریاض حایمه کیم اولو و ایدر جمال	کلام نور علی نور سوزم و ایدر
عجبه خالنه بر سیم جگر اولو	عجبه کیم کیم دن باره صداره عود ایدر
بر سوزم و شاک ایدر دین عجمی	سودا خال یار و خنی با نجه عجمی
بکر و کیم حرم اولو کیم سیمه	خوبان شمر عجمه میا نده خجری

هم را چشم ایند کف ز سوس میبیده	
لیت سوار عرصه مت که خشتک	اسط صطبی اوله رومر آسمان
میدان در حشکه تکا بویه باشه	
اسب سبلان فشم قالد ناتوان	
شرب عشقیده لبریز اسیدر اگر	نه دوز در در قضا جام آسمانی تته
خداکت تی تکا کون رو ب نشانی داور	ینه برینه کلور اولدن کانی تته
دکل مال شب تیره ده او مهر دکل	
دو دکل ی کجی بره قالد رسیده تته	
مخلد و شوخ نفخون اولد قجه	هر برین موی کوتسر اولور سا منک
براهل محبت دلبره مفتونم کسیم	
ماخی نفوسیدر وفا جام منک	
ملق له اولوب مظهر لطف یما	تجدید لباس نه دسال ایله کرد
روز و شب اولوب تازیانه بود و جان	
اندازه غریبه طویلی اون ایکی ارشون	
بر قور در می قالمیخده دوزن زرد	بشمعج دکاننده کی فرسوده اولیه
اخو الله بر موزه دوزوب ایلم اید	
نوس قدک شوقه سزات کریمه	
خلقه بونجه لطف و گرم نیک اصفا	بنده عجبی قافاریم عرض قامت
کاتب اولان کینه رک ملق آلدن	

بنده ک دخی کسید می کتاست	
بی فائده در شمع کبی دقت سحرده	مهر اوله فروزنده شب خطمیده
بروسنه عشاق پرستند ایدر	
محراب کبی صومعه طاعتده	
ار به یق تبسیر قیچیده بر ذات تعجب	ایست در حد اوج دور مقدم برکند
غالب سمدریه دل را بغن سدل کک	یا خود اسی دخی تخم ایستد ستمند
باعث تاخیر خشت وزین تر بیند رو کیم	اوستراول حاضر بط و خنده تا باز بند
تمتیت یا سیدر سمدر کلف بر طرف	تیر کلندر یو کر کی حاضر اولند رو بند
سیمبر دلبر کنی را نیک حرام اولدی کجا	
سمدرب در لب طبعه بر جلالی کسینه	
کله جک ات دار بقینده دیو	بزر ایندی اسیر سودای
اوزادی کندی اولدی طاهر	
کل ات قریب معناست	
سمدر عالم اولوب فلک سمدرب	رسمدرو عداید دبینه دوزک
کمی انج زو عدایدر اتقا	
صبر ایوب و عمر نوح کرک	
داور اچوخ که چار و کش در کا کلا	قدر خشم اوله فوله خدنگ آسار
سیدر اکنک هلا لیله فلکته درین	

عاشق که یار غمناک بر خون غصه	
بر پا ده دست مخمده صانع سپهر	
ای شهسوار و غمناک جهان	ای که ز غمناک تو سینه اش غمناک ویر
عوض ایسودن رکاب که قاصد پای	
مقبولک و زبانه اگر زخم آتی ویر	
بلند نترن و یک یک نترن زاری	کورن آفتاب نیشک که محال
سبوی شعله نشت آینه زور و شکیم	
سپهره صیادی قوی کورن هلال	
تبار قامت دگر که جگر محلد	قاشش طلسم کورن بانه ضد
بر برینه مقابل و صفی خطک	
فنون عشوه ده بر سینه مقابل	
خار جود جوق در دگر حکمت	بوزر نگاه فدا ده نر حکمت
جهان کشمش در در کوکل عالم	کجی کجاست ستم که در حکمت
جمال یار و بر در زور وطن ایتمه	
بر آن حسنه طغرای ز حکمت	
رجار و صلت و لاله کافیر	ایسید مغفرت بر کلاه کافیر
ایدر سه دعوی کینایی سخن و بهی	
بوشنار و در سنج کلاه کافیر	
بر که جود کیم نهدی سخن و بهی	عوض جرم نیک بانه نهدی سخن و بهی

مخترق قصیده ها تا حاشی دهری	
حاشیه و غایت و حاشیه و غایت	
شوق لعل که بوسه بماند	ای که کین خون ایسید و حاشیه مستانه
دور کیم بودیه سپهر	بزی افکار سرت
عاقبت جرمه کدر در میخانه ایدر	
ساقی کتور و بجهت مینا	اول طوطی سبزی بتر مجوس نقض
بوق بوق که کیندن دو تو بطلعه بزم	
مینا ریشرب اولدر زور و نقض	
افت خرمین مانده ایتمه	روستایی بیکه نیک تاب جهان سوز
حاشی کور سه کراول دگر کیم کوسه	
کل تر در لایه ی شمره بوجی بوجی	
که کوسه محرابه تابان ستم	که کجی خرابانده سوزان قدیل
اما که با نوب جبرخ سوز و دل	
یا نهد نه روغن استر نه قشیل	
هر شب نور ارم ستم علی	کو یا بوسه سرعت جمال ایدر
حل امیکون دانه غم ز کور کور	
دسماس فانی کسدم اجمال ایدر	
عراولده یغنه بار کراول فانی	بنا هر قشور پیرده کی قد حبه ده
نقشین بر دعوت و کور هر غم و بهی	

اول شمس و چو که غنای او بهما	نخیر شکسته فزاک بندید
گلشن کمان بادیه غنچه و حیرت	بر هر یک یکله همان خضر کندید
کیمه رسد و ال بر یک گرام نشا	صد ران فاضل احمد بود انچه افتد
ایم زبان غنچه ای که تر جانم است	احواله که عرض جا و پسندید
یاز و صیقل دل در دولت به کیم	
و همی غلام کس تر بدستندید	
ز کین دلور و دلور و غنچه و غنچه	کویا که دست قطره شبنم کجاست
شوق می شکسته گلستان طریقه	
بسر کبی صد غنچه اید رسید جان	
دوزه و شکر کیمه و مسون با مال	قوسون کیمه بی ایقده خدا
متصل می کور رسد ده گشتی بی	
کور دیکندن ایرسون مولا	
در باب مندرج و غنچه و غنچه	بذل اید بر یک نی بی سابقه و غنچه
به نیک معده رسن نیکه و غنچه	
و همی بیم بنده مناسبت و امر اجرا	
تقصیر جادو کجاست و غنچه و غنچه	ساده نفس اول سواد و غنچه و غنچه
بار و جانش کام آلود و غنچه و غنچه	
و در غنچه غنچه کسر و غنچه و غنچه	

نور افکن ساحل کفایت	کرد و اب و غنچه و غنچه و غنچه
طوفان کینه نایمیه و غنچه و غنچه	
اشک بجز و چو دکن نیمه کشتی نوح	
ای سجاد و غنچه و غنچه و غنچه	معد مکله و ادک قبر غنچه و غنچه
دیران حال اولوب هر یک و غنچه و غنچه	
حق رکا طبرقه بن اید غنچه و غنچه و غنچه	
زمانه و غنچه و غنچه و غنچه	ای خلقه و غنچه و غنچه و غنچه
دو زن و غنچه و غنچه و غنچه	فلاخن و غنچه و غنچه و غنچه
بنده یا ز غنچه و غنچه و غنچه	ای حکمت اولور
حد اید و غنچه و غنچه و غنچه	ای کیم و غنچه و غنچه و غنچه
سکا مین کور و غنچه و غنچه و غنچه	
کوز کور و غنچه و غنچه و غنچه	م حاصل کور و غنچه و غنچه
بو غنچه و غنچه و غنچه و غنچه	دزد و غنچه و غنچه و غنچه
جلا و غنچه و غنچه و غنچه	بند و غنچه و غنچه و غنچه
اصم و غنچه و غنچه و غنچه	و غنچه و غنچه و غنچه و غنچه
کج و غنچه و غنچه و غنچه	و غنچه و غنچه و غنچه و غنچه
و غنچه و غنچه و غنچه و غنچه	و غنچه و غنچه و غنچه و غنچه
و غنچه و غنچه و غنچه و غنچه	و غنچه و غنچه و غنچه و غنچه
و غنچه و غنچه و غنچه و غنچه	و غنچه و غنچه و غنچه و غنچه

عوض ایلم حوالی دوست و خدمت	کوشاید نیازم نقد ز رحمت
ای صدر کرم بیت خدمت کی اول	اعل له دنیا ده ولی نعمت
چون دعه ستمه بنی ایدک چا	لبک لطف اولور انجا زنه هر تن اولور
عیسی نف قسمت تیت دخی برکون	دقنی کلچیک روح بو نور خیمت اولور
بر ذره ایسه کبر جم چشمت مکر	سندرم بکا اونا نظر رغبت اولور
مکتوب جلیق با که مناسبت خدمت	انا اوده بی نفقت بی منت اولور
بر نذ کره یازمقه اولور مطبوعی جلی	دجی تو لکه هر نه ایچون تمت اولور
غیرت سنیل ارکان کرم و عده بکا	اعل کر مه لازمه ذمت اولور
الذم تو نرم دامنک بر یوسف تمت	در کاکه رومالنه دم فرقت اولور
لطفک ایدر اقام ایچنده بی منت	تیمیزه مدار آدمی جنت اولور
خبر صفت ایتنونه خدمت سکا	دنیا ده نه دکلور نف غرت اولور
ملک سخنی قف ایدیم صفتک بر بعد	کفتار دبانده اگر طاق اولور
نفعی بی اوند ز نر ایلم بوزیک آنا	با که دخی نفعی یه اولور رغبت اولور

کوشاید صفت ایلمی ایچا انا م	افسانه ایچمه بیست عکله ایدر
صفت نشک کینه تو لک سکا خلصک	دجی که با عبتیک دنا عل ایدر
ذاتک کبی اندر ته مالک ایکن کاک	از دلق هو اسی مکر عکله ایدر
اما او که نه بنده ایدر سینه خندنی	پاری نکات بی عکله ایدر
غرتاب لطفی عنان صدر ایدر	اغز با لک ایدر یک ایدر

سن بودا سرچ کی نطقی خوشتر	تقویت دقت فرصت چا ایدر
بر کردیک نو لور که بوقسم جاپان	منصب یرینه حقه دجی ایدر
باغیمی یا عکشر میدان فتنه می	طایغیمی یا حراک شور و شقا ایدر
جلیبی بوق کمالی بوق او یوق بوق	انجی قبا حتی عجب انزوا ایدر
ارباب جاه دولته عوض کمال ایدر	عیسی رجای یوحه قبول عطا ایدر
عیب ایدر بو نرا اهل طریقه تنو صلا	بر لیبی سوده لوح عطا در جا ایدر
اوصاف سورت بشند ادا کاه عص	تا یخ فتح و وصف مغاز خط ایدر
اوده ملک نشانی ایدر عتم	شندی فراغ و غفتم انجی ایدر
جرم ایدر فتاب فضا عک	سندر اودیده دست رجانا ایدر
هر منظر عطا یه مکافات اولور	یوحه همان قصاص عدالت ایدر
انصاف قنده کدر مردت نه یزده	یار از عصر مکر روز جزا ایدر
حسینم ایدر استدیم سر نه حلا	بوسورمه ایدر چنه وطن حلا ایدر
هر نه ایدر بن قضا یه رضا ایدر	بیلیم قسرت بن حکم رضای ایدر
عکسرای سر یرنه سار قلوب اس	وقت اقتضای سکر مکر ایدر
کدر یردن وفا یه ده لطف حایه	نسب تغافل ایدر می خوشه ایدر
نیل ایدر رایت دلکده قصر الحجب	امک بوباده دخی ایدر

دجی بی نوایی علی شیر و فتنه	
حسرت نشین ایدر نصف علی میر ایدر	
ای خامه بیل که رفته نو لور اولور	اصحاب جاه و دولتک ایدر

ای صبر کرد کار مبارک بود که در	مخون کور رسد و تپکه شادمان بود
خاک در سعاد که چهره رسد برون	اکسیر فیض مالک و بوی گلزار بود
دیوانه شکایت ایچون کبر سر بر کشی	شکر کرم شکایت عهده نال بود
احوالی فاده ایچون غنیمت چهرین	ما فی الضمیر نه نالهک ترجیح بود
لطیفه برکش خندان و فیضیاست	رنگ در طراوت صد گلستان بود
سین بر ستاره سوخته پدید نظر	خورشید دنگو کوبی بر توفیق بود
مهرین شکایت دیون داعی ایچون	اسانکده مالک کج کبان بود
خسرمبارک بد صومر خوان لطیفه	نغمه جزو که کیم مینمان بود
بر کون تپکه که بنده لکله کچن دم	عرد و بارمه دکور سم زبان بود
دعای لکله غنی بضمه جیسج ابرم	سندن فلک بر سه غزل در زمان بود
فتح آید بیک ممالکی ضم آینه جانه	اول جاده جاد محبت و صمیم کسرت بود
بوانقضای فرقه باعث دنگ	خاکم ستایشی بد طبع الی بود
بزرگه با که کینه بوزندن ظهور آید	انف نغمه سی سب امتنان بود
منظومه غنای سنده محسرات	کند کج سترادی غنی بجهان بود
ارخینه بشهر کا اوقات خمر	خیر دعا فریضه قلب و زبان بود
نقد حواس ظاهر و باطن بشهر	صرف متاع بندر نطق و بیان بود
اینک عصفانه اینک ساعده	
کسر نه جبر و دهنه مرام رسد اولور	
بیشین کبر رسنه شهر به نعت	بر هیچ مایه مجلس ایچون کاران بود

فرمانک اول کینه نجه بهر شهر	بر نیجه مستحکم ایله دیوان اولور
چشم جیب محترم عشفه امان	
چشم جیب بیک حال و حال	
ای صفت مه کوبه کیم طاق جلاک	سیر ایدر ایچون مهریه خسر دوست
خورشید غروب ایدر ظن اندر کور	کیمی دیدر جویک غنی تاج سر دوست
کیمی دیدر رسیده شفق رنجته اولد	مالک کف دستنده اولان غرور
دانه اسرار نجو ک بری آتا	یوق یوق دیدر بر کامور کجتر دوست
بر سال قدر قوللا مینان جامه جاک	بر دین کیمی بر توده اولان و لکری دوست
صدر ناما طوی دیو ویرد که جنان	دوبی قولک موی تی در بر دوست
زیر ایدر آب اخو قویه دفر و جانی	ایر او تیه بر تندر صهار بر دوست
زیرا که بو غزل اولد که مایه خزان	جیندن مالک کینه سیم دوز دوست
مغرول و بیخ بویه ولی نعمتی ناکان	افساده ملک ال دیر در کدر نظر دوست
لرزش کلوب اندامه چو برک حوا	دستنده اولان کاغذ و کلک دوست
تقویم کمر سال دونوب قاندر حکمی	روز نامه فی الدنم جیور و دفر دوست
دوبیک اندم بوسه با نگاه نتیجه	
اختر کیمی دماننه اشک تر دوست	
ای قید قوه خدمتی ایوب ایضا	ای صدر کرمور که طالع بر دوست
منظوم عصفال	

عوضیال منطوم

کوزنده بجه خون شکاره سلطانم	جگرده اشتر دوزخ شراره سلطانم
عجب بزم کبی بر کس دست گلش می	ولا یقنده غویب لکد یاره سلطانم
خاترخ خار که رابندی دامن صبرم	مشال جاننه کل پاره پاره سلطانم
دوب که خسته حسرت صو کبی دهم	سکاف پنجه دون رهکناره سلطانم
زانک تشی بقدر درونی محزونم	عکله دندی یرم شعله زاره سلطانم
کینه فغان ایدیم روزگار دهن کبی	شکسته خلک تدر کخاره سلطانم
نوامی ناله بی اوج سپهره ابر کورم	تخترم و قدر در حصاره سلطانم
ایر سون بنی افتد خاک یکدن	تو در نیاز دلم کرد کاره سلطانم
بود کلو او شکیل افتاد که مالد	مردک به کسمه بوزاره سلطانم
خوابه زار و شکسته راه هجر اولدم	اونتمه بنده کی کا پیچاره سلطانم
بی جوار که تقریب اید طریقه	بوز سورم در دولتمداره سلطانم
اولور سه چاره طیب غنا یکنه زاده	جگرده سرده مکر بری یاره سلطانم
بوکون صبا حدن آخسته دکن بیدارک	نه نفقت اید بکم مهر داره سلطانم
ایکینز که کنه کنه غنیمت بوم	نیاز ایتمز ایدک اعتداره سلطانم
خوابه کجیم بوم و سرفا له هم	بنه وار بو کید شر واره واره سلطانم
کیدوب جبین بقفا ذات پاک بتم	دوبید حضرت پرور دکاره سلطانم

برافره و بهی زارنی نگاه لطیفه دن
بازق دکلید را اول خاکب ره سلطانم

صورت آینه عالمنا	صورت اردنده دلی ستور
بر بوز و لور کو ستر نفس التیون	یکلی بوز نیک بیه شهور
کیم بفرسه کو ستر چین	کوبیا بر دلبر معسرور
معدنی جسمی بنانی جامه	نارون چشدر آما نور در
کوبیا کورک در اول بر دیده	کیم اولور کس صفه در دور
اول کوزه ناظر بچه کور در	هر برسی ناظر منظور در
خرقه در اول کوز کاف و کور	قاره اوله کور نه در دور
اول نه صانع و نه کور و نه	اول نه دلبر در نه نار و نور
مرغ مینا در فتنه لانه	قصر انجیده او قوش موخور
<p>ایستادن سکا و بدم کور وار</p> <p>در نریک طایر و بدم کور وار</p> <p>نزد</p>	
اول نذر کیم قافله بر درن	مشرقیه نازل عطفه با و ده
صاریوب سودا سر اغوش نور	راست کلنه بر جمال ساه
که اسیر فتنه و که کور سونا	نوله بکر ششم قبور زاده
<p>نزد</p>	
کور دم آیدین دوه در بر ریش	ایشق تافقی طایفه بونیش
کلشنی نیکه سنگ در ویشی	روشنید و خور و در ویشی
<p>ایوب حکم براتی اجرا</p>	

اولدی بر سجده قیم کویا	
نه در اول شکی نه صورت نه پیا	نشکلات کشره اید جلوه فرما در
اناسی طوغه بر ساعت طوغه زنجیر	که اولدر قافتی کوتاه کاه بالا در
کیم کور سه او بار تیرا بنج سینه	عجب بود که نه نه بود نه ز سینه
نه جهر و نه خضر نه عدیم نه موجود	نه سر و نه بهایم عجب معمار
نزد	
اول نه سطر که جرد عادت	دستی اچق دوقه وار صحبتی
ایسکه دامن بر سیم و زر	ینه اهل عجب تقسیم ایدر
اکثر بر سینه عاید رتی	دیزا کسینه کی در در تنی
بر نیمی وار که کاه کاه سیدی	
اور سینه قولا غنی جکلدی	

نغزل	
خدا دل سپین مستوده	بوی ز نورانی کردنده رود
باصی باغ لیدر ضعیف اندام	یانی اوزده یا نور مثال بنام
منا دبد را غور فار دیلی یوق	باصی دار در باغی بوق الی یوق
سهر اوزده مجوزه بد کون	صنورانی حلیفه معدن
طاشور اما پائنده تیغ و	چیتار را شکاره بعضی زمان
و بیایک ایچیم اوزده	
بویینه بند آتیه تعیف	
نغزل	
کوندر شجاعت ایچره بنیان	کوندر بر صهار سخت بنیان
و خصلت بروج باره مکتل	بایچیش خصلت بروج نیجه مکتل
غیبت کوندریم ایچره بسا	ولی فتح ایچره خصلت بروج
الی محلی نیجه مستغنی دار	جینه حیدر مثال جینه دار
و جینه میرا اولار در کار	سهر لیدر کوندر فانی کار
محصل و بیایک اول مرغوب	
ایچره اولد قجه بال بوز طوب	
نغزل	
اول ندر کیم سهر را پائنده	مصلحت بزم بادش پائنده
نان ایچره دار پائنده بخیل	عجم اولور دوزلر سهر

نغزل	
عجید زنده سوز بیلور نه سن	لیک زنده وجه از چوق کلر
سندر کینه اولور مذکور	ایسی قرانده بویه در مسطور
فی المنس اولدی قریبالی سقا	اولسه نامی طوبی باسی سقا
بیمه مک بونی سکه یک یچین	
بوی قولایینه دو کد کیم احسن	
نغزل	
سوز اول سر بپیش حیرانه	کوندر یک کیمه گاه عیانه
جیمی عیان لیکن او بیچاره	شوق یافتد خبی زبانه
ایسی وار نیک جیمی نایدا	جیمی وار کیمه ایسی نایدا
برده کوندره دکل معلقده	گاه بولس کیمه گاه ایچده
کرچه بوسف و تن اولدر زنده	رنگ ایدر بر کون کیمه نغده
آب حیوان جت وجوده مگر	نیجه ددر کیمه طلمت ایچره کر
مجلس شکره بر بستان حال	بار و سرده سلسل اغلال
وصفی سوبیه کم سکا محل	فعل صحنه اولدر سقبل
دخی افرا و تلبه شانه	افزین جل ایدره آس
عقرب ایچیه جناب خدا	
شده دورانه بر فاج احط	
نغزل	
اول ندر کیم سهر فی صاغدا	لیک اول صاغدا کلد کلد

سب لسان حاله بر نیاز	صفت اوله قبله را کثر نیاز
دعوت کفر سه بار سرکشی	الک و فریج باشند نهی
حججه تک مطلوبید مرغوبید	نامی زیبا جبر مجربید
واغظ کرسی نشیند کویا	نقشه الی ساری نقل ابریکا
یوسف آس دلبر محبوبید	عاشق دلمرده سی یعقوبید
بند شیخ عطار قبل خاطر گذار	
شوقی حل به بجا می یادگار	
نغز و	
مرد اول تبر کیم ز مهر کانی	کمانم جعدین در رشتانی
تور از هر کس دل تبر کانی	اورا غرور سر هم فضا نشانی
او تبرک نریند رنگ سوده	او کوفه جلدگی زخم کشوده
بولاشور کاه و کپک پانی فانه	دور کو یا خالمنشربانه
طور که ترک سر سبیل بچینه	کبر کا می غراره بیک زند
نه تبر اکاسان دینیه پیر	نفسه ذوالفقار جید پیر
در دنده صافیر از نهانی	بشینی کس رسوب زبانی
سبیه اولور کوی چوب نانی	کمی صان لوله در عین انجانی
بشر قوتنور اول تبر کانی	
ملک دنده ستر اندم بنانی	
نغز و	

مرد اول مغربی پاک سیه	که اولور نور سیاه منظر
خلوت بکر له ادلوب کرم الفت	کشت بکر له ده یز صحت
فتی موزون و لطیف انداز	شعری یوق محضی آماج
یکجه ر سجاد سی اوزره کثر	چون تجلیده اوست منظر
یکمه دن سبتوب ناز و نیر	فادر بلور کند رخسار خیر
مسجد و یکله ده صدرین	کعبه و بشکه کادک کلین
برایغ اوزره عبادت ایلر	سوره نور تلاوت ایلر
کاه خندان و کوی کر یا نذر	کاه و کاه مقدر که پویاندر
کوررم و مبدم اول کینی	کاه فاز قده و چکلده کینی
کاه حلاج دلمده مستور	کاه و کاه بر دار مثال منصور
عاقبت ایلدی اول ایلر	کرید و آه ایلدی افندی جود
دیر مشر کر چه خالی بر دبال	بیشتر شیریه بیک مثال
اسمنی س که ایشیت سوبیدم	نقیبه کونیه بیان ایلیمه نم
دوشسته ناهنده نازا کر جود	کندر و صیفی بیانه او نیر
ایکسی اوله نرفته فضا	جمع اولور حلقه باران صفا
اوچی بر دن و یکدر رنگ	وصفید بر مع اولور رنگ
بقی ایشکن عایه مصدر	عالمک و پده سنی رشتن بر
بوسعایی بیلن اولور اصل	
دار دوشون بر کیم کمال	

بزرده و کله همان و حالت	هر جای کوزل سوزده محنت
اسکی ستم اسکی ماجرا در	
ساقی غم ایله دماغ محنت	امده و پیشتر بر این اول
سدایدن آرای ایگل	بردم سوره لم سکنه کل کل
محبس نه بکانه خود سکا در	
نغزات سید و حبسی	
بارک الله خوت لطیف لغز	ستم الله ذات من لغز
نه لغز طلم کنوز بهر	روی چوق کسه ملک بینی بوکر
لیک قاصد افاده یز ایکن	ایندم افغان چغچه غوزدن
کیم لک ناسنه اکل	نظم ایدن ذانه سدر فواید
فرس یک سنخه خلاص	اولین موج بحر صحبت خاص
فروده وصل در با است	استماعی دیر درونه صف
عیب نه بر قات در اینج	هر آن رود ایدر بوکته بق
ایله ناطنی ناطش کام	
ناری ایدر خلیفه برود سلام	
دله لغز	
مزراد شخص عیب اهل کل	او کسده و غلان کونی حیلان کل
باشی قلبا قلی تاتار حاجی سید	با صفت قنای و در سس جاسید
کولدر که ایدرین اطفالی	اچوب غلغوش ایدر اقبال

دائم اطفال ایدر بد الفت	ینه ایدر دسته قاتله حرکت
بزر بجز کجه کوز ص بکم	هیچ باغز او یوماز بهب قائم
زیوه برداغی دیسم کر چکدر	یعنی بر قو قله سی بر صحنکدر
جکدن چفته بکر ناچار	مقعدن نه فر قوشون دار
پنجی ت باغسه بکر تاجی	کجه یس کور غش آوی حاجی
او بیبا فکر سزا در بوخن	
او غلان او یونجای صندله ایکن	
مدر اول عاشق سبک سرب	طفل نور سزا بد و اینی سرب
کجه لاکت نه تیوب صحبت	انی الور لاور ته البت
ایوب پنج جور لاله زبون	اچدر ر قولا غینه قوشون
کور شیر نه پانی وار نه لاله	امر جاری نه غوی وار نه لاله
طره دله برانه ماکدر	واسطه لغه ده قاکدر
بریکک وصف ایدر بوخن	
او غلان او یونجای صندله ایکن	
لغز دله	
اول مزر کیم آب و کلمه خلقت	معتبر در خلق بچیده صورت
مجلسر وعظ و بچنده مدم	آه ایدر اداب و ادب بر قیام
خونش لغز صاحب دین کمر	سقیم لغه و باد می بشیر
کاسی ایدر کج محرابی مقام	سیر ایدر انی صاندر حاجی

استر زنده خانه جازن خالک	خاکستر دلمه تن نه اسرار کاک
مانند چو هر آینه دلمه کز لیدر	
ستاره بهار بدوب فیض قوی	دارالسرور ایله می کلزار عالمی
قوبوب نثار زاله به اسرار خانی	بیسر اغلق آینه نوله نقد شبنمی
ایکایه غنچه چینی چست بی چکر لیدر	
و چو سپاهی سوز کیم دلمه	فادرمید نظم ایله دلمه دلمه
نای طغوز لیدر چینه ده مانده کلیم	سند بهشت بینه حاکم از دلمه
امضا کر با غنچه کلک سکر لیدر	
غزل نجیب تنبیس بهی	
در قفا در سپه شوه و نازی تیکیم	بقعه دلمه با چه دلمه ایسه عجمی حاکم
مار قاید صان کنج دل غنکم	سینه قاقوم کبی راق و غنکم
اولی کیم لار ستم کیم سیمه توره	
ایکله دن ایله دلمه حاکم دلمه	شخصه سینه دلمه دلمه دلمه
سینل است خنده دخی اعلا دلمه	ناده دلمه کبی خنده دلمه دلمه
بکر زاده لصال بوغز آینه بلور	
طوشه دلمه دلمه دلمه دلمه	طغوز دلمه دلمه دلمه دلمه
بار دلمه دلمه دلمه دلمه	کلمه دلمه دلمه دلمه دلمه
نای لسمه دلمه دلمه دلمه	
سوق دلمه دلمه دلمه دلمه	طغوز دلمه دلمه دلمه دلمه

استر زنده خانه جازن خالک	خاکستر دلمه تن نه اسرار کاک
مانند چو هر آینه دلمه کز لیدر	
ستاره بهار بدوب فیض قوی	دارالسرور ایله می کلزار عالمی
قوبوب نثار زاله به اسرار خانی	بیسر اغلق آینه نوله نقد شبنمی
ایکایه غنچه چینی چست بی چکر لیدر	
و چو سپاهی سوز کیم دلمه	فادرمید نظم ایله دلمه دلمه
نای طغوز لیدر چینه ده مانده کلیم	سند بهشت بینه حاکم از دلمه
امضا کر با غنچه کلک سکر لیدر	
غزل نجیب تنبیس بهی	
در قفا در سپه شوه و نازی تیکیم	بقعه دلمه با چه دلمه ایسه عجمی حاکم
مار قاید صان کنج دل غنکم	سینه قاقوم کبی راق و غنکم
اولی کیم لار ستم کیم سیمه توره	
ایکله دن ایله دلمه حاکم دلمه	شخصه سینه دلمه دلمه دلمه
سینل است خنده دخی اعلا دلمه	ناده دلمه کبی خنده دلمه دلمه
بکر زاده لصال بوغز آینه بلور	
طوشه دلمه دلمه دلمه دلمه	طغوز دلمه دلمه دلمه دلمه
بار دلمه دلمه دلمه دلمه	کلمه دلمه دلمه دلمه دلمه
نای لسمه دلمه دلمه دلمه	
سوق دلمه دلمه دلمه دلمه	طغوز دلمه دلمه دلمه دلمه

بر کار که دشوار اوله الله نیاز است	
مخوفه بنار بیک بچون که اوله صاف	هر قطره شکر که نقد خط در
بر سنگی قبح انچه حق باطن طایف	در دیر انداز نه کلوست نه قادر
عالمده نه در دین نه خود نه نیاز است	
بر کار که دشوار اوله الله نیاز است	
سعی بود که هم سالک هم مرشد اول	اوز باش که هم بنده هم عالم شاه اول
به قلم صوره پرده کش روی نگار اول	آینه کس صاف و نظر گاه اول
عالمده نه در دین نه خود نه نیاز است	
بر کار که دشوار اوله الله نیاز است	
سطله و کله شیخ و مرید و فضیلا	سز قاسم یک آینه ده انچه یک دنیا
اوله مدد که بزرگ عرصه منت	ایمده می ده بنده سکا بندای کیشید
عالمده نه در دین نه خود نه نیاز است	
بر کار که دشوار اوله الله نیاز است	
بر دل که مشامده بود نه دین و دین	اوله نظر نه کل تصور بود کثرت
ارباب تو نه در اوله نامل صورت	ستایی و کله باقی اوله صورت عیار
عالمده نه در دین نه خود نه نیاز است	
بر کار که دشوار اوله الله نیاز است	
دینی کچه قبل از آتشی صبر است	اوله نظر فیض فیه حیات است
نه شایسته طلب طاعت و عبادت	نه شیخه کولی باغ نه جگه منت حیات

عالمده

عالمده نه در دین نه خود نه نیاز است	
بر کار که دشوار اوله الله نیاز است	
غزل نه بیک خمیس و بهی	
بنت الف که کل کی بکین بزرگیدر	بر دوق سیری جاد بود بزرگیدر
بر مشرب به موفق و باران آیدر	ظن انچه دختر ز رز نه اندکیدر
اکله شیخ افندیده بابای ذلیدر	
نزد ختری و نجیب جاد نه عیار	ساقیه قانی قافیه سب و دلمر عیار
اوله عجبی دافق ستر ز غری در میان	بنت عجب که معجزه یک طبقه رمان
بر مشرب کشت ده جبهه و در ساویدر	
کور و کچه جلوه و سر باد پایک	سیر اید که خنجر طاق پایک
کل ایوب عیار و جلوه جابک	کج و کله و ایوب یک نفس پایک
افند که اسرار جهان بودی بزرگیدر	
مخمر نه شکر و زلف نه ستر	تخصیص نعل دینی بر بهر ستر
صورت نه به هم خنجر و بایه بایه	زاد بهر تو شرابی نه بهر ستر
یکانه نه بیکه نه دو سه و کله نه تویدر	
عشق نه چشم عاشق مستانی بزرگ	عقل نه حجاب کینه نه طاق بزرگ
غری نه در غار غافل بزرگ	ایده نه سجد دین نه عشاق بزرگ
اوله قبح لوندی سوخی کواند بزرگیدر	
چون اوله سر زبانی نه شکر	چون در دین نه کی سودی کمال

قول کردی اولی ببار باری	آه بر که میانینی آتوب بخور
سینه به حکیم و سیمین ننی جانم دیرک	
نخوش عفت آید و بار کز زلفارک	بوی بهانه طوب و دمنی دلزارک
عذر آید و بپیم لک رسه کز عیارک	باینه باری نو فرب کسوم بارک
قلمه راه مدد تاب و نواغم دیرک	
نسخه کور که در سر نه حسره	حسنی ب ساده به حسرتی فتم
نیچر کجا را و نوز خط ده و لا جانده	خط بر آورده اول تازه دم و صند
بشق بر دوق و بر کجی ز نام دیرک	
و بیایینه دار او که رخ بر تاب	صنعتی طوطی دل فند و لعل تاب
سند کام نمیکشیم شرم ایوانک	یار سویندی بجا بوغنی ای تاب
سوینیه سوینیه ای تازه ز نام دیرک	
غزل ریاضی بخشس بهی	
مه سکا بکرم دیر ایستد و تاب	کند و به باقون آینه افت به
کو و سکه کاهی شکلی فرب خواب	سیر ایوب جاکلی قلمش جراب
یازله نوله صورت بویت فتاب	
ست شرب نابکن اول چشم عوده	دیر سر غبار سر به دخی حالت و کر
دخیده ایند کرم کاه ایند یکم کر	سوینیه اولدی سدر عله اوغره
کیم سویشور کوزچه اوله امت خواب	
عت فقه خصومت کردنی سوبک	یسی ایله حکایت مجنون سوبک

اغزرا بیک کبچه جام شربله	
کل کل کند عده قوروب مجلس شرب	سیر حصاره بیهلم و قید شرب
او فرباسی تازه لکک بچو شرب	جو صفا فند سیر عالم شرب
بو اوز که بیا فخر کجی شربله	
کو بکده سایه و سیر دیر آورده	در نوره عتاب بدم بونی بورد
و بی کجی نیازا بیک خاکه بوز سوز	جو برین و یار مهر و خایله بک کورد
بن زارده اینتر اولدیر باقی جفا	
نه حضره نه خود بد رفته ز به نیاز	حق ایده داریت دل کرا به نیاز
دورست کرا و لب نه جانکاه به نیاز	سور خاکه بوزک اول و کور نیاز
عالمده نه درویش نه خود شایه نیاز	
بر کار که دشوار اوله الله نیاز	
دشمنده اولو ایسه اگر رسته آمل	اندیشه کلندی کبچی بر عده اشکال
فاحه نیازا بیده ایله اجمال	بلوار حقه اوله سبب ظاهر و مثال
عالمده نه درویش نه خود شایه نیاز	
بر کار که دشوار اوله الله نیاز	
آند از ناک اینر مشکلی انسان	حق ایده بونی جمله فزه کلکلی احسان
هر میرد کند سر و کار بینه حیران	سند بتر اندر دخی مکر شنه دوران
عالمده نه درویش نه خود شایه نیاز	

نیم جریده بخت شوشه در	
غزل عصمتی تحسین و بهی	
راضی بجز امید وصال ایدر سیر	ای سخن و بکلمه فکر محال ایدر سیر
تن غبارده قور از تنزال ایدر سیر	همینه کند دلی دل با خیال ایدر سیر
وصاله چاره بولتر خیال ایدر سیر	
همینه غزین از سر ایدر کن غم جن	صنوبر سیر ایدر غفلت بزل غم جن
و غنچه ناک و دهنه ز جوب ایدر سیر	تیم طغی صورت رستیم لعل جن
اولیج ناز ایدر سوال ایدر سیر	
خجسته قامت کلین ایدر دلجو به	ت ده دیده ز کس و چشم جادو به
برنده سنده یکنایه و مهر و به	نظیر او کور فکله او چشم ابرو به
لال قدی بهوده دال ایدر سیر	
دوبوب رقیب ایدر محنت ایدر سیر	بازنده خدایم اوله ز بهت بهادیر
هوایره ایدر ز جوب جی خاکره در رخ	دوشه وار ایدر ز جوب بر کلاه در رخ
و ایدر سیر رکابنه دل ایدر خیال ایدر سیر	
اگر چه صغیره و بهی به بندم قاش	ولی بیقوب اول شهوار عشق منش
مرادین کلش اصل سوال ایدر سیر	سر زنده کور و دوشه غمشی زاری
بیلندک نسی داره خیال ایدر سیر	
غزل سری تحسین و بهی	
بن برنده کلکده و بهی ایدر سیر	آنا که دارد و بهی ایدر سیر

باب کرمی زمره انشراح ایدر سیر	
لطیف ابری دشمن بدکاره ایدر سیر	
کینجه نخوت برنه بر ماره ایدر سیر	
بر جوش ایدر فلک کنایه ایدر سیر	ارز کو ریجک مهر جانم ایدر سیر
نم کسب و دستم قوت دریم ایدر سیر	اوله سیرم کور ریجک سیرم ایدر سیر
دو غنچه دهن نازنه کلزاره ایدر سیر	
استراده نجه نمک درک آهین	خط صحبت ایدر ملک رخ خال آهین
دورانه بوزینه و رسته معنی کنی	اول شوخ ترانس ایدر بوزینه کنی
بخت سیه عاقبت بجای ایدر سیر	
فنج ایدر طرسمانی کینجه سیر ایدر سیر	طوطی کی کفاره کلوب سیر ایدر سیر
عفت قی بد الفت دیر به سیر ایدر سیر	کوسه روی کور بوزینه سیر ایدر سیر
کینجه صیبا ایدر بر باره ایدر سیر	
رفقار زنده کوسه درک ناز بخت	دیرانه فرکلدی او کینجه نخوت
فوج جاعه اتی ایدر لکین و بهی غنچه	مضاج نیاز ایدر کلید در و صلت
سپاسنه کسری دلکاره ایدر سیر	
غزل نابی تحسین و بهی	
بولده کور و کلکده رشا چنار ایدر سیر	بند و بنالنه دوستم بی جانم ایدر سیر
قنچی میخانه به غمک به جانم ایدر سیر	باری ایدر اجل ای غنچه دانه ایدر سیر
برنده کلکدی کله ای روح رو انم ایدر سیر	
کله بر دم او بر مجله تر ایدر سیر	موج دوش شوق کورینه ایدر سیر

صورت کیم چون سو داور بود و او را در دهان می غزل جمعی تخلص و بهی	
چشمین هار دشت و بیابانه خند زب	فرکان لاله صحنی کستانه خند زب
از بار در کین دخی میدان خند زب	اور دوی کل چمنستانه خند زب
یاران کیت جام ایله سیرانه خند زب	
به هیچ هیچ بر قه راه نابدید	بای طلب بر بار کوی امل عجب
هر سوید ایلم گنجه اولد مفسد	هر سالک اولد بغم ره سر کوچه امید
حیف که سمت دادی جوانه خند زب	
بزم شرب سر سرادان خبر ویر	ساقی صراحی باز اولوب خیر عجب
دو سره آور او زه سوادله خبر ویر	اطفال کیمی عجب عجب عجب عجب
زبانوی سیرانه برستانه خند زب	
میدان عجب کبر فرس طبع تیر ایلد	مات اولدیم خلافت ممکن کر زایلد
خوف ایله صیانت عمر عزیز ایلد	نخل عجب پیاده لری افت و خیز ایلد
سر و صه محبت فرزانه خند زب	
دارایدی و بهی سیر خرابانه خند زب	دون دوشدن بر طریق بیدار خند زب
قالد کرت ده جانم کیمی خند زب	جمعی کجته زده او خد قیت اینم
کج نمان میله میدان خند زب	
غزل نابی تخلص و بهی	
بزرگ یه نشوای صهبای خند زب	بواه سوزش جان پاک خند زب

فغان نعل خند زبم او مو خند زب	
ظهور درد در دلم اب خند زب	
کمان درد که قد و تمام اولد زب	ایک خندک دایمی آتم اولد زب
بوزحم عشقه بادی کاسم اولد زب	سب دور نغمه بخت سیاهم اولد زب
ینه بو تبر کجا کندی ترک خند زب	
نسیم نازیده دل نونال ایدنجیه خرم	ایک نوسینه بدول وقت سهام
جواب لطفه کرا بر سه سیر نکام	تغای صدره سید را بدو حرم سهام
بو میوه تنخ ایله ده نخل دگ خند زب	
در لغت نوشته اولدیم اولدیم	مدد که منقطع اولدی سلاخ عجب
بولوب شکست چو خاطر بایله عجب	بو کوکوبی نملک اولدی نوازه عجب
تغافل لب بار نکج خند زب	
جگرده سوز در آما کیم برانی کباب	قلک دیم بوی نکلک بیانه دیکر
ایدر بوجوری دله زاره کیمی سوز کباب	اولیدر آدم کمر و بر واید و عجب
بولانم و دجنا منب بو مو خند زب	
چمنده تا چکل خار اید او نوا نوا	ولی عباسی اید عجب لب اولو عجب
بر اینتر و حسن ایوب کفایوس	کور نجه زبر هواد و خفس بر طوک
بو قیت لکجا بال منقش خند زب	
ایدر لب مطالعده و بهی مواد اید	کهنه ی نخیم دایمیک بو اید
کوکرت اواره او را قدر کیدر نابی	مستخص اولدین حرف طبعیم نابی

کته بر ذوق صبا ایستاده است

فوزان بیکه با سندی خون حکوم	و به جام میوه دندی نه چشم نرم
چشم بخاری غنوده بدو بفسانه	بر سیه است که انداخته اینک دیرم

باده و شکر گدی نه باینه دقت جوشم

غزل قدری نجس بهی

بنحون مشاطه بیجا جانی بهار بهار	عبت رغبت قلوب گلونه رخسار بهار
بدر لب کبود به محرم شانه مکار بهار	چتر دل بایست جان با نس ز کار بهار

فوزدک فتنه لر بر خط زنگاره بوزدک

خروش اشک خیرت تراید و دانه فداکی	بنحون هم مکر زینسون مرآت ادراکی
مجزد کور که حسرت جلور کن دید باکی	کلوب بوسن تکیه صر و رخ رعناکی

خطا اینک شهاب اول طره طاره بوزدک

عدسدم مکر اینک رخسار حسن با کماله	ایدوب کب بهانه زیر لب کوثرش کماله
هلاک ز ابر او می دقت وصاله	همان بردانه هم در جنت باغ جماله

او هندوی سیه رو خال خنجر باده بوزدک

بیک بوسن لب و لب باغ و سر زلفه جان	صبا گلشن گلشن بونی لعل بدشت
براز اندام کوستر چه به کی بر چین بوی جان	خیزد و نقش ای بادنه ملک استفا

و صورت دغیبی آینه عذاره بوزدک

بکم کوه کده ایما بوقصد بهی بیچاره	سلاک نمغنه بوقصد بهی بار و کوه آواره
هزاران عید بر سر ز جابه و قنداره	الک قوسینه بهی از غدا که کیم قدر زاره

اکابر دست بویک و بویک بخاره بوزدک

غزل فصولی نجس بهی

کوزک تا چند بویک است از کوز خنده	او بی رحمتی برده بیک نه بویک
بیر فو تر ایدی خون کلم اول غرقه قافری	بنی جاذن او صاخر و جفا نه با صاخر

هلاک باندی آمدن مرده متهمی با نغمی

خیالی خجیب کوز ز غم غمده طوق مسکن	او غمخ دوستی دشمن ز غم غمده مسکن
اودوب بهر غمخ ز غم غمده بهر غم	غم غمده غمخ ز غم غمده بهر غم

و بهر اول بویک بهی این غم غمده

فنا غم غمده بهی این غم غمده	بوزدک غم غمده بهی این غم غمده
فراق او دینه غم غمده بهی این غم غمده	بوزدک غم غمده بهی این غم غمده

او بار خنجر افغان غم غمده بهی این غم غمده

سر شکم جا غلیوب بهر سو دلو جاکشاک	قاو کوه دایوب طابو آب رو
سسی کور دیکه یگر دایوب بهر سو	کل رخ دیکه بهر سو کوز دلو جاکشاک

چشم فصل کله رواقن صول بونغمی

بنی مد بهر شوق لایصل کوز دلو جاکشاک	لک سنسن لایصل کوز دلو جاکشاک
ایدوب انصاف بهر عاقل او دلو جاکشاک	دکلم دین کمال سنسن لایصل کوز دلو جاکشاک

بکا طعن این حال سنی کور سله او نامی

دل بهی نه سادر قلندر کله کیتا در	حریص بیک صبا در غم غمده بهی این غم غمده
جنونه قیسه بهی در غم غمده بهی این غم غمده	فصولی رند سید در غم غمده بهی این غم غمده

قبل برین کوه کاکل سلیمان	
دل دلاک و لاله خن و صفت و بانگ بر	بن کوشنده سرغاز بنامک ایر
خامه مال اول کفر قشر میباید	طوطین با غده عقیده ز بانگ ایر
یوق بره باک ستم ایله عسرم وار	
اوله بی ز یوزاکرت بد نظیر رتک	ساده مرآت دوزش بد نظیر رتک
بی تکلفک بد رت بد نظیر رتک	دل و بهی بد رت بد نظیر رتک
جانه حسن اداون نه اولر عار	
غزل و جدی تحسین و بهی	
اهل عشق در دلم سستی و صیفه	هر نگاه حیرتی احوال نه تمجید
سکوه اهل محبت و برکت تقصیر	بوی وصله آه سردی بخت تقصیر
نامه زبانه در دهن تشنه بیدر	
آتش های بجز انگه با نسل جگر	رنجه لعلکله تبرک لب استر
جان و برکن مویه چنان نه نشسته	وصله برهیز اندر مکمل ای خادق
خسته عشق فراخن مقصد کفجه	
جوراید نرغیره کفر سکوه سنج جود	بسته زار تاجی و ایچره اسد سوزد
بنجه مغوری قاضی بنیه برود	تکیه کاغشته معشوق عاشق طود
معبد یلبد زنجیر چون سبجد	
یوق نظیر کی رخ ز کینه زار گشت	جلیقه بجا کدورت کیش کی عیان
بنجه دعای توی بد و جور جان	سبیل باغ بهشتی فکر بد کن ناچار

زلف شایک کلفدن عرض جیدر	
روز کارا دلوب مساعد حالک نشسته	غزل طوفان و لاله خن شوق ایتمده
کوشش ادیب بهی بوی بهی لاله بر سر	وجد بیکستی می با منی فوت ایتمده
برمه عالمه نسیم بر موافق رجبدر	
غزل ندیم تحسین و بهی	
باده وصله لب تشنه دل پرچشم	باز قندی لب جنباره کبی غوشم
برمه کل سوک بجای ای نه غزل بهوشم	ناکه حرب لب نه بیکله در بوشم
س قیاجام می غمده کشم کوشم	
هیچ مکنی کور بنجه سنی عیسی دم	ایتمه سجده ز ناره بتدل آدم
کوکل اندیشک بد و دیشکین بن	
چاک محرابیدر دهنه بنم غوشم	
قفسه سکوه بچک که کوکل سر دایر	آتش سینه دوزخ سترم سر دایر
حسن نامه رخنی شعله کبی زردایر	بردم آه ایسم افشده در دایر
جوشش محنت جگر زیر لب خاموشم	
دیده ده اوک خیاال فک جاکرده	سبب مسکی کوزیمه کردی مینا
ساقی نرم دلوب غمزه مکده مل و دردم	تشنه خون جگر کوزده کوزم سترم
غره رنک پندی کور دلب جلوه نوشاوشم	
بو کجه جگه که برمه کلوب غیب غیب	دیشکین برغیر دانه شوق طرب
جوشش تشنه و بر دلب فقره نشود	بسی کردا به صالوب لبر نه جاب

بن و کس شهر بار رنج سکونم ديه	
قدر و عید یزد و بنب در دین خود	نیل مقصود ابد و عید بر عید و عید
عوضه رنج شتاب نیکو هرگز	انتفاع یزد و بنب بنی کو که دل اندر
قنده سزای کینه سیخ تازه مضمرم ديه	
دو لنگه آصفار شک در مثال اول	ستاد کام اولدم قیو که ناله اول
لیک بر در دم ده وار در سوخته دم	وقتی در خاتم دیا ندم ناله اول
عید در سادیت اندم قلب محزونم ديه	
بنده اولور سک دل ای و بی و ناله	کایه نوب بر جم ایچون محزونم
قندیه بر کنای لطف و لطف صادق	دلبر اولدر ای محزونم
بویون که بندایم زلف بهانم ديه	
همکام خط که وصف دلدار قندیه	
امساک بوسه بیاید و قندیه	فصل بهار عالم گلزار و قندیه
صوم استسای حسرت افطار و قندیه	
ارتر سه نازنینی که دل خواجه کال	ریز که بر دیار ده بولنبر بر او بی مال
مجرانی چینه ایسه در نقد جانم و مال	دلال سوتی نخوت بر غنچ ایله دلال
کلاسنه رویش بازار و قندیه	
اتفاق وقت ایله فصل سبزه	اسراف حوتی یاز بوز هر کت بده
فرج ایوب صویر بینه عکس تیره	محبوب و لطف استر بیک بده

کس معارف یزد و کار و قندیه	
چشم بخت میل شکر خواب تا بکی	در کوشش سخت تا بکی آه از ساز و ناله
قبل نقل رخت یزد و جوی ط	نه ناله و نعت لازم و نه نوش جام
بیدار و کله رویت دیدار و قندیه	
فصل بهار حسینه دل نکل نور	بیل ناله چینه نوله ز کول سک
بقک ایغیر اکل تر بستر بیک	کت و کله و بیدار رنجر بیک
کلچین کام اولور سه دل زار و قندیه	
اول نور سواد چینه بود ملرده و بیا	کیم کور سه خط روینی اولور مستی
مشق بیوب ناله چینه چرخ و ناله	نوبه شکر یزد بهار یزد و بیا
استعار ایله محکم استعار و قندیه	
کنور و ب جوشه بینه دیده کو هر بار	
الکدر چیک الیغه دل ایغیر	بذل یزد و ب بولنه محصول کیم زخار
ایه ییم رشک عدن خاک در دلدار	
بنی محروم می نرم وصال ایله ک	باده شوقه دل غیر رخسار ایله ک
بکای ساقی امید ناله ایله ک	ویدیه می جام می خواب خیال ایله ک
سک رنجت سیه قایم ایچیم	
عطسه ریزاید و بر سر شرف قایم	مشک قات خال بکله میله رسانی
غوغه خون عاف یزد و نه طاقی	ایله شفته دماغ دل غش قایم

شب در دلاور کلمات سترگ	بر سر دلاور بی کوردم صلا محمور
ساقی بر دلاور دلاور بنما مهور	ست عشقم نه کنایه بر ایسده معذور
مجموعه ایله بحسره کمدن بنی دور	زورق میده چکرسم بنای صیدور
بوی تو تو لوم بن سندر شاه آما	سند کجه اولدم خدشک با بر جا
بند پا اولدر بکا خفته زنجیر هوا	اوله ناسینه برم کوشه زندان خفا
مجموعه ایله بحسره کمدن بنی دور	زورق میده چکرسم بنای صیدور
گاه اولور غرق غرق عشقه یول اولوم	گاه کیف قوج و صله خنده ان اولوم
که خار می بجا ناله کسرا ان اولوم	عاقبت بیدیم کاره شیمان اولوم
مجموعه ایله بحسره کمدن بنی دور	زورق میده چکرسم بنای صیدور
قبله موی که شور و خطا کورمه در	ساحل بجدوی زورق چکرسم در
دم کبیری غم شیط بنده بیدر	نشستی جانم از حفر کرم کبر در
مجموعه ایله بحسره کمدن بنی دور	زورق میده چکرسم بنای صیدور
دل دهمی که اولور غقابیم عصیا	سختدر بیوم تنگتر خند لانه
بری مجرم اولان چو که اولور ترسنا	لیک بول دیر با که سربا نچه رضوا
مجموعه ایله بحسره کمدن بنی دور	

زورق میده چکرسم بنای صیدور	
دلاور قدرت یوق بکره سر کونم دیر	ایچوب سرخ بیده یارم زخم زخم دیر
اول بر محرم که حال دیگر کونم دیر	اول صبی لیل اولارم با که مجنونم دیر
کرمسون کسون لاطا غنچه مخونم دیر	
عاشق اولدم بنده تا بکتم اسرار لیدم	در صورت قیامت در ازل لیدم
آخر تا شفقت میده یل لظما لیدم	یون جان دیر که لکچر لیدم
جبر ایروب جاه زنجیر بنده بیدونم دیر	
عالمه سلطان اولور اول عاشق افنا ده کیم	اولیه فرقی یا بنده بنده کیم از اوله کیم
بارون غیر کیم اولور و بنده خولیا کیم	اول دولت با که بو تیز بو دنیا ده کیم
مازایله اول چشپی زکس با که منفونم دیر	
سوز بولور که هر قدر زلفی یا بنده چشما	خطه الماسه سسک اولد بخت بکلی دار
ملوت قولایک زنده دیر سندر زلفا	اومدم شکر کیم یارم اشد کده نکار
فنده در کسون بر و اول در کونم دیر	
ضمه که دلبه لازمه در فقط جوصفتی	بویله استر ایل جود و متشکله عادی
حیثم انصافه کل سیر یوصنا و لیتی	کیمه رکوشیمی بنی بویله ولی نعمتی
کیم نیاز مت ایشک سن و منم دیر	
حل و عقد فنی و رتی ضبط و لیلی ملک	نیجه فرمانه نام اوله صدر اعظمک
نامنی اونند در بایر بنده خسر و لیلی ملک	تا بخت ایلیب احکام لیل جراتک

بامسرد و شعله رخنی خط غباریلم	کنج زخمه بن بنار استهیم دخی
دجی نظام ملکه جل کندی بن سنوز	نیه نظام فکر شوسهیم دخی
مدارشوق انگور جام با ده خاکی	ملکه ز نیمه کورست کلک خار کبی
او شوخ یسیم غار و صف کاکنه	او کور سخن مسلسل حدیث یار کبی
او غنچه ده چکین با جور و صف یتیم	خم اوله بخش قلم قد افتد ر کبی
قلاشی دار سر کوبده و بهی زار کبی	حصوره عرض ابره جک بر مرادی
ندم اول مست عشوه میل سحرش و دوزخ	غم می و تنی بی جزین عانی بر خور و سحر
وکل باله اولوب ره نور و کینه یک	قبای ابر و نه عیان اولوب جبر و سحر
نوله اوله نیاز و صل مقبولک کو کیه	دعای حاشا غم این فرما سر و سحر
سیم بدن شمع خیال حفظ یکن جان	دل بر داغ بر فافوس بریز و سحر
نی خام نای نظم آغاز اید چک و سبی	سماع جانده کوسر ایلوب عالم خور و سحر
بزه ساتی که عکس چهره سوز در جام کونری	ینه مرآت بختیم با که دور کام کوسر دی
کلیج کج جبهه بر حین معلوس قیافه سوز	اومد مرآت صورت در جبر بزم کام کوسر دی
بنجه رنگ شفقده خورشود اولد یسیر	واما بهی نا اور سکه جائه کلفم کوسر دی
کناک خلک طرز فونی ایلوب تمیج	خطکه کا حصید غب یکنوز بر دام
بنجه سر داده عجز اولسونده بهی اعدی	که تیر تیر ای قوت مصمم کوسر دی

بر کون دیرم او مهره دوش سره کری	هر جانی اولسه فتی خوب پیر بری
مور سفید اولد جی حاج کوزک کوکل	تاکی بو خواب غفلت اغور سر بری
انزاسه دیرمه رسته شوقه زلزله	بنیان دینه صد حد ز اولد خطر بری
خال سیه صنور دم و نازک عذاره	قاسم سر نگاه مردم چنک مکر بری
و بهی مثال نقطه شکله دمان بار	
غافل مباحس خط بسیر نظر بری	
اول بر بر جفتی تر از اولد غنچه	کوز قند سرک سنده کولک بن بری
در یوزه ایدوب دل قوزک غنچه	طوبیونجه دیرم جی تانه کوشدی
جمع اولد مطافه دیر جردل جان	خجی حاجی یه کجه ده کوبله پوشدی
چوقی سنجلین آفت سیرین دهاک	قند لب شمشیر رسته مور لوشدی
قور تاره مدتی غنی دست قضا	دل محکمه شفته خنجه سوشدی
مراته نقوب قالد کور و غنچه	کوبایاکی حسرت بر بریده کوشدی
بجم نه شفا ایدی و سببی غنچه	
یاران او قیوب ثابته یادیند کوشدی	
تصویر ایدوب بجا صورت کاب	مسکام صنادقه و قودم درس قبا
کم مایه انار کیف می صاف کرد	اغزینه قوز آب جیات اولد کلا
مستغنی از دست اولد زرباب	سکاکان حرم نیر ایش قند کاب
عمر اولد یغینه بار کران ایل قبا	دل اولد نهال قدیر برانده دوتا
غیرک کچر غنچه دن ده طبعین	بزرگه تینی ایده مادر بخت کاب

و بهی بینه بو شعر سحر بار ایدینک	
انگشده رشک قلوب شعر	
غوق ایند رشک دیدم تنم روح دویدک	طوفان اولد شور غا نوح دویدک
هست تیر دست قضا تاب غزله	سا طور زخمی دل منوچ دویدک
کنده خود کلنجه کولک کوی دلبر	اولد در وصال کاه مفتوح دویدک
سرسر اولوب نگاه جلوه دیر بارون	زخم خد کنی دل مجروح دویدک
فرزانه طور نطع محبت ایمن کولک	اول سهند نایند بر آتی مطر دویدک
اول دی و سببی جوش جنون خود خیر	
طوفان اولدی شور غا نوح دویدک	
تا طفل ایمن نه از غنچه زول بر	ظلم بود جفا اید طوفان مادر
کوردی ساعت عقوبت لب سیک	رقاص کبی ایدین دی خلعت کدر
تصویر اید غنچه سر سیه لبک	ایر مکر قلم رک با قوت احمر
خاکستر ایدم آتش راه مرصع شوق	ملوده دلبال سندرله پسر
زاد می بجه صند کور و فتنه یار غم	ساقی رسید ایدم عهد برادر
که غوطه خوار غم که اولور بار کوبش	دیر بای آرزو وده اید غرست نادر
و بهی نظمده ناییه خیر کلف بجم	
ارست اید کبردی ضبط ملک سخنی	
خط زلف من حسن بن قاسم بجم دخی	کون باند کندی سحر کمال کندی
بادست سخنانه دوزخ دل خفیف	بن بار بچونه اید کندی کندی

اول مهر سر سینه کجوب رکبند اردو	بنی تاب قالد سیه کبی بی دوزخی
عشت قد رحم تیز و خنجر بدست تاز	افلاک چینه زفر نه الی مانری
ایند کجه غم باغ ایدوب ادا کوش	خمشته قد ایدر سکا سر دوزخی
و بهی مدام الی دوزخ طوتر جام نظمی	
بزم کمال معرینک بیکت نری	
کربا به ایچره کوردم او شیرین شمانی	یوق زیر نفق قبه دهانک معانی
دنیا به عز جان یکن شوب جمدن	اوسونی نور قرص مهک باله جان
سرکشته دوزخ ایدر سیه کجوب دغام	جسم کبود دلبک اولمه سانی
و بهی امین دوزخ در کز ندر قیبتن	
سعد لری دل مهک نیم حمانی	
بوکر دشدن سپهر کینه چو سماره دوزخی	عجب بروفق کام ملل بر باره دوزخی
نوله سرکشته دلس اول مهتا بنده رخا	که شمع دستنه بر دند لرموز دوزخی
او ماه آت شین دوزخ کیر سر جی دوزخی	فلکده جلوه خورشید پرانواره دوزخی
میاف خفته بزم ایچره دل دوزخ سانی	همان کردابه دشمن کشتی دوزخ دوزخی
خدا نیک غمزه سینه شک عشق آید دوزخی	آزده هر کجای تیغ جوهر داره دوزخی
سواد وصف خط روی ایدر صفه مشتم	
همان مسمی کتاب کینه الی نواره دوزخی	
نه مایم دارالنده فیض مادر زاده دوزخی	نه کسب ترم جهاند نه نقد استعد دوزخی
ایدوب تضییع نقد وقت کب دوزخ بکلمه	نه دلدست داده سینی استاد دوزخی

جهان سر جک کام الی زهر قهر دوزخی	حلاوت استنایون شیشه فنا دوزخی
سما رخته دانی دکل الی احد کون	حساب سوده چسب بولم آحاد دوزخی
نوا بر دوزخ کجاده دوزخ دلدی یار	بزه سوز دوزخ ستر اهنک مبارکی دوزخی
بوکب ر جلاده بنه کاران محبتن	
ایین باشه جعفر کس بوق فرهاد دوزخی	
کبار کوه نیکان دهره التجا ایتمه	نه ایدر ایدر جک فریاد که ایدر دوزخی
در امید بسته ایل حاجت زار و سر دوزخی	النده کسب بربوبی یوق برادون
نه قالد زرب بازار ایدر کسب دوزخی	کس دند قالد کالار استعد دوزخی
لکاه تفر دم نطقده ماقه نطقده	کوزر جسم یاره و بهی ناش دوزخی
عجب وصف ایند در یانک لذت طرز	
بینه تنظیر ایدر سکر منقاد دوزخی	
شرب لعلک دل تشنه در روح روا سانی	هلاک دلدی در حیا لطف ایت الی سانی
نوله مباره لبر تو کد نطقه اولسه	بوکون سنن فلکده فنا حسزدان سانی
یچره روایت تیز اولد ایدر سینه سانی	بوزه جعفر ربک شوقیه هر آرزو سانی
یچه آفت رسیده دوسون غم کین اندوه	فروغ می دوزخ دستنه چو برق جانی
سیند ایدر سه هر کیمت نیستی ایدر	خطاب غود ایل عیشیه در سرخا سانی
یکجه جام الی طاهر مهر تو لنور کوز دوزخی	ایمان عشرتی الی زهر زهر آسمان سانی
شب عشرت نوله کسب عشق شمع و سحر دوزخی	
مثال کوکب دوزخ دوزخ بر نور سان سانی	

<p>دلم که نثار سخن و بسا نوله هند و خاند و خمش لعل و بادی</p>	
<p>تمام شکوه بجا میوب مقادری دوسر کراچ غره بزرگه سانی</p>	<p>خوله سوبیه لم بار حرب جانری می نشاید دفع ایدیه ز ملانری</p>
<p>سپهر موقت و لطفه کولک طلوع تمام فن جو نده سبزه در نقصان</p>	<p>خلال ناکه میسر ایفره سلا نری تغزل ایسه مجنون بزم جانری</p>
<p>ند کلوظ لم بر جسم ایسه ده اربوسی ایدر در رحمت دل سته عید جانری</p>	
<p>بزم وصلته دلی مست سر زینگی بنه بر جبین غضب و لاله جبین ناری</p>	<p>هیچ بود نیا ده عجب بزمه جود نری عجب خاطره دلداره خطور ایندی کی</p>
<p>کله مستنک یا سنی غم نیمه میوز بزمگاه طرب وصله بوله فرجول</p>	<p>عاشق اولدنه شهنشاه سحر نری هیچ بود ناکه جوده سوز نری</p>
<p>المست کجی نوله عیسویه ای و بسی دیده دن خاک ده دهر در دزیندی</p>	
<p>بر خوشی کولک ند به زندانه بیدونه زردنی غم داغ تن و ناله بیدل</p>	<p>غم غمشینکن مسجد میخانه بیدونه بق خالقه جوده جانانه بیدونه</p>
<p>آفر مراله کولک اول شوخ خط آور بریده قرار ایفره دل پر خون</p>	<p>صد جاک تیغ غلغله سینه دونه میخانه بی دونه بجه میانه بیدونه</p>
<p>ده بسی ایله اول غنچه لب ایله کجه تکلم</p>	

<p>السنانی بستمه کی و ندانه بیدونه</p>	
<p>بزمه بار نکلنده نقاب اولری ذلال لعل لب قنده میسم تشبیه</p>	<p>شراب عجب رفح حجاب اولری بنده دل کل ترست کرب اولری</p>
<p>عبار خطنی حشر آتشین اوزده دوشتری آدمه اندوه با یماکی دل</p>	<p>ایدن مت ده حیرت ناب اولری صوکنده بون خاکی تراب اولری</p>
<p>جباب کبی صقن روزگار ده لاله</p>	<p>قالور مر بویه بو عالم خواب اولری</p>
<p>ازمین بری یا کیزه کویه ای و بسی عجب بوشو سلیسم جواب اولری</p>	
<p>سبزه بن قباله کورن ارکیده سنی ارجمت حسن صبح کبی سینه جان اولی</p>	<p>فرق ایفره لطف غنچه دن سنی پیر سفید ریشتر ایسه ده بر کور سنی</p>
<p>بالین درون نجی رفح سده سنی انجار بنجه دعوت پیر سیم سنی</p>	<p>بر کر خیال خوابه سیر ملین سنی چیتغری غزل داره سنده کور سنی</p>
<p>مقراض غلج جاک کیهان بیدل کور بنا جسم رشحه فن سر شات</p>	<p>ایینه آواز غوشه چون پیر سنی کر مابه کبی خلوت و صلح کین سنی</p>
<p>تقیب نیمه حمله حیران اولری</p>	<p>ایینه ابجره کورید سیر سنی</p>
<p>دیردک جواب باشه لظفکله و بسا صد آفرین سلیز ایدم بویه بن سنی</p>	
<p>از سب طبع رهبر زختر فیضیه عشاق کله سحرده حیفه قناری</p>	<p>منزل رسان کور مراد ایلین سنی کوسینه آکر اول نه مهر باندی</p>

هر ایک خضر عکس فلک دور خفا کج زلف خدا اید صراطی و غلا	سید سی ایل دلک ایمن در رکب رسمان دوزخ اید جلوه رسد رکب
سیره نارس خدا و گشته شوق بویله پر سوزا کن افغانی و غلب و غی	ایده فرست صفا با ده انج زکب
صومعه یعنی غبار می نایب غم نسین اید صفت جام می نایب	نقد مجسمه بکا جز فی انتر بکب
دستق ایلم مید فلک ن کاوش صاف طبع اید فرشتک سگ مراد	دشمن محرو و فا خط ارج بکب
زخم عشق زخمی لطف ایکن نمده نرسد مصطف سینه ده برن کل سیر بکب	دلده که یورکن جرح در نایب
غمره سی قانر دکر هر دمه چشم نام صفت خوبان کج کسین سر فرزان	دستی خون غشته در عینید فرکان بکب
جا کدر دست ثره کدر جانده نوبه جیفه جا جیفه کولکله نر تو اشرقت	صدر سطر نامده ده فعلو سلطام بکب
خانم معالی اید کیم ملک عشقی و حب حسنه ز بر کنین تیر سید سیم بکب	نابدا مان قیامت در کربا نام بکب
چهره کیم ستر قبل بیده زلف زلف شب که یقوت با ستر کج شک نایب	سج طلیح خانه قبر مدر یا نام بکب

کامکند فتنه پندار کیم
شده شبنم غایت نشو و کیم
زخم سینه فغانک صفت کیم
غمره خور کف لطف کیم
نیمه ملک سجد خط و کیم
ایرون دستنده سطر اول کیم
زیر کانه خانه کج کیم
در افغان کیم بنام کیم
نیمه کیم کیم کیم
دانه کیم کیم کیم
وینیا کیم کیم کیم
برندم کیم کیم کیم

کشته خاک کور و ب طوفان طبع جیسر غم شیر اید خفته در جام	لا لاس خون لدم رنجته بر کاد بکب
باید اید در غلاف لده بسد و بسا جوخه چلک نیم ستر آه و غله بکب	ایده نایب رنجش شعله جواد بکب
کوکم بقدر بعد این با د اوم بکب اول شمع زده خواله لمر سه خاتم	انجامه اید غصه غم شاد اوم بکب
سیرین با غلکه زبان زمانه ملکن دکل سلج سر زلفند ربا	مانند تار کیم زبا د اوم بکب
ایند را خطه سهر سر نیک مجنا منشی شحرت شط نجاد اوم بکب	فرهاد قینه میشه اید با د اوم بکب
مشق قیام اید به رک شوا سعه و همی فنون نظره استا د اوم بکب	آخر سید غصه جلا د اوم بکب
عذب این کور غنچه شبنم باز یک کاه عشقه بوافت و خیر اید	لذت ربار سکر معاد اوم بکب
مطرب برنده نغمه مهر افرا ایدی دار و خالی هوشن بالقر ایدی	مانند زار نخت زبا د اوم بکب
سیر معانی تریه سید یثرب و رب جای زکوة نبه مینای میفوش	هر قنده قرار بالقر ایدی
مغلوب میشد در سحر خار امداد شاه زود در سقا ایدی	جاد و جسی سحر بالقر ایدی

آنکه بگویم سودا زلف خط خیر فایده	شا نه دست چاک دله بر کمر آه لاله
لاله خنده علی منزل بیب و نه من	کجه کو یک طواف نیکه و در حرم
روزن چشم بصیرت یار و نه لاله	روشن او فرخ حال بر تو لاله
دوبیایندر فلک و بسنه حیرت بی	
ایندر الفت لب تید حرف کالم	
بر لب که فلک ایدر شمع قری	بغیر کرده افغان نسیم سحری
کاش نه غره ایوب دل مهر طلوع	
روز پنج جسمی تیدی بر نور و نسیم	
اول بن نشین بوجبت صدف کبی	ایند ساحل ایله سنگ حذف کبی
بی دایه در چرا که خاسته ناز دل	ایز انقباض خرمش نذر عطف کبی
سایه جلال ایلی تیکر قبول	خاطر کو کل یا لکه سنگ حذف کبی
کر میت تمسیدر کو کل سوز عشقه	نابو لک آتشین نغم او فرود کبی
هرست دلباهی بوزم لا خنک	خو نیمیدر او آفت خنجر کف کبی
امید کنایه ایله قاشق ک	طوتم خنک جور بک سیم هر کبی
اوله نجه در نارسخن بار و همبیا	
اولدم دهن کت رنج صدف کبی	
شکست رونق جام ایدر راه روز کبی	کو رن غره سی زبانشنه کوزه کبی
لیکنه اولدری ناکوار سحر ک	فرخ عشقی سی بوباده نوره کبی
فروغ دولت اساک مشرب خنق	ایدر روزان امید آفتاب روزه کبی

بر عالم کل دایه براه من آلوده	فالور ایضه داور خاک روزه کبی
بینه زده فالن ایام مسجید و نه	
که ذوق و صبر کجی کرد و نه روزه کبی	
زاهدک صورتی زبانی کبی	بد در اخلاقیده لبانی کبی
سینه ده زخم تیغ جان کبی	صقار باب عشق جان کبی
فوسر بر دی یار و صفت ایندک	ایندور کد اوق بیانی کبی
ایرم زخم نیزه یاره	خاسر لاله سنائی کبی
کو تر چون مطالعه خطایا	عارفک درس متحانی کبی
خاک کو یک نسیم و همبیا	
کو نور حاجی ارمغانی کبی	
ایروان دامن ناز ایدر کان کبی	ناوک غره بیه بر در حسی ترک کبی
حسرت لعلکله بچشم شرب سحر کبی	خانان جان سوزش در دشت کبی
اول و سوسو و کیسور طالع کبی	ایندر کدن بیج دل مار نقش کبی
هر کجه نالانم ای کل شمع رو یک کبی	عنه لبان شب آهنگ نال کبی
آره معنایر کلور غور سحر کبی	
اهل نقطه ناز ایدر کن بری کبی	
جسم شوخ کو ریز چشمه شیار کبی	جشتر اندک او فرکان بر روزه کبی
لب کت بینه اوله خنق کبی	وقت خنجره بچشم دهن کبی
دوستد سینه ناساز فلکدن فریاد	ناز ایدر اهل لاله دلبسته کبی

سبانه مجله کعبه و شمع تا بنده	یا نوب یافتمی بود نه کورسته بنده
اوشوخ خال و خطن ام و دانه ندر کجا	ولی چاکش گرفتاراید بجه بنده
در بوع کور و صاله ایر بشند دل زان	ره غمخنده دلی اولد حقوق تست بنده
نفاق سینه در اختیار و عتدا و اکتبه	اولورایه سکا ایست و صورت تا بنده
سنگشان نه چکر بیز ایدم اروسبی	
می محبتی نوسر ایتیمجه تا بنده	
بنفشه و بر در رضا سر نهاده	کنار و کیر اوله تا با غده کش دو کله
نشا طبعش می افتاب خمد در	کرم کلاه بندر کجا زاده کله
سجاده سکه بی مردم و قاز حاتم	نه لایق دیر نیکین کبی نام داده کله
چکن کمان غم ابروان دلداس	
کمان رستی اکراله کب ده کله	
اولور سه کوی نوله خوا بکاه راجتم	کله سنگ در کمر چسبان کله و ساه
عجبی ز الکل ایچون دیر سه کند و می	بی وجود بی فساد و سه فساد کله
اوشمشور فلک جوده کاه معایم	کله سب فکر بیه بروین سزاق کله
نوطسم تازه به نظیر اید غره و سبی	
یراعه و بر در رضا سر فرو نهاده کله	
بکاس بنده کیسه ندر سر و سر کله	بانده فرقی یوقدر غره عیدک عر کله
بنی ندر عید دیاسد ازاده چلم شش	برو در یانده نجی جی خک جود کله
چنان یاره دست دعوت و کمر شش	نوله کاهی کوب نفت ایدر چشم بر کله

۱۷۱

عجبی خلقه زنجیره دونه کرد سر چشبی	لوکل دیوانه اولمشه خیال زلف چشبی
بنم اول ریشخوار تیغ استاب جولا کله	سویتر سوزش زخم در غم آب کله
دار کین دله امید صفا عفو ای و سبی	
دکشم بر کنا هم ز پرا بر ایدم ایدم	
ستاد کور کور رخ جانانی کور کله	چون غمخیز لب رو کستانی کور کله
سر کشته یز بزا دل برتانی کور کله	بروانه کبی شمع سبتانی کور کله
خو ایت کور خط رخ جانانی کور کله	طاهر ز کبی بکستانی کور کله
سور سه در ایدم باغ دهره	اولسه طریق اوخل خانانی کور کله
کور طالعی که باک کوز خدر غزل شوق	غمم یسم او مهر و جشانی کور کله
ایست کور در چاره سنی اول طیب ناز	کله سید کور جسته جویانی کور کله
زیت سر از مهری تکی کیکان نیدر	
نخستش کر کله جهاز عوسانی کور کله	
بر کور قور و خط خمار کنگ شها	ملاوت دله صورت سادانی کور کله
دار و ریشخوار خلقه چشکده کور سه و ب	بر دام قور و کجک خزانانی کور کله
سد جبریت اید صورت بیجانه نوب	دهر سنده اولت دورانی کور کله
خون غمکده دستمی غمشته سیر اید	بی رغبت اولد رنجیه مر جانی کور کله
نقد سبکی رویا دیر دی استین	اول نوع و سه حجه که جانی کور کله
ایتمون نثار کور هر تخمین و بیا	
طالع اولد بوت بد عوفانی کور کله	

غفر انداز جهان در ششم دیه	سینه کوبیده و کیم رشک در کون اولیه
سبزه دهن	اول مهر و کیم
حبس اسعد خرم کیم و سبب غنی نه خرم	
یار شریف ایبه بر شخص خوش ایبه	
خراشیده رفعت مراد و جبین ایبه	حیف که کجدر غم بزمه و این ایبه
درگاه یارده بر غیر علی ایله ک	بسط حصیر با بده چین جبین ایبه
عاشق او در که ماهی ماهی کباب ایبه	بزم بلا ده بر نفس آتشین ایبه
ایتر نهفته شوقی بوسن بدین سبک	زائل اولوری نغمه می و این ایبه
سبب زنده دار حسرتیوز شهر و بیا	
مخوابه وصال ایکن اول نازنین ایبه	
نگار حسنه و مهک انتظاری ایبه	محال در دهم رک بر بهار ایبه
تاج ریایه که رند فرسوق ایبه	بمسد و کله قبه عجیبی است ایبه
برافت سببه بنی مست بده رشو کیم	فرق ایتم بنوز بیسی ایبه
جوشنده ارصوب بر کشتن طراز	صوابند برای سرده و کانتظاری ایبه
مویج بجا و لسه عجیبی کف ره کیم	ملکینی در مقابل سبج روزگار ایبه
ساقی مدد رسد که کربان شوغری	صد باره در کشت کشت دست خمار ایبه
و بهی نظیره ایلیک شعر غریه	
ختم بیت کلامی قافیه اعتدالیه	
ساقی مذکر کوشری لاله کون ایبه	عتق جام جبینی لبر زخون ایبه

نور

زلفن که یار مو جفاست فزون	صد عقل کلی سلسله بند خون
چرخ خلک تحمل ایله کیم با محنتی	تخیل ایله کا و زمینه زبون
بر تو کدر فیضم او دوست ضمیمه کیم	نور قیسی محو غلام ظنون ایبه
ما مولد را و او عالی قوت کیم	لطیف قافی ستم صرخه خون ایبه
یعنی جناب عارف فخر که بوله لر	
اعیان غبار را بهی کل عیون ایبه	
قدیم نوال صدر محیط الکمال کیم	کور سه خودش جودنی در یکون ایبه
بویله قالدور سه جوشن طوفان خروار	کلف و جود غرقه کرداب خون
سعد حیف او ساده لوحه که نعل مایه	ایستاده سبب عده بخت خون ایبه
کشف مشکلات که استرسه هر روز	
فهرست صد هزاره روح و تنون	
طغنی قوزا بد کجا همواره عتقنه	قیل نظر اول فتنه بیکاره عتقنه
جسایه کیم رشک در بوزه کار	رحمت قلم سزا ببار عتقنه
با و صلیکله اول شست و شوی از	رخم جانه صکره ایله چاره عتقنه
آهیمی صدف رقیبانه حواله ایله	منج جندم سکر کفاره عتقنه
هر بر بر روزن قصر تحلیات اولو	ایلم که ایله سینه سن بیکاره عتقنه
ایتمه رسته و صحن و بهی فاده کیم	
جانه صبری کیم صد باره عتقنه	
بیر و اولدم حضرت محمد و فریضه	اول مدد رس طبع بر کار عتقنه

چرخ شود در جنتی دارد و ذوق که کاس	رقاص تماشا اید و ز سحر نغمه
بزدلده تماشا اید و ز سحر و کوفی	وار با ده گشت قبح و حسد نغمه
بختاره مشائی لیکن اول خیر الماس	رخم و در سیر بر سینه سوز افشیده
قربانک و له غمزه خوریز که قارشو	وار حالت بسمل نظر حیرت نغمه
دو بهی نمی ممکن که اوله قابل تنظیم	
اول فیض که وار کلک و لی نعمت نغمه	
ممدوح جهان حضرت محمد کریم قابل و کل اوصاف ادا حد حیرت نغمه	
اختیار رنج نوسری و صفت ائمه	عت فی غوطه خوریم و رفت ائمه
شبه طمانه اید و عافیه جم اید	اوم صانوب رقیب اید نیت ائمه
روشن نموده تیر و دل اید و شایسته	ار به سبانه غیره که میت ائمه
صرف ائمه آب رویی بزم کبار	خو بکرده حجاب اوله رفیق ائمه
که فرالده نقد و کرم شمرای کوکل	سجی است به کف و کن حاجت ائمه
دو بهی قومه دوانده بیکار کلک	
اکشت عهده در دهن حیرت ائمه	
تجمله بار بارسی کو را دل لعل نایده	کو بچسب بدر کاه و جام شراب نغمه
امید بوسه جانز و سحر خط بارون	کو ردم یرن و سینه نک بن کجی نغمه
غریبان ناله بی نوله و طوطی روینه	فانشر و افقانی کو رنج حجب نغمه
اولم رسید و منزل تا شیر و تاثیر ائمه	نک کمان و سحر و پیچی هیچ و نایده

کشته

کشته ناله ائمه در باره عازم اول	کلک غلب و کلمه بی سحر و با بده
اول جمع حسد قار شور و ان بده کلک	بیرا سفر لاله اید و لور مایه نغمه
دو بهی و شعر و صفت لب لعل بار ائمه	
رنگ کل و دل اوله نوله آب و نایده	
جهانی مردم اید و لعل حرف نغمه	قنون عشوه و کیم سوسه و اید نغمه
اید و بر نوبه اگر تراج استبد	اید و در سوز غم الفت کیم طاق نغمه
اولم و سحر و لور آب غم که کرم	الک کلک و دل انش محبت نغمه
ندیده و در شهود و سار و نیت نغمه	بجو و ک عمریز حرف خوا عفت نغمه
جک و اد عاشقی و لاله که بار وصال	که انک گاه اوله زرد و صفت نغمه
دو شعر نازکی ابر و لایوب و سبسی	
اوست همه حال و عض ائمه نغمه	
بکار و با مقام و درخت نغمه	سیر اید و کو کبه حسنی حیرت نغمه
دلبر و نغمه نیم شعله و رخ سجدین	حسنی آفتن و غم سمانه نغمه
که کو رن و در کاحسنه غانه و ک	بیله ما پستی کندیده و عافا نغمه
با عده سر و صالند و غم و غل نغمه	ناریده کلشن کوینده و خوامان نغمه
با دو و منجه کبی است بین افزون نغمه	سینه سوزان غم و روحه حیرت نغمه
کلک زرین اید و شایسته و کجی و بی	
بو غزل و زیور محبوبه و یاران نغمه	
وصل باب و لاله کیم جگر کله و نغمه	کامبین و لسنی و دل غلش که با کیم نغمه

سوز استرگ کر لوفو سوله	
حضرت طاقت فخر که دو کلمه و صفتی	حشره وک استرگ یک بیرون طریقه
ناتیر دم ناصحی کور ترک غنا ده	چتر ملک وخی صندسی بو فضا ده
اوم که فرخنده ستان خطر نده	بیک لانه عقرب بولور هرزه بده
دستار وچین برده سور بیل تقصیب	قویرقی دیوایک ستر نام نهاده
یانه عصاج طاعتی کبی کلورده	لیکون نهان اولیغنی کور کسه عصا ده
برقی و ضوایر صومعه کسده	کیر سه اله بیت اگر کشیده باده
تعديل صلواتی ایدوب افراط را	عوق ایتیه ده در حقه دخی دینی آداده
صوفی سکانت کور بنور حقه دریا	مارک دهنی بستر زبانه آداده
هین که دقت و نه اگر نینه سین	
ایر در حلالی برینه جامه شتاده	
رینت و شمر صد نشینان فغیه	قور لری نقطه قبل نظر مضار حخته
اسکو فدر که صفت زهر در زنت	کویا شهود در یاز یور ذیل حخته
قابل او کور سنحه القدر انتفاع	حرف خلوص ابطه و نرسه صحتیه
برورد و سرخس و غرق ایزر کجا	برکیمه به که لطف بده سر بونعمه
ناستخه رانیه بخشی عتو جابه	
کویا فخر ایتیمه کیز رانیه	
هر که بالین بستر طیاره نیکی طاشنه	در که دله اده یوقدر بر طاشنه

سند عقلک در ریشه نشسته	عالمک طعن ایتیه تر کیمینه عیانسته
قطره اشکده در رنهان ایتیمه کورده	مردم جسم دیر کرد کینه بر پاشنه
بیک نیش سون فوج و ستر اولما هرزه	عانتک طعن فان شک بده خونا
دهیسا ایات خوش نقشینی بو طراح کلک	
سرفروایر کور نر خانه نقاشنه	
ضمیر صافه سار دی علامه حخته	اکور مرانه صورت فرسم رساله حخته
برسین جلوه کاه چشمه سار دیده حخته	من و یانی سیر ایتیمه حخته حخته
عقلک خود بخود عیش ایدرم بیمنت حخته	بتر خون دروغم باده کفامه حخته
صغار روینه تکلیف و بر خط کیمیم	نر و شعله به دو و سپید دانه حخته
خیال دو چشم طبعنه نزدیک ایتیمه	
اولوب در دست ایتیمه دورین جامه حخته	
دیانم دست جبرله عجبی ایتیمه	که جرح ایتیمه شمشیر حخته حخته
بیز بو شتر حیره قالدق ایتیمه	کش وایت فالسوار ایتیمه حخته
اوت باک بکزارنده صف مور ایتیمه	نجه بیتاب ایتیمه حخته حخته
ایدر زلفن برین ایتیمه حخته حخته	بی ادمدم بیکارده بال علم حخته
خط کور غر و نلدر غل دار لاهار عشق	کنه صیدیه اولما ایتیمه حخته
فراموش اولما کار معارف دیو ایتیمه	
کراله صمیمه کیم ایتیمه حخته حخته	
ایغبار که یا داید ایتیمه حخته حخته	عرق کیمی حخته حخته حخته

خط زنج کناره خط عذاره	برسنجه در که منه یازم کناره
کلبه در برین کور زین عذاره	کویا کراس موبعد رصار باره
رخس کلاه حوالی چشم نزاره	بر ذوالفقار رکنه بزرگ راره
کوبیده انگ حسبی رفیق بعینه	شیطان آفتد سینه من به حصانه
مهر را دستیک دل سمت رفیده	بنهان جواسم خط محمد حصانه
و هجی قلم نابیه سیر دلک ایلیه	
کویا ف نه خامه اولو رعته ارده	
غیرین خطی کور زاده فعل زده	سنبلی جتی سیر یارب کور زده
شیشه دوجس بری سیر نی سترنگ	عکس حرف ریخی کور آینه ستر
دل مغیره جمال بعلی یارب	بزرادول حکره بنهان دله گستر
طافندم ایدرین خاکه تنزل زده	بولدم دل ماه دوشی کور که در گن زده
خال مو دارینی سیریت فتنه کویا	غیره کور دود او دکر بن مجبده
سنبلی خطی آراشیر دستار تهم	دایرین حاصلی سودا رحمت ستر
و هجیا کاه خطک سیر ایدرم که نفلک	
سود در شرم آرام ایدرم بر زده	
که ر بوط کدر سیلاب سیر طبع زده	هم غم غمده کفر نیده زاده یوست
خیال حسیم شوخ دل ریختی گشت	عجب مستدر هر دم کور میخانه میخانه
سیر در حسن آتیش هزاران سیر	او کافو سیمه بی زنا کفر جوی سیمه
و کل ابرو بر چین کلک قدر زده خطی	کسیده خلعت کسیده زاده خطی

نه نور ز قور چو در جنگ سینه کور کفر نی دوی	
سپاه خط کین غمده خط فیه میده	
با سکه درایه جادو زکله افسونه	دو دندر سودای مجتبه کور کل مجتبه
یدیدر قور کلاست طو ترا نده مقام	بزرگ فرمی سر کویک جیل قیسونه
از غشتر چشمک یله صا قدر	طشت فضا و قضا و بزل خونه
سازگار دلازمه طوطی که در وصل	نه دلو رسته عده موافق نه دیا ر قانو
در دوزان و لب لعل بزره نکل	جزا ترکیبی جواهر دن اولو مجونه
و هجیا و صف رخده جدایر سیمه	
تازه بر دخت تراش ایدم مضمونه	
سکرتن بر سخن دانه سیر سولیه	طوطی کلاست قور صولسون بده جاکلیه
سمای زکی کور که قواضات	بر سلا مکه دی بوق ارت رخا سولیه
بار بر شا جواب طبعیم لطف است	در دم اولر سینه بزر بر دوا سولیه
و کله مطرب بر می زنی کله بریک	نوا عطا دکلر ارباب هوا سولیه
امید ز کبی فریاد کلو سوزدک	نه به دست سینه ارباب سینه سولیه
خدمت عشقه بر دانه دلو زنجیر	دار می بر دشته تر سیمه سولیه
چون جلیبا سکا غوغا کورک اولدیه	او کور نچینه کن ایسه ارت تر سولیه
و هن تنگنه آینه رخ رینه نق	دارم جای سخن اوطول کویا سولیه
قلب صاف دانه کور کور ستر	و لبرک نامنی بادا تیه معقا سولیه
نظم محمد دم ایله سقده زاده نور زده	

نظم نابی ایله شعر کلام و فیکلیجه و هبیا فرق دار البته سخن سخن	
بارون خسته و له کلمه می سودنا هم کلمه بر منطوقه سعید و کیم	مضطرب جانم و توسون شو قله صحت نامه دیده لر نامه شایسته سعادت نامه
صفحه جان و بر روبرو و غنیمه جلا صفحه دن خانه فزده دود و دود و دود	یار نه عشت فنه محبوب محبت نامه استسم یاز منغه دل آفته حسرت نامه
آهکم و راتی یقربند خنی نامه بزم کلمه کج خطی نیز کلمی رفع سستین	ایده کج رکعت بر رکعت نامه صلح جعفر باشد یاز له البت نامه
کلمه رکن بند روعان طرقته نه و هبیا کلیجه جنس غایت کبی فرقت نامه	
بغیر او غره مست بها جان یارینه دوستند کی ملکری کور سه دم نامه	بیهوده با مال و دوزر رکنه زارینه ویر فرسادم طرف بین یارینه
بوده کبد رحمت سرده ناز با دل بر مست و خواب سپهر خرو غره دین	رضوان عشت ایسه کوزن رینه کلمه خلل عجب که بنای وقارینه
سر کرم نخوت اول و سول تنوع جودیم بغیر مر دین کهن سالک دل برک	دگر نش طبا و عسوه و خارینه عشق رنجیده و له رنق اعتدالینه
و هبیا زوال دولت حسن اول فک ایندک حواله فتنه خط عذارینه	
دو کیم بر رستم و یو میخانه در رنده بویا بد عیش دل افاده بر رنده	

در کار با بخت کز به طوفان خروشه دور فرکه بند میالک حذر ایدر	بر قطره و کل قزم عثمان نظره کسب تیدگی نقد و لی صفت کز
از اده سربال محبت اکه دیرل دستاره بدل نیبه داغ و له سره	
کی نشسته سنی و بر دی مذاق دله و هبیا رنگین سخن و صفت لب لعل ترنده	
اوشوخ و دوز سه بجا مهربان مرادیم نقشه ایشتر ایدم کلمن خیا مده	سعداوش و دوزر نام مرادیم ایه شمشیر اوسه و دوزر مرادیم
دو طرز و طور طبعیجه سبیه و کلمه کلمه هم او فرایسه ترجمان حرف نیاز	خادم و جلوه سیرین مرادیم و کل افاده به قادر زبان مرادیم
کوزن ترک سورم جلد کسن و نیم و هبیا فغان خلاف طبیعت فغان مرادیم	
شکار جاده شهباز و صاکک لکه نام لکا چشم شونک کلک کان و یوب	دو زینت جگر له هر فرم فکر صیانه او دوزن نوین و منقه عینی کز نامه
نهیست نیاز تیه بنی نقد تماشا و قادر مر دوزر است خیره یوخه قیامت	که چشم کاشه در یوزره در راه مناده سنگله بر کچه سزاتی و فری دوزینه
سب وصل اول که تا اوزر که جالت کدز که نظاره حیرته خاطر غیر سودا و	
رواج کلیجه هند دو اتم کور سه زو هبیا او دوزر داغ حسد متفا قاتل احمد با و	
خال کیه میانه خط عذارده اول فتنه در که مضمر دله استهاده	

بیکدن ستم مجون قزنجام رنجور	اگر خاندن داور سده کم غنچه خنده
زن دنیا به بونا مرد برور گنجور	که سیلی مادرک از دوزخ خنده
اقل مرتبه قدرینه کند دوزخ اعلی	هنرمند فلک بست بسته ده انگر خنده
تبی دستان قنوت کند قلم اولی	ینه صغریه داور باز دینی خنده
سیدک منقش حکیم فندم وارین و بی	
متاع دولت دنیا ی دوزخ خنده	
اگر کنی رسیدم نصف برابرم ایشا	قالور در آیتا بم سمت خنده
عموما خلق دنیا به دعای خبر و جبر	
موفق آید به برکتی هر خنده	
سینه حوصله عالمک تحف	افاضل اوزره نیجه جا پاک تحف
کستی طبعه خلل ویر ملک نوکته	اولور حصول مرادک سبب تحف
فلک نیم کمی عاجز دایم ستم	کیم عتقاد ایدر مصلک تحف
خیال اطلال امین مقدر زارک سلوم	تغیبه سحر سحر دورینه تحف
بهر نمونه یرینک او مردم دیده	جهانده صورت انسانده تحف
کمال صدمه منت جگندر کجی	سینه رستم آید به باز تحف
کدشته تازه لره کوجه کر عشق ایت	نمونه در رسم اربابک تحف
اولور سخن متعلل حدیث مارکی	اولور خلک سیم غار و صف کانه
اولور بو ستمد ز غر ابرو زار و کمر	بفرنگا تخت سده طوطی کانه
سیم همراهد و نازک و نویسی	

رقیب ستمه باور داور تافه	
ضمیرم عاید دوسه نوله اسکله نوله	صدمه لاز مدرالته اخذ مار موصوله
نقطه بر جهر جبال قالد رنهان جقه دلد	ایدر دم قی ده یاره دیریه مقبوله
بولور کنج خیال ایدر ملک و سنجی	عجبی اول دل غوت کرین کج ببوله
دل بصیر عجبی و در کردان دوسه غره	اولور می سینه کر ملک سیر هیچ ببوله
نوله سیر باز نشکان نظم ایسم و بی	
دوایم چشمه ر فیض کلکله راکه لوله	
فته ده طوفان ایدر باغدر باسی بر	عاشقک محبت آتیه قانی باسی بر
کوه و صحرا صدمه کور کیم قنصل دایم	طیغ غر بریده ریزان اول طاشی بر
هر کجا بهی کر یه ستانه ایدر تا کوس	میکشان در دایمه جوجه پاشی بر
عینک خورشید و همه کور سحر غلک	اولد یون رسم دفاتک انقاشی بر
بر برندن افکاک تیر خوب سحر و سن	بغیبه ریل در دایم جبهه پاشی بر
معدن سیم طین ایدر کورن عینک	عاشق بر اصطلا بن رنقاشی بر
کار و بهی نقش عجا ایدر بولدر مینار	
نوده اوله بندر نطق قشاشی بر	
ایستوب کاکل دیر ده نکلند و شکله	اول زار اولدی کر قنار محمدن محله
دل هوای خط سینه کله نوله ر کلر	پویه کار اوله صبا کجی چینه
سعدین ایدر ملک قائل اولور غبار و غنچه	اولنوب غنچه سیم دوشده رینه
دل سینه صفت ناله کجی نوله	خطوه بر دواز در رنوخ رسنه رسنه

بسته ایامه روح مستور می نذر بو	
حرف الهاء	
فرع عشق که جهانی سست بر او است	بنجه عالمک شمس سست بر او است
دلک مضاف قفل قلب پنج حسد	خداوند خازن حسنی سست بر او است
جفا که کوز نموده جسمه جفا	جهانم قوه العینانی سست بر او است
ارض عشقه دارشفا در روضه پاک	تفه در دیرک درانی سست بر او است
دل و بهی بی طوفان کندن سست بر او است	
بوجک جو که کشتی سست بر او است	
شمع عشق که لم خد منته بر او است	دو نم خفته توجیه ده یا نه یا نه
آره ذکر ایامه دینان بدو قطع	زکر یا کبی جانم و بره لم جانانه
بزرگ داب صفا دونه دونه خونی	خفته ذکر ده اردل ایامه دورانه
حکمت ن بزه بر در دوبره موکلم	حیرت افزا اوله درانی دل تقیانه
استنا اولفه سترک اگر خفا نه	
و جی غلت اید ب خفته دل برکانه	
دوست که مشقه الله بول بر او است	جبهه ده غبنه الله بول بر او است
سیدان غده جان دل بند بر او است	بند بر او سب غیره الله بول بر او است
ساحل شین صلت بر کشتی دلی	صالح محبط فرقه الله بول بر او است
بند بهودن بند کول کشت کر بر او است	دارالامان طاعت الله بول بر او است
و بهی توجیه ایامه سست بر او است	

سر منزل حقیقت الله بول بر او است	
خوشتر دوشده خط و خال لب بر او است	کویا که دوشده سر و سرش سر او است
اول لبی صکره خط سلف من او است	انکار و دوری تموده کلک سر او است
مها بده خیالیمه تمنا به اولدی با	عکس صغاری کل دوشده در ستر او است
دیر فرسه نقد جانم متاع وصالی با	ایده میانی خنجر صوری ستر او است
آتش میان بار در غوش نه احتمال	یوق بره می جهانم قیر یوق خنجر او است
باز عیسر رقب کرانجا فی الترام	بوده نقیر حلی اکور ستر او است
بسته ایامه اول خط سست بر او است	
باز خنجر حقه سست بر او است	
سند نظره ایامه بهی نصیده با	عین عطار صدر کرم کستر او است
کر بوز بولوب دوشه سر بر او است	دوش خاکی نه یوزی سور او است
نقیر ایدوب مرادی ایامه عده	
بودر دوشن او صدر کد بر او است	
ایامه خنجر حرم صند بر او است	ایستار التوم اید بر فیض نظره بر او است
نقیر حشم خفته عین خط بر او است	بوتستر دوشه جیر کشف اید بر او است
اولور باز که هر کور دیکم کسویه در خنجر	نه قبده دوشه کولک نور ستر او است
دور نور که بر وانه بر جم سده خانه	بکا غیرت دیر بر جم سده بر او است
او آه چشمی کوز کور دیکم کسویه در خنجر	اولور جیران تراعی خانه در خنجر او است
نیاز ستر فقط دغ در وانه بر او است	ایامه بر عرقه عین جده بر خنجر او است

اسم شمس و صلی نور خط بارون	در صف کور و له باد بهار و دل
جو صافند بار سروده خوش نام	صو نیز بینه سکا انظر و دل
کنج خانی کشته تبدل انیس	بر لکه دول غلک کبی بر بار خاند
و بینه خوان نفس خط کشته سنج	فصل نوایه بشند بر نازه کارون
و بهی کوکل و سر و قد و آفرینش	
بی فرق ایسه سر شکلی نو و جو بارون	
مراجه قبل و کر نظر کور کند کی جان	بوز و سنج حیران بدر بر بلی بوق جان
ایستاد که کفانی سرفا ده جان	بکدر نظیر یک از دین حسن بر دانه
انصاف قبل ای سوفا جویم بر نندم	ایخار و ده که استا بنده نوجون
ازفت بلی نژاد و دوتی تیره باد	عشق نازک باد و دانه که دین
دینی زیر دست و بر چوبه قد کشته	بیکت و شیار است بر بر کور کشته
و بهی بر نزار یک دینی بر نزار یک	
جوق سوزش طهارت کشته کف کشته	
حرف الواو	
خو اسکار و صلت اولم مت قان	خوفه دستم صکر چشم قان و دین
آمر و س زاولم خوش غنر و دین	بشکلی کوزدن اقدم بار و دین
دگر و دستم دایره ناله و دین	انفم جو هر فردا به قان و دین
رزحکاه فتنه ده غلک سنج و دین	کو کلمی که نو کا فر با جو و دین
نستی آباد عالمه بجا و دین	کو کشتن خود و قان و دین

نقشه

نقطه شک کبی بکین نکر از شعار دین	نقش سبیت کربانک است کلدر دین
اینه سحر تلال اسکا بهما نقصان دین	بدر کور ستر و زانکشت بیه کاملر دین
زنده انیسر ایمن ترین دین	دوتی بیت القصد بیه معادلر دین
بینه جی بکا جوق ظلم بدر آماجه دین	بکسر و قادر و کل غنر و دین
باز سر قطع طریق نام دین	غنم ایدر در کانه قضی انار دین
نظم دستور کز بیه و بیه حد ککل	
قصه تنطیر ایک تعلیمه قاندر دین	
ست ایند برنی دانه سا غنر دین	دلای پوره کم غنر و دین
خو کلمی با طمی سخجوری دین	بهری یا خود قند مکرر دین
سجون جواهری و بیه و دانه	خاکلمی او بجه مذه کی غنر دین
مطرب ایده یور جان و تیره دین	بیکان قضا غنر و دین
سبلی و نظیر و کس و دین	در عرق افت نمی کل تر دین
و بهی فی خانه کده که نه بولدت کف	
حیرت کلدر سوزی باشکری دین	
دیار عد ندنی جینه می کلدر دین	کلدر سته میر رسته کو هر دین
اشعار اینه شعاره او غنر دین	اب ایسه اگر تبه کو نری دین
هر تبه جو شده او غنر دین	وصف کرم حضرت او غنر دین
بک شتمه اخلاق و دین	عقل کلدر استا و دین
بر کزه که صحبت جان اید و دین	

نیز بر تاز و خسته کلمه می گویا که

اینکند روضه با گل خشک نیست تیرک
 او کوب دقیر ز عیسی کلک در غم خیر
 سکا روده دلیر نظری دکه ز سیر کیم
 عتاب لعل بندت دکلو جیوه و شک
 کوکل در و نشان جان کین مرغ آویز

راہ شعار وہ جاگرتا نہیں دیتا

کتابت طبعه از خای خانه حضرت امیر

در پیش جلوده در شرف خانقاه حسن
بسته کند زلفه بای نگاه حسن
و در کج دوز شعله جوانه به همان
شفاق سپرد و دور می نمی بند زلفه

شمار ستوار اول نه نخت کلاه حسن
پیوسته سمت در کلاه شاپر و حسن
نور و پوشش و موم و رنگه کلاه حسن
سره کو تپه سنده و دلمه بهمان سباج حسن

شہید کی کھلاہ و فاسید نہایت عجیب

مہربانو جو رو بہی یہاں بادشاہ سن

<p>سین بنی اسیر غم و نامر و ایدین داغ بلاکی مردم چشم فؤاد ایدین هر در و صورتی با کلمه رعنا ایدین غل سواد مردم حوری بد ایدین عالمه عشقی حسنه کرم تن ایدین</p>	<p>غیر کام وصله سه در و شاد ایدین شک ماسوایی یقر بر لک ایدین شتر آکور رعقت مینه و شتر ایدین دور سه وصف خاکه لایق دبیر ایدین دینار از مینه طوطی تمیس</p>
--	---

چون سرکش شمع شعله خست تیر محو اولور
و ضایع کینه سوزنی صحرای یادید

وہی بی ایسہ طفل کتب خانہ نانی

تعلیم کا معرفت اور سنا واپس

<p>استماع اینگونه نیک عطا حق چون و بر دن ساخته سجده کنی و الله عز و جل زخم ظالمه را و اور باز و کان آسوده کاکلک فیض دل حقه و چون نفی و شک اوله فرقیس نهادند و نیم مجلس حیکر البته زخم ریب بر ستار که زان اینتر ز دلده کی اندوه صفا ترجیح</p>	<p>آچره بدایه صفا صدف آسایش محو ایند فکر کنی من صومر نقوش دزد و سبک و ایدر نفی و سیر پایش بقدر و اتمه سه ده باز غلغوش مشرب اموز جنون همیند هوش شوق ملک و سیر ایدر غلغوش ویر فرز جلیله ویرانه زن سبوش</p>
--	--

نظم نابیده خود سر نشانات معنی

وہی بزرگ و نوندر مرغی رجش

در بوزه نور ایدر ایدر محرم حسن
ایمنه در دزدانگی غوغا صحت
بشیرین مذاقان قناعت نظرند
امید کنایه هم عشقه دوشهری
ایمنه در دزدانگی غوغا صحت
بشیرین مذاقان قناعت نظرند
امید کنایه هم عشقه دوشهری

عرج اپنے سزا پارہ اندلستہ ہدی

ماه نور عقیدت و آفرین کردن

افق چشم خندان پیش تجارده	زالدی خورده و سر زب جلال درو
روزگار رید که زین کیر مکی	امر و جرم را عشق در باوه کرد
فتح ایدر بر کون طمس حال آید	دلبر ساحل شبنم کنج باد آورید
زن پرستی آینه مکر و بهی بی محو نهال	
حکمر عشق و محبت بود کوه مرادین	
کاس ایدر کینکستان بخور مرین	عطر سالی تنگ و عیسیم عین مرین
زخم چهره که کاکل کند نه بوسه مرین	تر صافی ایدر بر ایدر عین مرین
صد بیابان آهوان چمن بند زلف مرین	شک ساز تنگ خط در کاکل مرین
ترجمه راز در نظاره اهل درون	راز داران چشم فرکان درون مرین
دوق بجان کبی نایا نایب مرین	حالم وصلک دخی بر که کوه مرین
چهره کوه سر سه بریده ز کوه مرین	بر لب تجارده داره غنچه بر مرین
ماز پروردگار طبع اولاد مرین	هر چه بکرمی در همین چمن مرین
نقد عمر حاضر بر عمر نوج ویر مرین	
دوق وصلک و بهیا که دشمن مرین	
موم سحر خه دوزخ لعل نای تاب مرین	صور مکر غر مرید حساب دوزخ مرین
هیچ کاینه بغیر هب زوای مرین	اهل مساک عبرت آسوده زوای مرین
صوم بکون نیت طبع نوال مرین	آجین باب س خود کتب دوزخ مرین
دو بدق بر دوش کبی کج زین مرین	صبح تاب هیچ کوه زین دوزخ مرین
عشرت بکر دوزخ عید و فدا مرین	

و بهیا نم دار به نقد ثواب روز مرین	
دوشتر محبت دخی نورس جوان مرین	اولش سیر باد نه حسن و ان مرین
با مال اسب نخوتی اولش بر افک	بر طفل نه سوز محبت ندان مرین
اولش زلال و صندل نه شنه مرین	سر چشمه لطافت آب روان مرین
بر نخل اید صبار منجور کیه ناک مرین	مانند ناک تازه شیش فدان مرین
بر نجم حسن کوه مرید و صندل مرین	دوغ درون مهر و مهره آسمان مرین
حیرت ایدر سیر زانو سن آید مرین	اولش خورشید طبعی شیرین مرین
عشق راز و ایدر کینی بوش درون مرین	بهر خنده قامت دوشتر جوان مرین
چار پیش اولده کند کبی بر بر مرین	لله مرین عقل آیدگی دستان مرین
مضونی اولش اولد دخی و بهی بر افک	
انوش شجر و فتنه دور زمان مرین	
آب و دوزخ شکرت گفت مرین	محو اولد آب کهر تاب مرین
خاطر فتنه بر لب خط مرین	هیچ کسوی بتان زلف سپهر مرین
بیت پرستی کوه دجه و فضل ای مرین	طایفه رکنه و سنی حیرت دوزخ مرین
کوز کوره ایدر فتنه بی جا مرین	لغو سربای نظر حالت زفا مرین
دست سوزیده بی سوز مرین	بولد یغم فتنه ز بهر ایدر مرین
کریطن آید که بار نکه صوبه ای مرین	انظار قدم میت آثار مرین
دامن صفی ایبتک بند بر مرین	جیشر نخچه کلک کهر بار مرین
و بهیا شوقه آمیخته بر فکر مرین	

افشایم حسن خندان بشه تیرا در	زالدی خورانه و ستر زب جلال در دین
روزی رید که زین کیر می انصیب	امر و جوم را عشق در باد که دین
فتح اید بر کون طمس حال آید	دیر بر حال شبنم کنج باد آوراید
زن پرستی تیره مکر و بهی بی محو نه سال	
حمد عشق و محبت ده بو کو نه مرواید	
کاس اید کن کستان بخور درین	عطر سیاهی تک و عیسی دم غنچه درین
زخم سحرانه کو کل کند بونگ درین	قرصانی اید بر اید بر اید بر اید بر اید
صد بیابان آهوان چمن بند زلف	شک سازشک خط در کاکل درین
ترجمان راز در نظاره ایل درین	راز و دارن جنبش فرکاندن درین
ذوق بجان کبی نایا نیدر برین	عالم و صفا دخی بر که کو درین
چهره کو ستر سه بریده زلف کو در	بر لب تجاله داره غنچه بر سبزه
ماز پروردن طبع و لافان	هیچ بکرمی در همین چمن درین
نقد عمر حضرت بر عمر نوحی و بر سر	
ذوق و صفا و بیبا که دشمن درین	
موم سخته دوزخ لعل بی تاب درین	صور مکر غرور مهر لیدر حساب دوزخ
هیچ کالینه نظیر هب زلفی نظر	ایل مساک عبرت آسوز آقا دوزخ
صوم بچون میت طوفان فالتسم	آجین باب سوز در کتب دوزخ
دو بدیق بر دوش کبی بکد زین عید	صبح تاسب هیچ کوز آجر در دوزخ
عشرت بکر دوزخ عید خدا درین	

دبیا نم واریه نقد ثواب روزه	
دشمن محبت دخی نورس جوان	اولش اسیر باد و نه حسن و ان
با مال اسب نخوتی اولش بر افک	بر طفل نه سوار محبت نذران
اولش زلال و صند لب نشسته بر مکر	سر چشمه لطافت آب روان
بر نخل اید صانع چون کیه ناک امش	مانند ناک تازه شمش فدان
بر نجم حسنی کو رک و دلش رصه	دوغ درون مهر و مه آسمان
حیرت اید سر زانو سوس آینه	اولش خموش طوطی شیرین بان
عتاقی راز و نید کیمی بوستر اول	بیر خمیده قامت و دوش جوان
جادر پیش اولد کند کوی بر بر و نه	لاور سر خط ایچی دستان
مضوی اولش اولد خدی و بهی بر افک	
الشوب شمع و فتنه دور زمان	
آب اولد رنگ سکر لذت کفایت	محو اولد آب کهر تا برین
خاطر فتنه بر لب خط حرا	هیچ کسوی جان زلف سپهر
یقه پر زنی کور کچه و نعل ای کل	طایفه رکند و سنی جهرت
کوز کوره اید رفاده بی جا فتنه	نفس سر پای نظر حرات
دست سوزنده بی سوز و صفت	بولد یغم و آفت ز بهر آزار
کرین طعن آینه که باز کله صولید	انظار قدم سمیت آثار
دامن صفحی بی ایند کینه بر موه	جنت خلد کلک کهر بار
دبیا شوقیه آمیخته بر افک وار	

سینه بر تو فیه میخانه در زنگ میبوس	شسته عشقم کور و بستانه در زنگ میبوس
بزم میده لعل ناکه بکجا بر بوسه دیر	ببلای قان غلغله میخانه در زنگ میبوس
بدان کینه نخوت نهانی جلوه گاه	کنج ویرانخانه کانه در زنگ میبوس
بسته زنجیر زلف اید دل تشنه بی	عاقبت مجنون و لوب و بانه در زنگ میبوس
بر لکاه انصاف اید دل و بهی به کیم	
اگر شانه دوست بر بکانه در زنگ میبوس	
نیجه فراخ دلور لذت وصالند	که قند شربت بکر بر کید بالند
کلور تنگ قلم اولور قند معصه سی	نور و صف لب سکرین مغانند
کوارده عسله بزم در حلاوت	کوکل کربدی حسینک لبی خیالند
باشنده نیجه دل تشنه ناکه بوس	سده کی اولور ناکه آلت لند
سیرینی کز در آینه بخت شسته	
ایدر تنهنی لر زنده بال و بالند	
خلاص اید الهی بنی لور بر خدند	نه کجوسم بسمه جعفر و دود خدند
بودم کاه بلادیم رها بولور سم اگر	بوسمه باقیمه بسمه هزار دود خدند
هواسی دوزخ جانسوز ایدین بولور	رجانک دم سده در مونه در بختند
سیند که بودام جلا دیم اولور	دو نرادم مرغ گرفتاره قور بختند
رسیدیم شو قدر کیم کران کور و بهی	
ایستیک سنی سیرین لبه حلقه ن	
اول تبرضا کیم تیر نصرت قدر ن	
ادفر که دیر است و دیر و دیر	

شمه زانک یوره کن باره سدر	خون کشته دل ایتسه نوله فرج کور
افلاس زنی غوغه جور که زیتدی	بنلوفه دودنر فرخ حیرت زدن
بی قیمت دلی لذت ایدم و فرتیر	پوشه ملک فرنی ندر زنگ لند
بر قصر صلوته ایدم غیر زنگ کور	آسایشه دیر بو قدر سیر و سدر
و بهی نوله بولطسم تر و تازه اویه	
جوینده تنظیر سیر ارباب هنر	
جام شرب لعلی خندان اولور کور	اسرار خط سبزی حیران اولور کور
کر بیه توام اولدین اطفال عالمک	دینا به کله کینه یسمان اولور کور
بشیر صد اید رصه زانک در کور	حیرت شعار دوق لب سبز اولور کور
تشمیر عذریه عید و نیجه	تشمیر خوف نه قربان اولور کور
ار هر حسن ماه نو ابر و اسکنی	ترجیح ساز مهر و دختان اولور کور
تشمیر تنگ سوده چشم کلک	بهرام کور اولور حیرت بجان اولور کور
خطینه سانه بوسه زن اولور کور	مانند تار زلف برین اولور کور
بیغیر جالک اعجاز حسنی	اولک با بولور کاف و سله اولور کور
کلکسته و صالده جو خلق چینه کیم	سدر سحر ی باره امان اولور کور
و بهی نیم نظمی مرحوم و انصاف	
ترجیح س زکو هر غلطان اولور کور	
ناله عاشقده رتبی جالک ز دایند	در دیمه در مان کین کیم سنی بر دایند
تیمبر دلم کرم ایدم خون جگر سیر سنی	از دایان ایل عشقی و فانی سده ایدم

اول از او که زدم نه کیم من محرم	قیه دین که دیم کور فرایم سنگم
هوس منسوب به دره که فرایم	قلمی تاب و توهم چکیده و صانع
بنی بر ششسان بجزه اسیر ایدیم	خاکک مور سیاهی در زرد فریم
همچو بر کار جزو صفت به تیر کنی	سهمو به طبع اول دره به وضعیم
دوسته دره به چک به تیر کنی	کیم چک دی چکین ترزه حتم به ایم
وصفنی چک که شایسته اولی باری	
نه قدر بار کران اوسه چکیم غم	
سوز طوفانک شایسته به تیر طونیم	یا اول کرشمه ندرست ناز تیر طونیم
کور بجه غم رخک بیل و تیر طونیم	رقبه تیغ خاک ترچه سازان طونیم
سپیم هم به بر منحنی اوسه دی	خروش شکسته سر و زان طونیم
عجمی کیم به اید رسم که تیغ و لور غایت	رقبه سر خطابک بیاز تیر طونیم
نه یوزله رو به کند نه بولدر و خسته	سکامت به تیر مجاز تیر طونیم
ایدر می جرات منظره ششم دوم	
زبان و بهی افسون طراز تیر طونیم	
دیار غنیمه غم ایدک به جم جانم	بنی فودک و طعمه غیب سلطیم
فرغ مهر رنگ گشت به کن فانی	سکافرنان ای قنات حش غم
در چشم ایدر محال دیده تعجب	نمان دلوب نظر مدون او که غم
رقبه اید سفره هم غم ایدک به دی	کباب بخت جگر زاده جانم
اوشموز حسن کدر به بکند ازنده	منال نفیر قدم قلمه حشیم کیم

سزا دار بر وزن سمنه کیم دوسه	بکار مطهره و بزه حشیم کیم
حقوب سر به نه جانم ایدک به شمع	که اید غم سفر یا دست و دوریم
کلور در برینه جانم سفر دین می بهی	
کلور به یا حش "المدن" کیم جانم	
حرف التون	
سکامین کلور از تیر صبح که ندر دین	عکس پوز کوسه ر به سهرک و زردین
منال دیده حش حشیم قطره باران	او عکس تاب و تیر کباب ایدک به زردین
اوزیر روانه به تیر کیم ندر شمع تا بان	بوشهرک و اغدار زولین کیم کور دین
نه بلیون شک کیم و نه سر دین شکار	خبر دار ایدین روز کار کیم کور دین
ال بر در ده کیم به چاره جو اوله سر دین	
طونجه بهضنی سید که عا جگر کند در دین	
مست و لعل شراب و صله بارون	قور کوسه ایدک به لکاهی حش رو دین
زلفک و کلمی بوجه برت ایدک به بنی	اوسه و لوسه او دین روز کار دین
ایندک سیر ندرت سر غم بنی	محمود اوله ریاض جهالت بهار دین
بد نام عشق ایدک خال و شک بزی	اوله به خالی قشنه ایدک به استمار دین
یکی یغایی کور سیه بریده کور دین	دور ایدین او دین دار و دیار دین
صحت پوز بنی کور سیه بهار کور دین	اوشم بود در جاردیم کرد کار دین
و بهی بوتازه طوح نو ایدک به سهرم	
بیر و کک ایل طبع بلاغت معارف	

نام مجرّه نظم عیب نایبم	
ایندریک ناز به غمی نه تشریفتم	چون حسن زیدی بوسه بکند به منم
کجه وصله مکافات فراق بیدار	تازه سدر نغم تا بجه در کهنه
کتم اسرار و جالسه فیه دل نشسته	ستی و صلتی شرب بر دلم سرختم
کسته عشقم بر سوز دلم خاکستر	رک یا فو تن اولور سه ده کار خستم
خونس اول روز که و بهی به دم عیدم	
نخل شیرین ایدیم باده که سبب دغتم	
سوز عشقه ایدر دیده لبین ترحام	کور که عینده دل عاشقه بجز ترحام
حلقی و طرایدی مجمع بل تحبیه	نفس کلخی به اوله منظر حرم
بسر دکلمی تن سیمنی عریانک	دور روی حکوب سینه یی نرحام
عکس بیوی بنان بن ایدر دستم	قبه سین یکد چون یونه زر کرحام
کرم اولوب یار به جوق ایستد بر روی	
بو عکله جهنمه بجز حسام	
ینا برود عده فصد کشف میدم	مراد اول بند من ویردیم مغیرم
ینه چین در جبین وضع تفرق کونه ما	بزلار رنگ خوینک غوغایم
کنا یسر بولدم راه فراغ کشتند	کمر کلشنه ی عصر نابو بامیدرم
کلوب سر حبه دستار کبود ایدر جلوه	
بنفنه کتنه بجه امت عیبا میدزلم	
سستی از نامه در دلبه اسال ایدیم	یعنی بر بسته داغ دل میال ایدیم

سرخ خوانه اشکله یازوب هر طرف	استن لفظ برین شعله جوان ایدیم
خانه تیرا به لوح دلم و صلت بچون	لفظه داغ دو کوب صد قیده بران
سرخ زوینی و صفت ایدیم کلشنده	بیلی دایمه صید بجه بران ایدیم
یاده کاغذ و چور و ب مرغ دل و جان	سر نوشت دلمه واقف احوال ایدیم
منزل عشقه بکه دل اوزا تدریج	قافله بجه اتی ناله اید لال ایدیم
شویه اف نه سحرانی دراز ایدیم	کوشه دارانی غم عشقه ملال ایدیم
نه از تیرا به عجب بیلدیم کز قوشن کن	باغ کوبیده فانی نادم اید لال ایدیم
سر نوشتیم ایدیم به طرخت نامه	
دوبیایره غم عشقم احوال ایدیم	
قنق خردی سرور ایدر جلوس بیلیم	قنق دیرانی معمور ایدر جلوس بیلیم
خط رو بکله کیمک بوسه نازنه جه	لایق یوسه ستمور ایدر جلوس بیلیم
غم رو بک قودر درک فضا طرقت	نه زمان وصله سرور ایدر جلوس بیلیم
ارعبا زلف سپه کار بنی بکله کیمک	بینه می عالمی رستور ایدر جلوس بیلیم
قنق سحر خنک با که شب قدر کیم	کلبه ناری بنی بر نور ایدر جلوس بیلیم
لب شیر بیکه قنق دل لالاک	دین خانه زنبور ایدر جلوس بیلیم
ای صبا بزدن ایدر خاک ره بزر	بکمر کجشنی بر نور ایدر جلوس بیلیم
بن طور کن عجب دل کردیم کافور	رخنه در هم کافور ایدر جلوس بیلیم
سخته کفته استاد طور کن و بی	
خلفه شکرک نیجه منظور ایدر جلوس بیلیم	

در بنور د کعبه عشقم محبت و دلبیا
پوشتم بر کینه حسرم و گشته مانع کرم
خودت المیم

ایندک خیال وصل خطا فرود بزم	دو شک عذاب جود جزا فرود بزم
فریاد و گشت خاستند که کجی	صد پاره ساز جیب قفا فرود بزم
دلمه عجبی سعه افزا دل	کور جیب را بهمنافز بود بزم
ایند که آه گلزار جگر دروغ	باغ غم نیم صبا فرود بزم

دو بهی و دش استقامت در استقامت	انجی بونفر کمد و عصب فرود بزم
--------------------------------	-------------------------------

سحر کمال بزده ناله عیسه ظهور	نابی افند نیک که با فرود بزم
------------------------------	------------------------------

دلمه کینه میر سرفا لور از با محبت	حقا که میر تازه ادا فرود بزم
-----------------------------------	------------------------------

معنی دیوانه و کور سنی فقر بر تسم	جود و نیجه جگر خطی تحریر تسم
قلعه لغزش که رفته دل لزه کلور	خبر غمزه کی لوح دل تصور تسم
بره فرشته له با قدر از سر معین	بال جبری بر ناک تدبیر تسم
دستگیر دله بغی تمت سنج کور تسم	یار دله خفته و توحید دال بر تسم

بند اول سنگ دله انزاعی و جسی	تنج فریاد فرسوده تاثیر تسم
------------------------------	----------------------------

عظا اندم کسپر سفته بزم طرب صدام	کسی سیمین طبق روی عفو و عتاب صدام
---------------------------------	-----------------------------------

بدرت

صبا تشکر بر مقصود زخم تیغ چشمت	بکا وضع قفا فل کونه سن بار صدام
قصود ترم نیازانیکه ساهیم ساک	دو سوب داما که نور سوز بزم صدام
تسبیح دهاک دلدن جزا بدم	مکر زک تبسم صفا سحر بنانی صدام
در از انیش صراحی کردن بوس جام	ای کجاست کسیده یار کوبان صدام
رقب و سیاهک یاره در کله کج کورم	قفا ی ست پر دوز و دوش کج کورم

دو برادر روح نابی کور سه دلی کانه نظم	سواد صفا کی بند که سهر صدام
---------------------------------------	-----------------------------

بخت بد بند او فر قاده ماهی کام	اولور سه خفته جسم همایونیکه دام
نه ممکن دله بود یا صید ماهی شوق	توفر تلمسم امواج محنت آدام
سبانه ماهی وصل کج کار مقصود	کر که را بیک اظهار سوز و تاب غلام
شکار ماهی سید زبانه ز جحر	اولور سه خنجر سپهر یاره سپهر نیام

شکار ماهی شوق اول زمان اولوز دگر	باقی اسنده برافت اولور روی بیام
----------------------------------	---------------------------------

خیال لعلک چیه سیمی خنقش اندم	در دین مستی جام عکله قان اندم
همای تیر که سیمنده آتینا اندم	ایدر نیمه صیدانی جوق عطر استخوان اندم
سهر عشقه عوج اینکله نیم کس	کمند خم بجم آهی زرد بان اندم
امید وصلیه کاغذ و جور دم اول نشا	صالح دلی و اریزی روان اندم
اورست فحشه یزد رازم لف آله	هزار کینه بی بر رنر لیه بیام اندم

بنان کلکم بدو جسته ساراب سخن

ینه در وصف کتی رنگه کرک

اشن کور خرابک جان کجی جانانک	کله کور دگ برینه کله کجی جانانک
صفت رزقه تنه کله جلد کله	دوستی برینه صف کله
ایکله دو کله بچو زینک سر دوز	کوره بختم تنک دل برینه کله
بت پرست ز صفتی نه تحقیقه کیم	دلی مر کله فیض اوله ربه کله
عبیه او ددر که ایدوب دزه کله	بوس ایدیک شکرین یعنی جانانک
رنگه دعل سیم کله خنده اید	را ایدر کوهی خورشید بدخت کله
ریخ صاف کله دکل خفته کیم	عکسید زینه دده دیده جیر کله
جلوه برنو تحقیقه کولکل صاف کجی	هیسج جیلونتی بوق برده عصبانک

د هیسج سر هینر کورک داکوده
بولنور بر طرفنه ینه دکانک

صالحه تار غره آقن ملک جانانک	تأثیر ایدر تیر غره استخوانک
حکمت کلسا ز دهر که اوله فرقیته	هر کردنده اینه خلک ساحرانک
ملک نشنه کولکیم ز غره کور دهره	دار دجه کولکیم بولیم بر زمانک
کور سوزشم که بر سخن تیریم خیال اوله	هر حرفی بر زمانه کلنجه زبانک
مستند طی منزل مقصود ایدر کیم	یو حظه دار تر زمانک بر نشانه ک

در سن کسبه ی بندر که دویا هزار
خن هواده جیف ایدی کلسا ناک

مخبرین ایدر سه وقت عالی ناک
فرق طبیعتیم برینور فرقه ناک

شان بحر دونه صاف کله	هینر غلغه میل انیمه وار کله
ایغ می کجی مجلس مجلس ایدر	خیم سوز کجی جل و قاره کله
کج اوله لیک کج جا کورده خاتونک	تخل ایدر یاز سکده چما سوز کله
خزک کیم ینه حائل اوله می هرو	اگر خلک کجی نه نوار اوله کله

قلم و دل و پیدیه سوز سر غره دن
سکده ایزاد وار سیدر خبرک

سید سار ایدر زنی خوب کورده کورک	ایلی نیایی کوریه بریده کورک
خلن ایدر که لیده قدر ایدر نودر	کور کجه زیز زلف مغیره کورک
کرواب بچنده بر نومستانی کورین	کور سوز میان عهد مجوهره کورک
آقانی ایدر نور رخت نیاز مهر	غدر عمو و صبی فرو کورده کورک
لطف ایدر جای بوسه نازده کورک	اودر ده سود کیم ایدر بر زده کورک
کردن فرازلق کوزلی ایلی جانک	آخر کورک لب خنجره کورک

ایدر کلای راحت حلقه می بی رواج
وصف ایدر و صبی بو غلزه کورک

اوپدی خوب قوتون بود با مالک	ای همه ز هینر غلغ کورک
صورت دله اوله غنی کورک	باینه رنجته دراک رخی افلاک
روزه عبیه بد ناله دار کورک	بدل جود اوله یعنی آخر ایدر مالک
چشم بکشد ایدر عاقبت ناک	عصده صنایع اوله کورک
حق جا در کورده دز کیم چون کورک	کوتور زبونک دستنده خنجره مالک

خوار و سوسه و سیرک خیال عارض دست	اولوری هیچ کل تصور بر نشد بونگ
شراب اید دل بستگی فی تشبیه	فوج و صل ایدت نه گفت و کوانگ
خیال تنه ز اید غرق میوه صال	دله عجمی منت ی خط روانگ
اولور سوزن عیسی در شنه بر کم	محال سینه صد جا کمر فونگ
عجمی مانع غفلت اولور سوزنک	که دفع خواب اید روی تیشو
صفای وصف بنام اید در شفا پنجه دم	
بو کوه خانه و بهی فی تازه کوانگ	
کشتی فل طبله قدری لایقی است انگ	لب تمیز وقت بوسه دانا دوست انگ
تخصیر غرور و سر موجد اغوش کرد به	فرانج باد و چون کند وی فیوم بر انگ
بنجه طرح بنای بیدار و سوسه عالمه	تر سیدله ممکنه وضع پارت انگ
هنر تسخیر قلم غلوب بنگه در و به	دکله راندار مهری بر زب بنگ
غرض بر دستین وضع دین قلم بنگ	هنر ظن بده صدر دینی جانش بنگ
هزاران کعبه خیا و یک خیر و فراد	
عقاب غله بر در دست و شست انگ	
دل خولک ته کار اید تر ستمک	حیف کیم قائم کیر در نه تمیز انگ
ینه نقصا کبی بل وقت دین فکر است	ماد و مهر اوسه اک موی طبع و علمک
ضعیفند فکله اند اولور نایس	بوندن ایت و معنی در کفضا عک
عشق کرم رو اول بود و بنود ترک	یوسر برف اوزره بدو بدین قندک
بخشش نامجل جودون او فرمود	صفر محاکمه سینه رتری حسابی رنگ

در که حقه صفی استریک اسن و سیم	سیریت زاده کمن مهر و شست جومک
دو دهن ایدر باب کرم استر داد	جذری بی مدینه در جوشنی جومک
دوستی زار و حوزین دشمنی شاد و نایم	سن سن اول امیه بر کسبه طهارتک
و بهیاشن عصا ایت و لکهر ره سنا	
اثر استادون ایدر سینه فکک	
بر کالنگ نور بر کرسه جتیار نمک	کرم ایدر ایل طبع خوشه کرم کرمک
دور و فینه مدار و بهی دله غمک	فرقی بر کمنه سفال ایدنه در جامک
جلوه بخوئی ترک ایت پوزی غره جان	غیره ال صامله در جنب ایل غمک
ینه بر تازنه تاسر سخن احضار نم	عوض ایچیز بر مننه مخدوم دلی غمک
و بهی اوسه دخی رنور مینای قبول	
غنیحه است اثر خانه زرین رنگ	
برک سبز انگه فی ینه مالا یقدر	اکثرین بنده سینه بزم دلی انگ
یعنی غرا العلم عارف فندر که انگ	
لال اولور وصف کما سنده شک فکک	
دم سحر که نسیم بهار کله کرک	غم خطکله دله جوق بخار کله کرک
سنا ریک سر تنک ایدر کله نایم	سمند نایم اول شمسوار کله کرک
سنگه غنیجه جکک اولور کون نایم	تخل ایت دخی جوق روزگار کله کرک
بر زانطه ایدر دله فکک نایم	دخی بوزمه می خوش کله کرک
غریب غله اولور کم صدف و ترازو رنگ	

بوج بر خطره ستاکار و نرک	دائم که دستان سر در بغل کرک
کچم بیکد ن تیجک دوس خاک	میدم فغانه جب محسب برل کرک
دغوی ست عتی ا نهاده و حبیب	
دلکش دایو کونه مستم غول کرک	
ای سینه تازه دغول بوقیدر سیک	ای باغ عشق ر د ترک بوقیدر سیک
کحل جلاد و سرب نظر د غیب دکل	ای بت خاک ر بکد ترک بوقیدر سیک
سود از لطف یار بشکده و کبیر	پنج ای قف در دسک بوقیدر سیک
عوض ایدگی بخت دکل تیغ دلبز	اول میر نازده حاضرک بوقیدر سیک
بزدن کسم سینه اخبار ز نیمه جا	ای تیغ یار دلدی یک بوقیدر سیک
دبھی نکلده خوشه بر دینه کیم بقبر	
عقد اللال نظم ترک بوقیدر سیک	
ایا امید که امت اسلام علیک	لاذ عاصی بر ذلت اسلام علیک
میان بجه عصیانده کشتی دلمه	خواصه سندن اولو تیرت اسلام علیک
وصالک اید قافین غیر سیک	هلاک ایدر بنی بوزقت اسلام علیک
خدا میسر اید رویالی قهرک	دیم سکا بجا قبل شفقت اسلام علیک
شفاعت اید کینه ک حسین جی پی	
ایا شفیع کرم شفقت اسلام علیک	
عت قدی صبا خبرک بوقیدر سیک	کوی نگاره هیچ کد ترک بوقیدر سیک
خوبان اولور سه خلفه کوسر بکد	زنجیر کر دشت نظرک بوقیدر سیک

ل

کشتی دل اولور سه عجبی بر اضطراب	سوج خیال ترک بوقیدر سیک
ای دیده یار مانل انک ترک دکل	ابر بهار دشت لمرک بوقیدر سیک
تیغ کنا بک ایدره سک دایا خیال	
دبھی عجبک سیم سکر بوقیدر سیک	
ینه ستمی آبی دشت غداره کوسر سیک	دوشوی یعنی تیغ ایدر غداره کوسر سیک
عک دیزانه سیدر دل دودلدی کوسر سیک	ینه تمیز کچون غمخانه فرمهاره کوسر سیک
رباب ناله بی قافیه عشقه دودر دایا خیال	نواز غم عت فی موسیغاره کوسر سیک
افتق جوض دلدی جوی غوی یار دلدی	دو چشم که عینیده ای قافیه کوسر سیک
منع و صلت یچون سیم دوز غم بکد	سرنشک چشم در دوز دلدی کوسر سیک
عجب ایدری بر که نگاه لغت ایدر	
دوشوی د بیا استاد فیض ناره کوسر	
ایر نجبه کوبینه یار که جوق ستارک	دوشن بود ایدر به باد هم کارک
جوانی کلنر کویکله مجروح نفس	روان سینه عاشق بر اضطراب کرک
کتور که اومی خوتنه چو کسربا به	کوز کده آب دودر دلدی سوز و تاب
زمان دولت سکنده کامیابی به	کوکل سکا اوست نازده انساب کرک
کوز که جسمه دل توخ قوسن بکد	که تیر غمزه سوزنده اجن کرک
اولان بوزنده و حبیبی کبی نواز	
شراب عشق دجیده نشو یار کرک	
دوشوی عاشقکه دسلک آرزو بکد	اولور می سوج محالای حشو بکد

جمال شعله به خاک و لوری میخیزد	خروج طبعه اولی و غرض جهان مانع
بقای پیرین در سنادی و لور	اولی و حق تحقیق جسم و جان مانع
سپهریت لطف یکدیگر ای و جسی	طویر و بخت سیاهم اولور بهمان مانع
حرف الفاف	
از دود ایلدی می خاز افترق	قلم ره فزاده بیزار افترق
کشتن ای عالمی داریندی باشم	خارستم شکجه از افترق
آدمن بر نجه بری باغ غنم کین	طوبانک ایتدی قدیمی خم با افترق
روز وصال قامت بخت کی فسیه	رنگ کجی دار از تب تا افترق
انجیر شراب و صله اولور و اندر	دار استغای عاشقه بیمار افترق
یا قوت پاره جسمم احکرا ایلدی	
و بهی نه کونه اش اولور نار افترق	
قشقی نشط اولور که صولنده کلایق	برشته واری کی غنچه کلایق
باغ نیاز جوی سرگم روان کین	نوباده جین کام اولور جی برنگی
خط صند مالکانه ایدوب جی حسنی	طویر ای ست عموه در دیکم شالی
بی نقطه قبل قلعه نوشته کنایه	خط عذار سوده دلبر که خالی بوق
کر داب بحر عشقه دوشنشی دن	حضر اولسه ناخده جی خلاص حتمالی بوق
ایر زبان حاله حاکم نگاره نقل	فهم ایز رقیب خوک انتقالی بوق
خطکله زائل اولمکه حسن میکلک	آخر زمانه در که کمالک نوالی بوق

و بهی بیکانه کورد بیدر یک شهما	لوم بیسه ساکه اصل محبت و بالی بوق
جالت در رقیبی لاند رنجیه دوق	دروغ و عده و صله این اندر رنجیه دوق
فسان ناک ناز ایدر و غره بنی	کمان بروی یاری ایضا اندر رنجیه دوق
بر بر بیک ایتدی حواله فرکان	سهم ترکش حسین بون اندر رنجیه دوق
سبانه روینده دل ایتدی ترکم شما	اوشمخی خواب صفادون و اندر رنجیه دوق
جگر کباب اولور خنم دل نر اولور	اوشمخی نجیب عیشه داند رنجیه دوق
ره مجنک ایدم فراروشینی ط	سکاکیت خلوص صند اندر رنجیه دوق
کونجه تشنه خون جسم سکی و جسی	
شراب خون دین صوند رفا اندر رنجیه دوق	
حرف الکاف	
دل عند لبید راوکل باغ نخوتک	کیم دین تاج خنده بد را بل نخوتک
اینگده جام دیده غری رشخه ریزنگ	کر مایه در و نده اولان سوز و فک
ای ن کر چه زربکی خالص عایین	بیز و دیک صیرفی جرح قنیتک
بیر سفید ایدم کورن سینه جال	چون صبح تیغ غره سن اول طبعیتک
اولمقی را پذیر فلاحک نه احتمال	
دورنده و بهی با فک بیز و نک	
محبوبه خیال کیمی انچه بل کرک	شبهت حسنه مصرع تانی کورک
جاه وصال طایب بیز و لیک اول	عرض جمال بیکه تنب محل کرک

اوله کش ده غنچه دل روزگار	برزیا نمده فصل بهار اوله شمس
ارباب نظم و بیعتی جسمی تازه طرح	یکم و یکبارنی نمته شعرا و شمس
حرف الصاد	
مکلفی بند زلف سبک کردن خلایق	قابلی مرغ جان و قلوب بدن خلایق
دل کورس تاب و ضلکی جای ک اولور	کتن اولور می نیجه متا بدن خلایق
یکم و بولدی جور کر دست افلاکدن	قابلیه کش کش کرد بدن خلایق
ان فی روز مرگ ایدرست عاقبت	عصفور و کور نیجه عاقبت بدن خلایق
و همی زار و زلف شکله ایدر با آت	جور عس و دست اجا بدن خلایق
حرف الطاء	
خاطر برتابه میل غرض غلط	خلوت کر با بیکره نقل سوز غلط
سخره اخلاق باک اولور حسیه کفر	خال اولور چون نقطه زلف خط رگ غلط
تست نسر دکان نایبه اولور کار	موسم سده ماده ای ل مرد و حسیه غلط
بدلین حرف کس و لوزاری ایلم	غایب لفظ سکه طعن ایدر خوب غلط
س غر لعین بجا در سحره ج غلط	
اوله کشدن فی زاره قد جانی	بسمه تی سحر در غنچه زاره پارت
روزگار نیمده سبی خور و موج	کیر سه دست دمه کرد اسر جانی

قورم اولج بی اندر بی اندوه کادله	چار ساشیمی س حل دیارن
بزی جیرانی غم ایددی در خواب حضور	سیر فریده ز شمع قاتل نشت
نقد مید و کل کور جا ویر سکه	سوق نمده بولنرینه کالان
دیرم کیم اوله سن لذت غمزد محروم	دبیا ایدر یک چرخه تن نشت
شوق بخش دل اولوب ساعه نظم ری	بله کور دک نیجه در نسوه صهبان
ابر و تن محرم رخ و لدر ز نهان نیدر خط	روز عتاتی تب تارید لیک نیدر خط
منع ایدر بکلو حسیه نیکه عاقبت	طرف کلز رخنه حسن نمایان نیدر خط
انفن خف و لدر رنجار نشان	تا سیر شمع رخ باری فروزان نیدر خط
کشتی نه با و با خنق عرق اوله نوله	سوج دور و بر سیه آهی جوشان نیدر خط
برد و شک و حسیه نوله مانده صند	ابرین ن بهار آس نمایان نیدر خط
شکرین بر سیه کبی نمایان نیوب	عسل حشک توزندی چم کرین نیدر خط
فلک دل سحر سیه آیه غرق اوله نوله	و توب نیجه کس ایدر سحره جانی نیدر خط
حرف العین	
بناز و صله و نرسه بر تان مانع	کور نیجه زلف اولور تحسین مانع
جانی کنج لطفه زار و شهنک اما	وصوله تیغ نمده هر اسر جان مانع
تا به کاری عشته خرد و کل جائل	اولور می خانه ده کی دزده پاسبان

که بخت محبت نشینان سخن بهیچ نواز نشین

یاره سوزن غبار فزون ز کجاست	صنعت ز دیوفن او غبار کجاست
دل بخیل و میدی سر ز کجاست	شده بر زاول مست می ناکجاست
کشتن دیری بر منده دل مست بخت	بر فرصت ایست طالع ناس کجاست
بیدم کور و باده لکن حرف ناک	کو کله نه او ده دهنه ناز کجاست
بوظنم کمر باری کورن دیرینه حبسی	
بر تاره بخیله نولو مست ز کجاست	
بخت کجاست نه حوز بزدی تن کجاست	بی صید نزاره استخوان شین کجاست
بجود کوریند سنه تجرید عرب د	نقد کاه روحانده ستاد فنی کجاست
رسوم بزم وحدت نظر بکرمی ناکجاست	میان کمر بان صفا و حسن بن کجاست
کیم ناقرب غفلت ملاحظه عاقلانه	ینه غوسه کردانی قدر برین کجاست
قصود کیم پایه پستی بر بانداری کیم	طریق کاه طریقتی مرتب دن کجاست
سراجیم کیم بی ل بر اضطرار کیم	تحقیق ستانی بجزیره بر بزرگ کجاست
بجودم دیده دن سب ناک فرام کجاست	رفوی جسم جانده کله سی بر بزرگ کجاست
سلامت چینه دامن شین باغ فخر	
یم تسلیم شستینه دمی امن دامن	
ستاره خواهر طبع منبره دامن	دروی زشت نقاب جوهره دامن
نه بهلوانی زوار جل صلا ر خاک	همانده پستی طوالم کیم تیره دامن
نواضع است که سید بود کونکوش	همیشه خاطر موحیره دامن

بواسیاب دل وقت اهل دولت

فلکده ذوب خوش فخره دامن	صوکنده مرک مقررین ببارگاه حیات
	خمیده کشتن بالای سیره دامن
صف نقدینه شک بینه بزرگ	کسوت ای دل سکا بسید غنا
نوله حرمایه روداده عزت اهل	اولدی روشکر غم ز ناک دامن
عالمه جیح بویجه کرم مینه دیر	بو بر مننه تن ماله قبی خواست
خواب بخت می سیر مانده محض ایل	ایسته بقا طعنا بانک درای خواست
و حب اتمانی مینه خیل بخت	
اوج چشمه دامن کجاست	
جواب بر کسین هر نیک دینه مشک ایل	بو بختی سیر ایدم بن مدینه مشک ایل
و فایه داران و لان بختی کیم دکلید	خلاف مشرب بار اصد و مشک ایل
خطا داران و تعلق ایدم ر با بول	اسیر اصد و قید ابد نه مشک ایل
بنای جاهله نظارت امان حق کیم	ممنیزی ایدم دامن معتمد مشک ایل
فلم تر شمع ایدم برین جوش اصد	
رعافدن ره مینی یه سده مشک ایل	
اول نشسته منده عقبی غبار ایل	جلیک با دمی صوکنده خمار ایل
اوم اودر که اتیمیه تعبیر و صحنی	اقبال و بخت کندیه بار ایل
بر اولم قجه دامن مال نسیم	نخل امیده میوه نارا ایل
بولس و صول منزل مقصوده غم دکل	بای سید ایدم دار ایل

رشته لعلی قطع است و خنجر چاقو	مجنون سگ عشق فراغت کلز
نوب دل خانه تنها کله سنان و کوه	خاطر هیچ نجه نبیند و صفت کلز
دوبیاشد رنج قدری بی بیون یاران	
عالمه بروخی نانی امید ز منت کلز	
اکتی اوده کماله نیشلر	اول نیش شبتان خیاله نیشلر
یوق میوه رخسارینه بدست لیشلر	سرکشک ایدم بیج او نهاله نیشلر
ایرغم دالای میته کجه کریزان	بیج نیشله جام می اکه نیشلر
مهمیزان توشن اول ره عهده	لی سخی دلاسته وصاله نیشلر
چوق ست سواران حسن کور نیشلر	
دوبی در خستنه ان جماله نیشلر	
چو مهر که که عزت پرضیا اوله فر	عوس طبعه آما که رون اوله فر
اگر چه صبر دن افزون دلور مراد فر	بلا چه صبر کبی لیک برد اوله فر
جهان و جان یه بیکانه و فتنه	جمال ست هر تحقیقه است اوله فر
بوسن خفیه بن بیدیم کوز قوده	بکیم سگ کبی بر شوخ دل با اوله فر
دوم سچ ایدم ترکیبی دله روح سر	مروض عشقه بنه قابل دوا اوله فر
شنا دران کم شعله موج سودا ک	تند و حوصله پوستش قبا اوله فر
کوکل زمان رستان یاسد شمدی	نهال میوه امیده دما اوله فر
همان یوری سرتیم طمغش قیل	
سهر جودست ردنا وک قضا اوله	

خیال حسم طناز که سینه مکان	منع نازی نشرو خواجه شوه دکان
کناک کیم ابروده فر کله مهر طبع	او تیز ناز و کیم طبعه زینت طبع
نخداک چنده بوسف دل جبر نیا	دکل خط دست صحنه فی خلاصه طبع
اونجه حسنی تجر بر شریع خانه عاق	فلک نهار کاغذ کوسر دین کله طبع
جیه دله سهما جیل میثم بوسف	دکل احسم فی لظا جیه ناله ملسا طبع
اله لوب قد حلقه عتقی اول مهر	
دل اغیاره تیر اندازنی رشک کان کلز	
میوا کیم نازله درد سهر میث	باجن نزار میکه یه زبور میث
خاطر نواز سعه نهادن دلو درنج	هرخ دنی او موشی ددن برور میث
دل مجر در دندن اولوب عطر سا جان	هر دایع استبشی بر احکا میث
حسن تمیش کر که در اغوش دله فتن	طوق کر میانی در جینه میث
دوبی نزار سینه سنی وقف عشق اید	
فلک دلی مقاطعه حسن میث	
کناه مستی زرم عشو ده چنه باده نیشلر	نخم می و شش دل ریخون عاتش بر نیشلر
دکل ناله نه نوره نور و کجه کویک	قبای ابرون جریان دلو اطر مینو نیشلر
نیا ز صلی نوله اوله مقبوله کویک	دعای عاشقان آیین فرمای سهر نیشلر
نسیم آیدن شمع خیال حفظه ایچو نیشلر	دل بر دایع بر فاقوسن بر نیشلر
فی خارک نوای غمزه خازا بیون باری	

دند بستای کیف خانی از زراغی	که افیون خور که گم کند خدای از گم
سرفراز بختی زخم در کمره کمر	بریده تاک که با یک ناسی از کمر
بدن همانک مخرج بقایید بقتل	دل هم کسی دهنم است ناسی از کمر
نفس تا بر یکیم کیم نطفه و بیک	
بود کلو بدل اید نفت داد ای از کمر	
اف نه عشقم نه عجب اوله که خبر	هر بر سخنده ایدرم که سده خبر
ایته نوله بیتاب بنی بوسه دنگ	ستانه بی آینه نوله کاسه خبر
خورشید صفت یسه نوله قطع ناله	فیض نفس صبحه مردان سحر خبر
آست دینه ده فردای باطنده	میدان مظاہر ده اوله زخیر خبر
کیم بید و دلور راه حیده که حبسی	
ایرمی نایان مکر تو سن جرخ ایز	
ایستک یولنده بیک و بویه بیا	لکشته بره غمی دلسده که مز
انجی شکست برینه راز ایتدی قالد	بسیر یاض عشقه باور جواره مز
انفرد رنج ان اید در سون عشقه	زده معالیه ایدن آدم و کاره مز
نایستقیم سبیل ایز مز ایدینه	بیک بالی اوله منزله کج تیره مز
و بهی نهاد شوخه مخصوصه رسک	
بو صفت بدیعه بی هر کس بشاره مز	
بزم جلاده با ده آلام سورسز	بز دور سحر یارده جوق کام سورسز
ای ساقی بز که دوت خود در قو	دور فلکده بز دخی جوق جام سورسز

ساقی بوالفعال نذر برنده مکر	مستی عشقه صد کام سورسز
منزل سن دله تو سن بیت عجیدر	راه طلبده بیوب اقدام سورسز
د بهی جنب نوا جستی فرمان یاسده	
ملک در دونه و بر بیوب آرام سورسز	
مجلسه اوله اولی الصفا نمر	اوله در مهره زره قند زلف نمر
اولس نوله هلاک غم نافه یار ایلده	کرده دوشموز و مولور می بجا نمر
کور دیکه یاری سجده سکر ایز نمر	وقت طلوع نمره دوشموز صلا نمر
انجا حیلده سیرتی مات ایلک نمر	قطع وصال یارده ویناسه نمر
وصف خط لیل ایدره زره بیسا نوله	
عشر سرشته اوله براد و انا نمر	
سندن جرخ بزه لطف و قوت کلز	سر نون جامه بیکتده حالت کلز
غلام سته لطف سستی دیرز	دوشه بیک ناله سکر بجه حلاوت کلز
بسته قانور سه که بویه ره بندر کا	کوجه خاطره کالای سترت کلز
چیز بهیوده غموسن مسموم بوشی	سندن ز غنجه بزه بوی حقیقت کلز
ایمین جانی نعمتکده استعداد	خانه قبینه مهمان غنایت کلز
بایر سوده صحای طلب او سحی	آدمه کندی یاغی ایدر دلت کلز
سویله ست ابدی بنی نشسته دیدار کلز	با ده جنتی نوش ایتسم احوال کلز
صرف نال اید کیر سده کالای صلا	خاطره عاقبت بذل سفاهت کلز
او بری نمر ایش آدم ایلد نیست	و غافره داره که ایلد دعوت کلز

بر فراغ خاک است عجب مست باد	باغ فدا ده نخل گل آب داده یوز
آندو بولند مرغ دل لاله فتاد	اخوان که صور رس بر آفتاب داده یوز
سهباز جانم غم فزود تو سحر کی سوز	بر آفتاب داده قوش کز سر سبز صفاد داده یوز
روح ابد بقی بیانی و چهره بکلی	بر آندو بر کوه جز سینه فت داده یوز
نابی نذر سبک یاش سون آفتاب بکلی	
کیم ویر سحر آندو درد بلا دن رها داده یوز	
ایست خون کوه زرب تار ترکان یوز	نیجه نظاره به تسبیح مرجان یوز
تشنه ز بهانه مرکز قزل دیوانه یوز	آب سحر کباب است نه قان یوز
حمله سینه غدن بزمه فخر ز	سحر جوانه سید که زبان یوز
بادو بر کبریت احسن شوق آفتاب یوز	بزانکه سحر آفتاب فزاد یوز
جو قدن ال جلدک کلندن خازدار ملک	
دهی بسلیم نیجه تخلص که بیان یوز	
دلده یوق تاب سخن نظیر شعر آفتاب	واقف احمد در عذر فزاد یوز
جوان بیاد و لور سحر سحر یوز	سحر و جان مال آب بریده یوز
کف دست خنیا بویست یار یک قبل آفتاب	فلکده بویه بر بر تو ناکف آفتاب یوز
کلدر عاتقه خط سبک سحر یوز	بهارستان حیرتده نواز غلبه یوز
بو قانون محبت در که بیارن عشق	هلاک دله بیدار بر دوا یوز
ایدن دست و جانی کانه در بونه ای جوی	

نصاب کادن فیض خدا و کج نصیب	
سکندر سیرین یک طبع خوش گفتار سوز	دل صد دست نام عذیب ز سوز
کج میدن فراغت دل نه تا فرط سوز	ز بانم عقد و لندر حرف سوز
میکن کر به سستی فوقی لکیزه لوب سوز	الکدن جلدکیم تنه به ازاری سوز
دل آفتاده سوز و لفر غم تا مار سوز	هلاک ایدر و کا فرماجر سوز
جگر سدره لطفه بیت دست جبریت ای جوی	
سخن خجانه دهرک وضع نا بهجاری سوز	
دم او لکیم کوزم بر نیجه خورشید و دوز	فغانم جاک ز برده کوش سر دوز
فلکده رطوبت سحر داده یوز ترکان دوز	یم استخوان سحر خان کبوتر دوز
ایدر نقیب حدائق ایدر کوب قب جوی	دخی کویا تراد کوسر نه دهم جوی
ضمیر صاف زین سحره بایر غبت	درون خانه امینه تحت ج نفوس دوز
شربت ماده شاده خاطر غم دوز	نیجه خرد مصروف وقت غم دوز
اوده سرست اولور و اصل و نیجه دوز	بوده بند زاهد ز پناست کوش دوز
سبک مانعه و جی محل جانم سوز	
هله باری سحر کاشانی بار دوش دوز	
نهال تازه نیک نشود ناسی از سوز	دو کلمه کج پیش نقد جانی از سوز
کرسنه حیرت دولت که بر غم سوز	مجوم متلاون استنما سوز
کلنجه کار بان خطی بندر کاه غیب سوز	مستح حسن دلداری ناسی از سوز
کماله لکیم یوز و دن ایل سوز	که تا بدر ایچ مالک صیاسی از سوز

آواره در هوای مهال قد کله دل	النه مرغ کند ویه بر انگیان آرد
بهو ده قد خمیده دکل و بیافک	
ارباب طبعه تنه سنگ کران آرد	
سرسخت غم و دلمه کوکل تاد و کله	بر دکل خراب و لمیه آباد و کله
که زلفه که خطکه دلبسته دریش	هیچ بنده رک قید دن ازاد و کله
آرایش ستاره ایدر شایه کل آید	دل ویرم او حسنه که خدا داد و کله
کیمیا که فیض اده فراول نیر چنین کیم	رخسوده خاک ره امجاد و کله
بر موی تم ناطقه زای ولسه ده و بی	
الطاف خدا قابل تقدیر و دکل	
تغ نکاه کین دم جاک جاک آید	بسملک نظاره ده کفر پاک آید
دزد قنای سبانی تباد آید	هر ره نور و عسر صویر پیر پاک آید
روشنک صفای غلک ستر آید	کر دکل ردن آینه قبی پاک آید
فرکان ساین اول دره بر کیم آید	کنان باله سین که جادو خاک آید
خونین آید سرشکنی چون خورشید	غل نکاه هین عاشق اولار شک آید
دار و تخته اول طبعه نایب جاره جوی	
و بهی زاری زخم حسد در دناک آید	
ستاره آهسته دامن فغان طوشور	آواشین رخنی یاد اوسم دها طوشور
لیب ناله می دلبسته لکله بصدرم	دایمی جرم فورم زبان طوشور
بنده ناله ده دس زاده کوکوتقا	که آتشین نفاخته نستان طوشور

آید شکست کشش ضعیف صفت	برای بازی یادست استخوان طوشور
سخن ده صاحب حسنه یله آتش و بی	
بوینج مینی بدوب پنجه بیان طوشور	
حسرم مدی کشی میخواره دکل در نذر	ست خون دل بیچاره دکل در نذر
دانه خانی عوض ایدم دن مقصود و کله	صید مرغ دل آواره دکل در نذر
حسرم ترده اید بیک جلوه خیال و کله	دیرا کین بینه فواره دکل در نذر
دور و شب چشمه خواب آید کین جز و کله	کودک بخت کوهاره دکل در نذر
تغ درد دست و کله است	
و بهی قصدی دل زاره دکل در نذر	
سزای نظره دکل نگاه باره	آیدری مردم اولان زکسر بهاره
شرفشان اولور خود تهنه خرم و کله	ندمک غم اید اول تشین عذاره
کوز ایشنا نینه اولور که نظر و کله	انصابت ایددی کردیده نگاره
جهان کور نغز اولور چشمه اولور و کله	اوستا بهد دسترس دولت نگاره
خیال سهر و قد کله کورن کیم	آیدری بر دخی مسیح طرف جوباره
اجلدی بخت سیه و بهی ایدره لر و کله	
اوماه ایشدی بوشعر صفا شاعره	
کوک کیم نقد جابرست نام و کله	صد فذر کو هر رخ آجی نام و کله
دیر بر جام اید تاراجه شاعر و کله	نگاه در کین غارت سلام و کله
حقوق نبات اید و خط کبار و کله	کین دعوی شریافت حکام و کله

شیرین گلابت تنبکده قندی بی رواج لاله سی و لاله نغم لب لعلکده دادی دار	
در کاه حخته بای و خیزد کبیده بر	در یوزده ده کرسنه و شیر کبیده بر
افراط سجده دن در بیت کرامت	نقش چین چین حصیر کبیده بر
حشمت صبر تنده حول و لیسند	دوره ابد اصل مهر نیز کبیده بر
امواتی خواب مرقد جسم مرصید	بعثت یلکه صورت و خیزد کبیده بر
یوق فرنی کار عشوه ده ابرو و غره	خشم آورده در کمان یل نیز کبیده بر
اجای کشته را مانده و همبیا کفت حواصده و ابر میطر کبیده بر	
طرب که غم دلبر نه اوز که وادیدر	که باده نوشی مزده خمارت دیدر
حذر هوای محبت آید دل	بیاد وادی کلبرک راز وادیدر
قسم بیاس که امید نیل کام تیر	بنم مراد دلم شندی نا مرادیدر
بیان نامه عتقه دیده مجبره در	فره بر عهده سی مردم سیه مرادیدر
طریق نظمه صحرارون غنایم رنبین تازه ده و جسی بر اوز که داد	
رقبه خوان لطفند نه اید و تکلیف نام نه	قم کلبه و بر ز سگات بچون خط استخوان
ایدر لب جنانک طلت بجز و لکن	ب دل و کیم خط سبزه اید نه نام نه
نور خون دل غماز سینه نیم تنه	کر که ضیفه کرام اید و دل نیز نام نه
خطی لکه که یار کسینه عاشق و کور	بهار ایدر دکه بر اوز و اوز کور

رنبین تو طوب کا بهجا و لکنو چینه و جی که اسب طبع اید و بیرونی و بکران بر بار	
مانند سیل اید و ده طون نه طون نه گذر	توچ اشک فوله رشک فیه قی بکا
صنم سرده ینبه خونین و اغدر	اول مه بکا اوز نه کلی ایدر یا دکا
نعل سمند یار و صنف دو ستم	یوتوره قالدی حسنه حشمت نظام
دسته قنای سبز اید اول سر و جلوه	کویا اوزر مناره سبزین آشکارا
غم اوز نه اید و لی اوله جم حباب باشند و جوی او که ستا نیول با که داد	
اوشنه که بار که همی رجا و دیدر	فروغ فیض آفتی طناب جاد و دیدر
همی هوای خلک را اید محاق و ناله	که گاه کشته بد رستمی گاه با و دیدر
بابا نصیحت رگر خویست نه خدایت	ایدر فتاده چه یوسفی بر اوز دیدر
سهولت اید کسک و کور از ایدر	عق که طفل دلب مجوسیر و دیدر
نفوذ الحشم اید و بیابو هفت اجرم خدیو کشتور صفک حسنه جاد و دیدر	
سودا که خیال که دکش مکان آرر	شعر متاع نظم ایدر جک بر دکام آرر
دیوان بدست عینک جام ایدر پیر	اوصاف جمده بر غزل دست آرر
بیلک ایدر صنایع اید و نیجه کو چر	شمع قره صکره بینه است آرر
ایدر خیل حشمت تان جنجوی دل	جاسوس رهنمان اثر کار با آرر
هر صبح مهر زاله ربا گلدری جیسر	کویا متاع قافله بی دید با آرر

کوچه تیرنگار در رحم کت و در کیم	همای عشقه کو کل استبانه لازم
او شمع آتش کن موم اینک عاشق	شرفش فی آه استبانه لازم
بشد شوره تیر سیردی خوشکون	
بو گونه حسن داد و هبانه لازم	
بر کو کل کیم عاشق هر ماه فخرالاولی	شهره دود غنیمت همچون تخته زغال اولی
محنت او باریده بر زبان و لا خواب	عاقبت لکون در رخ زه قبالی اولی
افتابی افتاده ماهی ابر بالهنگ	کینه عشقه ده و لکیم جوج و نر بالی اولی
ایند بکنه بار غم قد هر مندی لام	انجاسی بر نهال میده دارک دال اولی
مهر عاشق کو با ماه فیض نور اید	عاشق مرآتیه چون تاب غلظت اولی
حالی می گشت آه بید بیان ایدم کر	چون کیم کور سده و نسا ملک حسی اولی
نظم خنده نه دم سیردک سیم و هبیا	
معذرت خواهی بچون خام گشت حال	
یارک پیام وصلی که جاذن خبر دیر	بر غره در که فسخ روانم خبر دیر
جرج بر افق لب زبان دلا	احوال شهر کوزه کنی زن خبر دیر
تا ساج ملک صبرده فریاد عشقا	افغانیان کرم عیان زن خبر دیر
محمود او غر عاقبت کاری تنگ	سوداگر دسه سودی زیاده خبر دیر
بر استانه نوز سوز زبکه و هبیا	
طبعی سر نه بهد اندن خبر دیر	
چنین جبین کیم که فند نازم	حل بدن فی ناخن دست نازم

چو قدن ملازمت بیده ز راستانکه	جاده و صاکی طمع استیکده آرد
غیر مثال سوخته کان محبت	محمود وجود و موده استبانه آرد
ساقی شرب لعل لبک کور کیم ند	حسین مید چون لب خیاره باز
کو حقیقه حقیقت است بکده رک	
و هبیا اگر چه سالک راه محب زرد	
خطا پشت لب کین لعلک پرواز در	نار کیمو صحن حرف یک سیر زرد
طبع ابر باب تجر و نیکو آرایشی	حسینی مادر ز دوستی رنگ غازه
نک جهان سکونه بر خنده و کلاه	یار و صحن ستم اول نخل حسنه ناز
بر زمان سر کرم صبا می صال بازم	سند ز غوغا خصل صورت خیاره
بر طنین ایدری صرخه و هبیا	
پشت دست حیرتی سدره آواره	
بر عاشقک دیر عالی نژاد و دار	بخت دستاره سندن بکته مرادی
ایم قرین منع فضا بد عاسنی	بر کیم ننگ باب حقه استادی
عشقه و فادر عالمی تسخیر امین	انجی جهانده مهر سیمای آدی
کامل نظر یانده نه نوک آسمان	بر کاسه شکسته به بزرگ آدی
ایتمر سخنده قدری تیر تیردی	عقل سلیم بون و کل تا عادی
و هبیا که ایندی قاضی حاجت الهی	
سندن فلک نه بهی نه خود بر مرادی	
اوله عجیبی کیم تپی باره سندر	زیر امتع فضل و کمالک کسدر

ضعیفم شوی که آهوسم با تپه پهلوی		صنوبر اول سیم کردن دوزخ بر زین
بدر کن جان کبی سینه جلوه دست مقصود		نماش سینه ای و بی حجاب جسم حاکم
دیوانه جنبش اول دیر می نماند	در کا	ایش بود
دل مست ناز نیر و کف کله مجله	دار میه با شمه کله جک واکس بود	
بشم عجبی جاسر بر زم تیغ	کله عشته کل ایچون بر ویش بود	
کو ستر دی طاقی منظره و ماه رو	عشقه عرض محرابه جک کو ستر بود	
سن بویه کار دشت غم اول لیلیان		دیر سیم عجبی و بی مجنون روشن بود
شب و صفا کله کله و زاره صفا	سنگله بر که صد سال استغفار صفا	
او صفا کیم جفر دم مطلع بر ویش بود	مغادر بوسه در استغفار صفا	
و جو دین نرم بولدیم نیه دکنه بن	دل باره صافو دم دینه سنگ صفا	
جفا ایله بی بر سنگله توید اول است	پازر صورت حال دلم دیواره صفا	
می خون دلم نوشن تیریز بیچ ویز چور	بینه خولایچنده ناک بر هپا صفا	
سر بن رفاص ساعت کبی قف کر ویش بود		کرش کجه دشوخته و بی آواره صفا
در دانه غره دن اول خندک ناز کچ	جامه بجه در آما که شاه بازی کچ	
ره خنال کوکل یک شک ایدر ایش	قشکه ناز ایل اول شاه عشته بازی کچ	
کوکل کچر سه کوزل ره کله عشته	دلی شاه سواره یکمک بنازی کچ	

خندک نخوتی دلسه عجبی سینه کدار		اوشوخ عشته کرک عاشقینه ناز کچ
سمند طبعیده بویه کیدر و بی اکر		طریق نظمده جوق کرم زکات زی کچ
خط سیاهی که ممرکده عشته	اثر نو ده بخت سیاه عشته	
کل سرامد کله اردن اولور عشی	اوخون نیه زیب کلاه عشته	
عجب کیم اینتر ایسه جور نی نکایت	بینه اوشاه جهان اوخواه عشته	
سرور و صلا انداخته جرخ اوسر	مه ده هفته وکل شیکلاه عشته	
دودن یاره اثر دن بو نظم ای و بی		مقال ناک سه نیراه عشته
اوتخل نازده اولو کیم مقرب ایشدر	ریاض قریده کچین مطلب ایشدر	
مقال غنچه اولور جوده کاهی دست قیل	اودکله نامه صفت مهر بر ایشدر	
نقاب حسنک ایدر کاه روی استور	کلی ب حسنک کوباکه مقاب ایشدر	
عق دکلدره اوبک تیرنجدر کویا	که چشمه سارا که اولی غیم ایشدر	
نغم می اوله بکاشنه بخش رخانی	خیال لعلک ایدر دل باب ایشدر	
اودا کست و جفا سنگله سنجه ایشدر	یا کله جرخ سنگ طفل ملک ایشدر	
جهانی مست ایدر که جام نظمده و بی		مقال سانی عجب شوخ منیر ایشدر
ویک و خاتم نازده رجانه لازدر	عواطف کر مایه بهانه لازدر	
عجبی ارده غم سینه م ایندی صند	هیدیه اول بت نو خطه شاه لازدر	

<p>ربیب جا بهنه الخب کلور کورینور</p>	
<p>عق الوده رخ دلبه میگون فمی کور کل ایند سنبی سیر اید بهم عجیده کورد کشت قدر بجزود ذوق و حاله بن کجه جف رنده اوسرین اید لوندانه خرامن سیر رخمی صوریه طبیب باورم در دین عالم آب کبی نفس بر آب استمرز</p>	<p>کلشن حسنده کفخنه بر سنبی کور ریز فند نه اوسیه لاکل خدر خمی اوسیه پونسی انجیده اوسیه چرمی کور حجر الاسودی سیر ایدیه زرمی کور کر زین ایزد پست پست اول سیر هنرک داریه در نا اوله خمی کور برزد سن عالمه سطر اوله خمی کور</p>
<p>برقد حله صوارم عقلی بن و جمی و شس سسن همان سانی بکا چاره دفعی کور</p>	
<p>یوسفده کور طعنی سبنو النور اول نخل تازه نک چکوز بزغن بدوم کند و به جذب ایدر دل سکاگاه در بای غده فلک نشینان شفته اولد قجه دیده سی رنده دلبه رنده</p>	<p>ار باب عشق او شاد و اول کده النور آمار قیب مبوه وصلن صنف النور پونا حسینه ساغنی کمره النور تقدیم رسم راه ایدر ناخده النور آواره دل مثال کبوتر چو النور</p>
<p>دشت نظمه کند به بولند قجه مهمان و بهی سمند طبع بهمان باد با النور</p>	
<p>شده میلده پیشرفنی نقاب انگور غرم ایدوب سوی خراباته ایق اینر</p>	<p>آب رخسار میلده دغ نقاب اوله کلور خاطر عاشق کبی مت خواب اوله کلور</p>

<p>ایوب بخت قبی خوش نسبه فریب خطنی کورده دل زلفه و خوش طین ایندی فرسودگن صبر دارم دلی حش افی که کونردم عای دلین</p>	<p>تابش رخسار چون موج سزاش مرده وصله و قبیج و تابش کور اول بلال بروشال بتابش کور آسمان سب دعای سجاد کور</p>
<p>آتکه دهبی نین آصفه و ترک و تاز خامه نه بر بنجه معنم کاب و کور</p>	<p>آصف عالی کاک کیم غبار باینه بخت و دولت رویال برستا کور</p>
<p>عذار خالدار یار لاله داغ بر لاله سه سعوده ای ساکراس سرخ نین دروننده و کله کو بر تابد و شکله فروغ مهر و ماهه شعله اوراک غلبر</p>	<p>نه لاله بکله و مهر و یه باله داغ بر لاله مذاق بحل نابکله سیاله داغ بر لاله صد فدا اول فم نازک مقال داغ بر لاله فلک بکچون رباب کماله داغ بر لاله</p>
<p>اکوکل بر زلف مشکینه جلر خوند که رویا و کله رانده خونین عساله داغ بر لاله</p>	<p>بقعه کوشش محمود فنا تحصیل بان شماعه اکا فلک جانکده امل سه و خورشید اف پرف چرخه عجبی اضطراب میر سه مرغ نیم بسجده رده دن صغمه زانک سیم دلبر قانه</p>
<p>جمائیم نستی باو خطنی ظل را ملر بم تار کیم دان اهل جود سحدر طر کبدر فلک شوق قد و کله کاک کوکل کیم ز جحر رده پای بسته بر کبدر کوزینه کله دی خون عاقبت شکر</p>	<p>بقعه کوشش محمود فنا تحصیل بان شماعه اکا فلک جانکده امل سه و خورشید اف پرف چرخه عجبی اضطراب میر سه مرغ نیم بسجده رده دن صغمه زانک سیم دلبر قانه</p>

سودای سزدن دلا و کین خلاص کنیم	
د بهی کبی سیر خط مشکینه اولور	
صبر و کین غمه او کیم بارغ اولور	کنج امید نائل دلوب کامکار اولور
در بسته دلسه شمد نو لرخانه سید	بر کون کلبد قفل امل سز کار اولور
مخوم نقد خواست و کور و کیم	در یوزه کار در که پرور کار اولور
دوران و دلوب بوکر دش ساز کور	در کار قید تقصیر دستار اولور
بر حیدر نهال مانی اولور او کیم	مانند ناک ز محجور کر به کار اولور
باری فیض نایبه جوی شک ایل	بینه نهال خشک مل میوه دار اولور
و حسی کوز آجدر ری فک دشمنه ندیم	
انی ده برغب را بر روز کار اولور	
سند بر کون نه جخانه اثر ناز اولور	صنعه نیک کلر یک یافت طنار اولور
میوفانی زن دهری کور و بقی	حیرت ندن دم موندده دهن باز اولور
طمع و صلت سودای خلک چو کر	بنی نیر ز جنون ایمل که از قاور
هر سر موی تنم اولسه زبان تقیر	ینه سر بسته در دنده پنجه راز قاور
نه قدر با دیه پوی غنم جبران اولسه	
صنعه اب دل و حسی سکن رقا اولور	
چشمی خاموش تغافل شمد کور اولور	اول قیامت قدره عاشق روز غنم اولور
بر بریده درس ناز حسی سیر سوز اولور	بروان باس باشد و بر سر راز و کور اولور
خط بن کوشنده نقد خاطر غنم	مضرب دصله مکر حسن مقرر سوز اولور

اکلمه سن سن سنا اهل عشقی زاهد	
حسین کویا دیو انور حبت آخر سوز اولور	
بو خیال ایچون ایدر طبعیده و حسی کف و کور	
خاطب کفو هنر در هنر و خیر سوز اولور	
لعل که در باب جام شراب قور	بر ناسکفته غنچه بی کویا که به قور
سحر ایدر متراج و پرو اب اش	ساقی که با ده بی قور شعله تاب قور
خیج کف چیره کیندن دل نکا	بهرام فتنه بیم ایدر تیغ قور
ارغاب یارید و غوی حسی قور	رفع نقاب ایدر سنج بر کون حجاب قور
اوله کمال غوه که دهر عاقبت سنی	کنجه هنر دنی اولک تراب قور
معنی لفظ روز ایدر کنجه دیک	روح کلای چند را اضطراب قور
و بهی پوشر تازه یه ایش نظیر و جوی	
یاران نظمه قید و بر بر بچ دتاب قور	
نه که دختر ز ساقیا کلور کور کور	وصال ست به دوق و صف کلور کور
اوشوخ پرده بر انداز ناز اولور کور	رخنده خطاسیه جایی کلور کور
کور و ب تدار کی قیدی شمد بدم	که ماه روزه بوکشب غلب کلور کور
جهانده مشی نه کلش نه خود کور کور	بقلمه کر چه اوشهدن وفا کلور کور
براقمه دائره کنج ناز هجرانی	زمان اولور اوبری رو سکا کلور کور
و طبعه خورضا در کشر روز کدم ماه	هر آبی باشندد کچون شمس کلور کور
کر سنده کان جان جیانه سیر ایل	قین و بوسف مصر حیا کلور کور
او ما بهاره کور کور کید رسه ای و بهی	

خدا یک غمزدون هر عاشقه سهمین بر اول شوخ	
گلشنه حقیقه و حبسی بی تا انتخاب ایر	
سخنه نام عالم گفته ناکفته ستر	که کاران حسنی جوهر ناسفته ستر
طایفه نیازیت باره نقشت ای دل	که خوابان جهان عاشقین آینه ستر
نقد و جان دلا ستر کجین عاشق ستر	کوره غبار کالای وصالک ستر
نفسه نهک ستر فوسکی حقه بکینه	دلعت قد عشقی دلا کیم خفته ستر
قدح نوت نم عشق ستر	فقط طبع نوزانه دل شفته ستر
بینه طوطی شکر کو خالکدن قبل ستنطق	
که ابرار صراف و جبا ناکفت ستر	
بنی بر حاله قودی جگر که عیار غلدر	حانه دست و کل دشمن غدا غلدر
رعد فریاده کلور برق غمده غلدر	دود آهم کور و ب دل بر که با غلدر
چغلین داغده ارمایه و کل کوزیاید	بوره کی عاشقه نالین در دیکر غلدر
قطره اشک دوزانه ترانه مد	ساز مجلسه کی زیر و هم او غلدر
حسبم بارک دوده جوی کبی بخشید	
اشک در زانه دکل زکس بیچار غلدر	
قبسم سرده شور که از تر که اسبلور	بولانه ده طپور که از تر که اسبلور
که ضایع ایر عسیمی که فردن ایدر	سربایه شعور که از تر که اسبلور
هر بار قد کاهه جیغشتر قیاس جود	اندره می داور که از تر که اسبلور
بر حاله قور خط حزن رین ستر	مانند غل غلر که از تر که اسبلور

ایمان شش فوس فرایقه دل مینک	
باز در دله زور که از تر که اسبلور	
و بهی چو بر قرار دکل کار روز کار	
موج عشم و سوز که از تر که اسبلور	
بنایز عاشق اید سینه بنان چبلور	کلبه آله چوق کنج س بجان چبلور
ند کلور جسم کازار جسم خونیم	و با نین جمیوب دل غمده لب بجان چبلور
کلبه فیض خدا اولمه قیه قیل کش	در امیده دلا صمنه هر زمان آبلور
بزار نسخه شناس زده ملزم اولور	و مجلس سحره که بجات دلباز چبلور
لهر نثار اویختن کلک و بهی حیرت ایر	
صدف مثال دبان سخنوران آبلور	
یا نوب با قدر بسم حال دل مشغول اولور	بنازه بشلم دل شمع چشم نقش اولور
خیال انگ اید و له عاشقک برار	کلکه داله مد کار کاش اولور
کلنجه جاذبه فریاری سینه به بلور	که غیره دقرب اید چوق کاش اولور
کور غمزه اولور قرین است	دشوق خوشی بی مهر عجب بر و نش اولور
باز رس بوغلی کلک خاوری بهی	
صحیفه مه تابان عجب منقش اولور	
کریه تبه اوله آه در و دل سینه اولور	آینه تیغه آب در لکه دین اولور
کشتی عقل و دن هم سودا به غرق اولور	خطاکت باد هم اید موج خیر اولور
بو بزم کده جرحه کش جام کام اولور	بر کون خمار با سله خمیازه بر اولور
طعن عدد دون دله ناکرم ناله	سینای سنگ غوره ناک از تر اولور

مرغانه با نسی دوزخ بر لبه عجبی	بر نغمه سنده دشت بیانی کوشن
نقارن لبه عاشق و لاشه دل	یوق چاره عشق آدمی بر درده دوشن
اغاز نغمه یب و بهی سنی قلم	
صوت نوای نظم حب فی خموشن	
او دنگه دادی ناگامی به لطف	نه بخت دونه نه لطف سپهر منت
اولور نتیجی سی لب خوار غم و حیرت	فراق لعلکله و لکه عین و عسرت
او خوشنک نوله یانده خنجر بوی	هلاک عاشقه تیر لکه کفایت
نقارن ایستاد رخ کور دک چو دنگ	او نور دیده یست به نظر احسان
رقیبک و کلکبری نه موز اولور	زنک زحمته را بکنه سرایت
یا ننده اولور لب کانی شکوه نوله	
او ماهی و بهی زار آیدن صیانت	
سر و جان کند وی با نه ظن	بزریم و بخش خزان ظن
خیمک نگا بوی دلی یا با نه ظن	میلم کور و لب فضا به غزاله ظن
چو کان درده کورک عاشق سیر	عشق لبه عشقی با زنی طفلانه ظن
اولس در نه صورت بخت دهر	کیم کورس کوی یاری صنم خایه ظن
فریاد به کلور لبیه ست شوخ دل	بن غله قه حالمی ستانه ظن
مرغ خیال یار ایدر دیده دستار	خرکانر بی خار و جنس لانه ظن
کور دیکه استناسنی دل شوخ	بر وضع ایدر که و لکنی یکانه ظن
و بهی نظام نظمی کیم کورس و فک	

زلف کلانه خانه سنی شنه ظن	
حیرت کور و لب خنده می سرور صا نور	ویرانه و دوسم نه معور صا نور
خاصیت داتم کدر اوش شو قدر کیم	ستانه و دوسم نه محور صا نور
جسم و به بکشد و لور بر غفلت	اربابی نلک عالمی لب کور صا نور
مب دست را طمنا ترک بجا خبان	فریاد و لم ناله رز بنور صا نور
ارباب تجلی کور یک نور جان	یارک سر کورین حبیل طور صا نور
سودی خطک شو به زبون لیدر سم	خاک سر کوریکه بهی مور صا نور
کوسن ملین افاس و بهی	
اغازه نامی قلم صر صا نور	
پریت مذرتجا در تنک به حیرت کور	نظام ستانه به حاجت کل کار کور
قلم سر صغیرین ترجمانی اولد یغن خلقة	ایدر چشمکله یا نامه اولور و بارین
نه ملکن ایشق مذان هموار کور و بهی	بنجه سر رسته به نظم اولد اولد
طوق و قه ستره در باره فیض	چو کشت آب داده زور و بر لطفه در
سیم نمون نوله عکس سواد جسم حیرت	
اولور سه زنک لبه و بهی ادرت زانور	
ندم اول بهی بین شکرین بیج و نایت	در و ن عاشقی تیر محبت شرح باب
کمان آت سلا مینه خم اولدم رکند	کجراون کیمی بقر و به بندر حجاب
بلکند در تیر آهیم منیبه تا شبر	انچون منزل جانانه شوقیده ستاب
چکلر حله حب فی اول شوخ کاندک	او دعوی آدمی بر بیج و نایت صواب

کیون بکسی فلک صد برتری کرد	دعای ربانده کردن پای قرقر
و بهی ابره لم سخنی آید به محفل	
الکسی اولور کبر باد صفت قدر	
حسرت چکر زبده رخسار نه بر بار	دیر فرسه نهال اطم نوله اگر بار
غواص اولدی قورم سینده چنک	مانند صدف دیده لرم اولد کبر بار
برق نکلک آفت خرمک جاندر	بقه فچه نوله ابر ایسم آه سدر بار
سندن کجک برونه قدر اولد کجک	خوش کلدی دکلدر باک نه کلدی بار
چون سایه سی ارباب دل جانی صفا	سروک بیوز قدری و بر سر کربار
چک نجب نعت سینه بی زار	مشهور مثلدر حشره دلمونی سربار
ای آینه روکلکی اولور طوطی خوشگو	
کله کجه دل جیبی یی اول یل شکر بار	
نه غوغا و نه کسب نه کسب مالدر	نقطه تفاخری ایل و لک کمالدر
غرض یاسر دبانک یا مومیا کدر	بو حیجاب دل آینه برین لالدر
اولور می مجلس استغیا نه کف و نه	یا نوب یا قلعه شمعک لالدر
اسیر زینت جاه و قار اولدر	صفای آینه خوا مشی صفالدر
چرینه رخ دلبره همچو صفر اولدر	حساب حسنه ترقی برنده خالدر
دل رمیده زبون اولد نوله لغندر	سمند سر کشتی ضبط ایمل شکالدر
بوروز کار ده کیم دار کلام ای بی	
ای کلش احوالی عتد لالدر	

بیل نظم که اهنک غوغا فی ایدر	نغمه سن جسم نیازه روح حیوانی ایدر
غنچه معنی بنم ریز اولور صد توبیه	چونکه حکرم از ور کل برامانی ایدر
ابر طبعم مایه دار فیضدر تا ویدیم	قطره کلک ترم دعوی عانی ایدر
ناده معین دلور جیب کلکم دین	طرحه مشکین حکرم کیم بریت فی ایدر
کوشک سر کوشل عجز ایدر بر بر شویم	
ایم کیم کیم کلکم غیب سحر سخندانی ایدر	
عاشقه زاهد کمره نصیحتی ایدر	کنده و نهخته اولان غیر طباطبی ایدر
نیجه بای کلن اولور دانه تسخیر	اوبری دعوت عشق قاجا بی ایدر
جلوه کر جانده مایه دن دلبری	صحن در بادیه پری چرخه سیاهی ایدر
کاد که بوسن با نکل اولور ممنون	عاشقک دوش جان یوق بره می ایدر
نامل وصلت اولور در دلداده دل	غایت الباب همان یوخه زیانی ایدر
زبر کلش عجز ایدر ده ای و جی	
خام طبع جهان شر که رختی ایدر	
اغزیه قد حیدر المعنه زلال نظم	حاسد دون عجب دفع حار می ایدر
لعلک غمیده دیده کیم آس خورس ایدر	کوکله ده جوهری اولان آینه جوتن ایدر
اولر قرار تازه رک داده نوشینه	ستانه جام شغنی بی صبر و پیون ایدر
مه صند شرعی جویب خواجک	کالای جسل دلبره عوض غرض ایدر
جوریه نکل ایدر با ننه جویب	عشق سر بر نه سنده کله پوسن ایدر

جانا طوغرسه مادر دنیا سگ کیست	ای کاش طفل عشوه نمایی بشیر بشیر
پست و جنبه براید یکن تیدی ریز	وضع انا مل کف و پایی بشیر بشیر
و بهی غزل فوادین بدوب سته کیست	
بر نیجه بیت تازه ادایی بشیر بشیر	
کوی چو کان قضا اینک سر سبز	عشقی کوک مشربان باز یو طغرسه
جسم لعل افشانی نیم کور سحر	سین شکم دستم ایلر نیجه در جاسوه
آه سرمدن کلوب خواب شکله نجا	برده چشم کورن میرهن رما صافور
رخنه دیوار روزن ذوق فرخ تیز	اولکه حیرتدن کور و بخت ختم نشانه
قدوم حیرتده بن مشق سنا بنگریم	اولین در دستای مشت دست افشان
راحت تیر نقد جان دین دوزخ ادرک	باشنه نسختری عالمی ز بند صبور
شویله دل مکرده در درگاه بل جاده	دست دعوت دسه دست زده دوا
عقد نطق و بی عرض اید بارانیم	
فیت خرمه اید کوهری بک صفا	
شیخ مغرور فتن کر سنی بالاجیه	دصف معراج ایدرک عوش معالی
هنک سسله جان کزده مایه جیه	بجر لافاب بلا ده دخی بالاجیه
لاله داغ درون شعله فراخ اوله	بود جاک نسبی شمع شب بالاجیه
کوستر عاشقه بیراقی بسجیه	بله و سیف اله و سنانی فخر بالاجیه
کمر بارلی بر طولا شق بولد لیک	بورای ی بیک نظر کوی تناییه
اینه نقیم صفا جری مقدس حلقه	سهم غم حقه داغ دل و ناییه

سنگه خواص نم مجره حسن ای خانه	کل نفس طوت برای کی در کمال جیه
ست چنادره مضمون سخنده و جی	
فور قرم طبع ریاضی اید دعویه جیه	
درون خنده نقش و فامی وار یوقدر	چو کیم فقط عالمده نامی وار یوقدر
اکا بقوب دل مجوره سیت و جیه	مکر سنگ کبی بر یوقای وار یوقدر
نظیر کی کورن حول اوله مکر جیه	جهانده کور مدیم دلر بای وار یوقدر
نجیل مشربه عرض سواک شکله	نداسته سبک بوغده دار کلامی وار یوقدر
جگر کدخته اید و اسی مشکله	حسد قدر کشته بر بلای وار یوقدر
دو شردی شاهره شجره تسکله	ره نسیمده هیچ نقش نامی وار یوقدر
اگر چه صبر کی فخر سبک آما	صبر دن و ز که بلا یه دومی وار یوقدر
لکاه ناز که تیر قضا دیکله شهما	ندان بوکینه سوزنده خطای وار یوقدر
تقیه اینکه دهبی جناب مخدومه	
طبعینده مکر حیرت اید وار یوقدر	
مدادی مجره نیک سر سبز کی شکله اوله	عقد طاق حسن ایدمی وار یوقدر
عالی اولور ذیل نره دن الهه اکتیر	بر اویجی نقل اید مجله طبعیر
تا آت غمکله بر اولو دله جیه	همما که ده جانده هجوم ایتدی تو قیر
چرخ غم سحر کله کوکل اولدن آما	جان نقدینی پاینده نازیکه صقیر
ز عینجه که زاهد کچنور مرغ بهشتی	طا و س صفت کیسه نوله قاره

هر مویم اولوب مشرق سر حقیقت	خورشیدستان ایندردنم نفس شیخ
غیرک نمندن بنی سیر اندر عشق	مهر لب آن اولدی بجا هر حدس شیخ
میدن بجز غلبه و کون نفس و شو	اولور که کرمتم امد درس شیخ
بر قافله سالاریدر باب سولک	که اولدر اولد قلب صدر جرس شیخ
داهی دمنه هو بکار باب حقیقت	
هر کیم که اولد منظر فیض نفس شیخ	
ساقی می عشق بجا سکردن الذ	دشنام بیک قند مکر دن الذ
بر درده خم عشق اولان باده تر	
بانه کلور باده کو ثردن الذ	
آلهی چون قند مکر یار دکنش نیر	ایدی کتار بن دل شیرین لیم قند نیر
جان دیر کیم کور سه جی هر شیرین	کیم کنی جوده شکر خواب اولوبت نیر
دیر اکنش بکده جاشنی نیشکر	فلک لعل سکر سیکله اولور حسرت نیر
نخی دود فراقک چلیک کیم صبر نیر	انقل شیرین کبی جان اولد صلت نیر
سیر جنبان قناعت رینه زحمت نیر	در در زار اولسه ند کلود و نیت نیر
ایران و مزاج دولتی ارباب جاه	حمیه لازمدر ند کلود و رشوت نیر
آزده رسن و لطفه دستا و بزه تا یاند نیر	
میوه نظم سر دکنسه و بیبا غایت نیر	
زهد ای عشق الفت پیر او قار و قور	عاشق چکر می چله جور ای دوزار و دوز

خافل رقیب خلق ایس کو بکده جان نیر	بازارگاه عشقه ریج اولکار و کور
کنج بکده جان ضعیف یتیم است	شند لبک یا دانه خالک و مار و کور
اول جسم مست بند می اف نظر نیر	اولیه صغن رقیبه دید کجه او یار و کور
زاهد قولان عشقی چراگاه جره دوس	ای خرمنا دانه بو غارک و تار و کور
خم سده ای کنج خرابه کور و کور	بولدم ظفر و فینه به اولدی او غار و کور
بکر می شمع حسن بن مهر و نیر	وار فرقی کفر دین قدر دل او تار و کور
میکش فواضل یتیمه زبانه کرسی	شرح محبت وزره کور و کور و کور
کوشن میوب و لاف سر تنه ناکس	کور کجه مرغ بهابی حضورم و جارا و کور
ابر لعل ارج سیدر دیده و بیبا	
می دوک و دمنه بزمه او یار و کور	
اوماه نور سیده شوید نازک جهره	رحنه زحم صنمک جارا کت نیر
کیمک زرده دندانی و شدر دیم	کوزر سبب دهنده رجمی رنجور نیر
عرقچی شفق کو یا حبیبی ماه غار	باشنده زحم روی اختر برج نیر
جمالی مصطفی زحم روی موم سر	سبحان ان حسنک در عشقینه عکس نیر
دکدر زخم عکس جسم خونیم بد	رخ باکنده کیم آینه حسن چندر
کور و ب زحم تو له بیل دش افغان شیر نیر	
نه زخم اول غنچه اشکفته کلن نیر	
چکون و سجده سینی رای بشیر نیر	ایسون حساب نذر ریای بشیر نیر
هس کاله معارفه و یردم شمار نیر	نقدینه حواس و فوای بشیر نیر

بیمه فروز زده دلوب کجی حیرت	بشکله نمایافته در کاش حیرت
کله ی خطی حسن پرده خوانه نوله بوسه	کله ک تات بد پردن حیرت
باز دوسه نوله صبح و مسایده حیرت	دیرا کله د جان دودر روزن حیرت
آب کله کله هر بادنی صولار ل	کیم زرد قو بر بوبه کل دمن حیرت
شعبه ز غم دخته در چشم مبدم	تار کله اولدی غم سوزن حیرت
سودای خطک صند بنی ندر سینه	عقل اولدی سبه پوشا بد سوزن حیرت
دل شعله رخ و سیدی به دوزخ حیرت	آفت زده برق کله حیرت
ملکنی کوشک غم بجز انده حسی	
طافتمی قودی حمله سیر طعن حیرت	
فرکانک به زده چشمک سبک	کبرمش بری سیرینه سبک
دار هر قدر مدد جخطر چشم بودن	خافده رعیت بار پرستان جاده
خفنی شمشیر خنجر فرکان بدوب کله	دستار کچ کلاه شک نگاه
چشمک غمیده دیر سه سر شکم زمین	ز اس کبی دمیده داور هر کجاده
بمنش کشیده خنجر تاغیری کند	چشمش هنوز میکرده دلن آه
چشمک نورش میسون خمدارینه	حجم دیکر در آب عذر کجاست
دعوی نبوت بو نوز داور سه کجاست	
صفای محله کلکون پایله در عیش	
بی لطافت کلزاره لاله در عیش	

عفت غنی بر آب و تاب یه خطی	طافتمی حیرت نه ناله در عیش
چو دود غبر سر را دغان آهمن	بویج و تاب دوشکین کلاه در عیش
مسال طوطی خوشای بر شو دایک	جلای کینه سیرین ناله در عیش
رین صفحه ده اولما غه کوه خیز ناله	
عنان خامه بی و حسی ناله در عیش	
اور سه عجمی شعله رخ ریا ر مویج	
ایتدی قماش حسنک افزون بو	چون روی کار کلاه ایدوب خطا ر مویج
جار ابرو دانی ایدی ارام تر تاه	مشتی عقلی مضطرب ایتدی دجار مویج
ایتدی خورشید نشسته عو قیز خلک	اولدی کنی تریجه کوه سر تار مویج
اول سه طاعتی لطفی قصه تاه	اوله کنان کبی نه عجب تار مویج
اوله چور روز کار ایدیه ممکن مقابله	جز سه نوله مصافیم ایدیه کنی مویج
بحر سبه کبی یلم سودا خورشید ایدر	
اور دجه و هب خطا زنگار بار مویج	
ساقی مکن پا ده به وقت باره سچ	عیش دلدن و صابون ایدیه طهر سچ
صون جام لبک دست طایفه با کیم	
نقل اوله ترنج غنچه و سبب نینج	
مهر اوله کل جای عجب شین سچ	
آبستن صد فیض سحر نفس سچ	